H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
چهارشنبه | ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ | شماره ۴۰۳۸
۱۲ صفحه
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

درباره بسازبفروش‌هایی که برای دور زدن شهرداری، درختان را اجاره می‌کنند تا ظاهر را حفظ کرده و پایان کار بگیرند

چنارهای ۵۰ میلیونی برای پایان کار قلابی

قیمت هر درخت ۵۰ میلیون تومان بدون هزینه جرثقیل و کاشت و خدمات دیگر است صفحه ۹

گزارش هفت‌صبح از آثار تاریخی ایرانی که فردا در حراج کریستی به فروش می‌رود

سارقان کت و شلواری تاریخ ایران

- فردا ۱۲۹ اثر از جمله سنگ قبر دوران تیموری، قرآن‌های تاریخی و ۶۵ فرش نفیس در حراج کریستی لندن به فروش گذاشته می‌شود
- چون اغلب این آثار ثبت نشده‌اند، ایران نمی‌تواند ادعایی بر مالکیت آنها داشته باشد

صفحه ۶

به بهانه دهم اردیبهشت، زادروز آتیلا پسیانی

هنرمند همیشه جاودانه ایران

زندگی و آثار پسیانی هنوز هم در قلب هنردوستان ایرانی باقی است

صفحه ۴

تاثیر اعتماد و گفت‌وگوهای پایدار بر مسیر تاریخی جهان

شام نجات اروپا

اسقف اعظم واتیکان و مشاور امنیت ملی آمریکا به جلوگیری از حمله شوروی به لهستان کمک کردند

صفحه ۱۲

نازنین عباسی در گفت‌وگو با هفت‌صبح از ماجرای تلخ قتل همسرش، کاظم مصدق محیط‌بان گلستانی گفت

تا پای جان برای نجات طبیعت ایران

دو مظنون به قتل کاظم مصدق دستگیر شده‌اند اما هنوز در مورد جزئیات جنایت ابهام وجود دارد

صفحه ۷

کاریزمای سیاستمداران چگونه زیر سایه تکنولوژی رنگ باخت

پایان عصر کاریزما

با رشد شبکه‌های اجتماعی هر لغزش سیاستمداران فورا دیده می‌شود و محبوبیت آنها به سرعت آسیب می‌بیند

صفحه ۲

به بهانه تیتراژخوانی شروین حاجی‌پور برای «وحشی»

بازگشت صداهای توقیفی به عرصه رسمی هنر

محسن چاوشی، یاس و فرزاد فرزین، خوانندگانی که دلیل توقیف فیلم‌ها بودند، حالا انتخابی برای حضور ثابت در تیتراژ سریال‌های تلویزیونی شدند

صفحه ۵

دو ژاپنی سرشناس در ایران چه می‌کنند؟

نونوکا اوزاکی عاشق حسن یزدانی و شیفته تهران

صفحه ۱۱

مردی که ترامپ را به چالش کشید، نخست‌وزیر کانادا شد

مارک کارنی: ما آماده‌ایم

تعرفه‌های ترامپ، انگیزه‌ای برای اتحاد ملی در کانادا به وجود آورد

صفحه ۱۰

«کوچه» در بوشهر، صدای فرهنگ را بلند کرد

از بچه‌های کوچه یاد بگیریم

صفحه ۱۲

وعده باز حرفه‌ای

مرور کارنامه ۱۰۰ روزه دولت ترامپ که با وعده‌های بزرگ آغاز شد

صفحه ۱۰

یادداشت

نقدهایی درباره مرمت ابنیه تاریخی

روح این خانه‌ها کشته می‌شود!

سید محمود چاوشی
مرمتگر

در میان پروژه‌های مرمتیِ ابنیه تاریخی، بیشتر کارها زیر نظر کارشناسان وزارت میراث فرهنگی و بر اساس استانداردهای علمی انجام می‌شود؛ اما متأسفانه در بعضی از کارها، مداخلات سلیقه‌ای و غیراصولی وجود دارد که نیازمند بازنگری است.

برای نمونه، چند سال پیش در گفت‌وگو با یکی از استادکاران باسابقه کاشان متوجه شدم که او در مرمت برخی بناها، بخش‌های فاقد تزئینات را به میل شخصی طراحی و اجرا کرده است. در بازدید از حمام سلطان امیراحمد، این تغییرات را به من نشان داد؛ طرح‌هایی که هیچ پایه تاریخی نداشتند و صرفاً سلیقه فردی بود. نگران‌کننده‌تر آنکه برخی پروژه‌های مرمتی صرفاً به بازسازی کالبد فیزیکی بنا می‌پردازند، در حالی که به حیات اجتماعی و اقتصادی آن توجهی نمی‌کنند. نمونه‌های متعددی وجود دارد که پس از مرمت، تمامی یا قسمتی از مشاغل و فعالیت‌های بومی که در طول دهه‌ها در آن بنا جریان داشته، از بین رفته است. این رویکرد اگرچه ممکن است ظاهر بنا را احیا کند، اما در واقع روح زنده آن را می‌کشد و آن را به پوسته‌ای بی‌جان تبدیل می‌کند . در حال حاضر برای بعضی از مسئولان، خانه‌های مردم عادی بی‌اهمیت است و حفاظت از بناها به صورت سلیقه‌ای انجام می‌شود. مثلاً تصمیم گرفته می‌شود که عمارت اربابی مرمت شود اما مسجد، آب‌انبار و خانه رعیت‌ها تخریب می‌شود. در نظر داشته باشید که کاخ‌ها و معابد هم زمانی ارزش بیشتری پیدا می‌کنند که در بستر اولیه خود باقی بمانند. اگر فعالان میراث فرهنگی همواره فریاد می‌زنند که بناها و بافت‌های تاریخی را تخریب نکنید، دلیلش صرفاً گردشگری، زیباشناسی یا هویت جمعی نیست، بلکه بیشتر به نگه‌داری و شناخت ساختار زندگی مردم توجه داریم که این ساختار می‌تواند درون یک شهر یا روستا قرار گرفته باشد. همچنین بعضی افراد یا نهادها به شکلی آگاهانه و در پوشش حفظ اصالت، تغییرات ساختاری گسترده‌ای در کالبد بناهای تاریخی ایجاد می‌کنند تا آنها را برای اهداف تجاری (مانند هتل‌سازی یا مراکز خرید) آماده سازند. این اقدامات که گاهی با شعارهای فریبنده‌ای مانند «احیای کاربری هوشمند» همراه است، در واقع تخریب هویت واقعی اثر به بهانه نوسازی است. شاید اگر گزارش‌های دقیق مرمت به صورت عمومی منتشر می‌شد، جامعه زودتر از این اقدامات غیرکارشناسی آگاه می‌شد. شفافیت نه‌تنها از اشتباهات جلوگیری می‌کند، بلکه زمینه‌ساز مشارکت مردم و نقدهای سازنده می‌شود.

شکاف بین محیط کار و فضای آکادمیک

از دیگر مواردی که در حوزه مرمت می‌تواند مورد نقد قرار گیرد، شکاف بین محیط کار و فضای آکادمیک است. دانشگاه‌ها معمولاً بر مبانی نظری و مدل‌های ایده‌آل تمرکز می‌کنند، اما هنگام مواجهه با واقعیت‌های عملی در حوزه‌هایی مانند مرمت، این نگاه نظری با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود. در فضای آکادمیک، راهکارها باید دقیق و مبتنی بر شواهد علمی باشند، حال آنکه در عمل، تصمیمات بر اساس تجربه، شرایط محیطی و حتی مصالحه‌های ناگزیر گرفته می‌شوند. مسئله دستمزد و فهرست‌بهای مرمت نمونه بارز این ناهماهنگی است؛ در حالی که هزینه‌ها بر اساس شرایط استاندارد محاسبه می‌شوند، اجرای پروژه در موقعیت‌های دشواری مانند پایه‌های سست یا سقف‌های در حال ریزش نیاز به زمان و هزینه بیشتری دارد، اما در نهایت همین مبالغ ثابت برای تمام شرایط در نظر گرفته می‌شود. ادامه در صفحه ۶

گزارش

سرزمین کانتینرها و کشتی‌های غول‌پیکر

تجارت ایران با دنیا از بندر شهید رجایی آغاز می‌شود

در ساحل نیلگون و آفتاب‌دیده خلیج فارس، جایی که افق با کشتی‌هایی از اقصی‌نقاط جهان آراسته می‌شود و نگاه‌ها از دریا به خاک ایران دوخته شده‌اند، یکی از مهم‌ترین شریان‌های اقتصادی کشور می‌تپد؛ بندر شهید رجایی، قطب بی‌رقیب تجارت دریایی ایران.

این بندر فقط نقطه‌ای بر روی نقشه نیست، بلکه قلب تپنده اقتصاد دریایی کشور است؛ شاه‌راهی حیاتی که میلیون‌ها تن کالا، هزاران کشتی، و میلیاردها دلار مبادله تجاری سالانه از آن عبور می‌کند. بندری که نه‌فقط سکوی بارگیری، بلکه سکوی اتصال ایران به جهان است.

اما این روزها، صدای سوت کشتی‌ها با صدای مهیب انفجار و آتش گره خورده است؛ حادثه‌ای که آتش در دل یکی از مهم‌ترین مراکز لجستیکی کشور افکند و خسارت‌های قابل‌توجهی بر جای گذاشت.

برای درک جایگاه بی‌بدیل بندر شهید رجایی، کافی است نگاهی به اعداد و امکانات آن بیندازیم: از ۲۳ دستگاه جرثقیل دروازه‌ای و ساحلی که به‌طور هم‌زمان عملیات تخلیه و بارگیری را سرعت می‌بخشند، تا اسکله‌هایی با عمق بالا که پذیرای کشتی‌های اقیانوس‌پیما هستند.

پیش از حادثه، این بندر به‌تنهایی بیش از ۸۰ درصد بار کانتینری کشور را جابه‌جا می‌کرد و با اتصال ریلی و جاده‌ای به مراکز صنعتی و مصرفی، نقش محوری در زنجیره تأمین ملی داشت. در پس هر عدد و هر تجهیز، داستانی از سرمایه‌گذاری، توسعه و اتصال ایران به تجارت جهانی نهفته است.

اکنون با نگاهی دوباره به این شاه‌بندر، باید پرسید: چگونه می‌توان از این زیرساخت حیاتی محافظت کرد؟ و بازسازی آن با چه چشم‌اندازی می‌تواند به مسیر پیشرفت بازگردد؟

۲۴۰۰ هکتار وسعت بندر شهید رجایی است
این بندر در دو فاز طراحی شده و با وسعت ۲۴۰۰ هکتار، بزرگ‌ترین بندر تجاری کشور محسوب می‌شود و نقش مرکزی در واردات، صادرات و ترانزیت کالا از جنوب ایران دارد.

۱۰۰ میلیون تن ظرفیت سالانه بندر است
زیرساخت‌های پیشرفته و تجهیزات مدرن در بندر شهید رجایی آن را قادر ساخته تا سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون تن کالا را در بخش‌های مختلف تخلیه و بارگیری کند.

۶/۳ میلیون TEU ظرفیت کانتینری این بندر است
ظرفیت جابه‌جایی سالانه کانتینر در بندر شهید رجایی ۶ میلیون TEU (واحد معادل بیست فوت) است که آن را به قطب اصلی ترانزیت کانتینری ایران تبدیل کرده است.

۹۰/۴ میلیون تن ظرفیت جابه‌جایی کالا را دارد
این بندر توانایی دارد تا سالانه ۹۰ میلیون تن کالای غیرکانتینری را از طریق اسکله‌ها و محوطه‌های بارگیری خود مدیریت و منتقل کند.

۴/۵ هزار کشتی ظرفیت پذیرش سالانه بندر است
سالانه حدود ۴ هزار فروند کشتی شامل فله‌بر، نفتکش و کانتینری در اسکله‌های بندر شهید رجایی پهلو می‌گیرند که نشان‌دهنده ترافیک بالای دریایی آن است.

۱۸/۶ پست اسکله برای کشتی‌های اقیانوس‌پیما دارد
بندر دارای ۱۸ پست اسکله برای پهلوگیری کشتی‌های بزرگ و اقیانوس‌پیما است که نقش حیاتی در اتصال دریایی با بنادر بین‌المللی ایفا می‌کنند.

۱۴/۷ متر عمق اسکله‌های کانتینری است
اسکله‌های کانتینری بندر دارای عمق ۱۴ متر هستند که امکان پهلوگیری کشتی‌های بزرگ با ظرفیت بالا را فراهم می‌کنند و برای حمل‌ونقل جهانی حیاتی‌اند.

۲۳ جرثقیل دروازه‌ای در محوطه کانتینری فعال است

۸۷ درصد از صادرات کانتینری کشور
بیشتر حجم صادرات کانتینری کشور از طریق بندر شهید رجایی انجام می‌شود که جایگاه بی‌رقیب آن در شبکه حمل‌ونقل بین‌المللی ایران را نشان می‌دهد.

۲۰۰ هزار مترمربع انبار سرپوشیده دارد
فضای وسیع انبارهای سرپوشیده در بندر برای ذخیره‌سازی موقت کالاهای وارداتی یا صادراتی قبل از ترخیص یا بارگیری مجدد استفاده می‌شود.

۷۰ درصد ترانزیت دریایی کشور از بندر
این بندر سهمی حدود ۷۰ درصدی از کل ترانزیت دریایی کشور دارد و نقشی کلیدی در اتصال ایران به مسیرهای تجاری بین‌المللی ایفا می‌کند.

بندر شهید رجایی؛ قلب تپنده تجارت ایران

بندر شهید رجایی نه تنها به‌عنوان بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران شناخته می‌شود، بلکه دروازه‌ای است به سوی اقتصاد جهانی. از ظرفیت‌های عظیم کانتینری گرفته تا پذیرش هزاران کشتی، این بندر نقش بی‌بدیلی در توسعه تجارت، حمل‌ونقل و ایجاد پیوندهای اقتصادی ایران با دیگر نقاط جهان دارد. با توجه به رشد روزافزون ظرفیت‌ها و امکانات این بندر، می‌توان به آینده‌ای روشن‌تر برای اقتصاد کشور امیدوار بود.

نگاه

برای «خلیج فارس» که این روزها سوگوار «بندرعباس» است

جانِ جاریِ جنوب

حمیدرضا محمدی
روزنامه‌نگار

پروای خون کیست
که این چنین خلیجِ عزادارِ فارس را
غیرت‌نما نموده است؟
منوچهر آتشی

امروز، دهم اردیبهشت، به نام «خلیج فارس» مسمی یافته است. همان روزی که با رشادت امام‌قلی‌خان، سردار صفوی و امیرالامرای فارس و سربازانش، به ۱۱۷ سال سلطه جابرانه پرتغالی‌ها بر جزایر و بنادر خلیج فارس خاتمه داده شد و اصلا همین هم سبب شد تا بندر گمبرون به بندرعباس تغییر نام یابد.

در سال ۱۵۰۷ میلادی آلفونسو دوآلبوکرک، دریاسالار پرتغالی، در زمان بنیانگذار دودمان صفوی، هرمز و دیگر بنادر و جزایر جنوبی ایران را تصرف درآورد و برای دورانی طولانی، چون کنترل کامل بازرگانی میان هند و اروپا از طریق خلیج فارس را در اختیار پرتغالی‌ها قرار داد، باعث تغییر کامل موازنه قدرت و تجارت شد. اگرچه زور ایرانی‌ها به آنان نمی‌رسید اما ماجرا به همین‌جا محدود نماند و حدود یک‌سده پس از این، در سال ۱۶۰۲، حاکم بحرین نخستین کسی بود که به مقابله برخاست و همین هم، آغاز راهی شد که ۱۵ سال بعد، البته با مشارکت انگلیسی‌ها، ابتدا به آزادی قشم و سپس هرمز منتج و منجر شد. و این‌چنین در آخرین روز آوریل ۱۶۲۲ (دهم اردیبهشت ۱۰۰۱) بنادر و جزایر خلیج فارس دوباره به مام وطن سنجاق شدند.

حالا اما درست در چنین روزهایی که باید غریو شادی از جای‌جای این پهنه آبی می‌شنیدیم و برای این روز ملی مفتخر به آن می‌بودیم و به جشن می‌نشستیم، بندبند خلیج فارس غرق در ماتم و عزاست و چه غریب که کانون این سوگ، بندرعباس است. همان دیاری که ۴۰۳ سال پیش، دلیرانه و رشیدانه در برابر اشغالگران ایستاد و در همه سال‌های پس از آن نیز چنین بود و به یکی از قطب‌های تجاری و دروازه‌های ایران بدل شد، حالا باید بایستد و در غم فرزندان خود خون بگرید اما خم به ابرو نیاورد. سرزمین هرمزگان که حتی نامش را هم از هرمزِ آزادشده چهار سده قبل وام گرفته است، نه‌فقط نبض اقتصاد ایران را با بندر شهید رجایی‌اش در دست دارد که قلب ایران است و پاره تن آن. و اگر چنین نبود در این سوز جانکاه، تمام میهن، یکسره برایش از جای بلند نمی‌شد و به همراهی‌اش نمی‌رفت. در روز ملی خلیج فارس، به احترام و احتشام همه دریانشینانِ دریادل به‌ویژه اهالی بندرعباس و هرمزگان تمام‌قد می‌ایستیم و کلاه از سر برمی‌داریم که هرچه دارند از این پهنه آبی دارند و ما هرچه داریم از آنان و پاسداری و پاسبانی‌شان از مرزهای آبی سرزمین‌مان داریم. خلیج‌فارس خط قرمز ماست، حتی اگر برخی بخواهند پیشینه را تحریف و تجعیل کنند و گذشته نداشته‌شان را با آن، برای خود بسازند اما زهی خیال باطل....

یادداشت

پارادوکس تصمیم‌گیری در ساختار حکمرانی

مدیریت در حلقه بسته جلسات

چرا سیاست در برابر چالش‌های واقعی، همچنان در لابه‌لای صور تجلسه‌ها گرفتار است؟

محمد حاجی‌مومنی
هفت‌صبح

در ایران، هر بحرانی که سر برمی‌آورد، پشت در اتاق‌های پر ازدحام جلسات متوقف می‌شود. نشست‌های پیاپی برگزار می‌شوند، صورتجلسه‌ها انباشته می‌شوند، اما آنچه تغییر نمی‌کند، کیفیت زندگی مردم است. جلسه‌ها به جای آنکه موتور محرک تصمیم‌سازی باشند، به ایستگاه تعویق و تعلل تبدیل شده‌اند؛ پدیده‌ای که بیش از هر چیز، تحلیل اعتماد عمومی را به دنبال داشته است. این گزارش، سفری است به درون ساختار حکمرانی دولتی که در حلقه بی‌پایان نشست‌ها گرفتار مانده است.

جلسه به عنوان نشانه کار، نه وسیله حل مسئله

در بسیاری از موارد، جلسه از جایگاه اصلی خود به عنوان ابزار حل تعارض و تسریع تصمیم‌گیری خارج شده و به خودی خود به هدف تبدیل شده است. فرهنگ حاکم بر بسیاری از نهادهای دولتی و سیاستی، بر این باور استوار شده که تشکیل جلسه، حتی بدون نتیجه، معادل با «فعال بودن» و «پیگیری امور» تلقی می‌شود. این نگاه، به تدریج فضای سیاست‌گذاری را از تمرکز بر نتیجه و کارآمدی به سمت تشریفات و ظاهرگرایی سوق داده است. گزارش‌های متعدد خبری از جلسات مقابله با آلودگی هوا، خشکسالی، بحران‌های ارزی یا ساماندهی بازارهای اقتصادی، حاکی از چرخه تکراری بحث و بررسی بدون تغییر معنادار است. در جریان بحران‌های زیست‌محیطی مانند وضعیت دریاچه ارومیه، سال‌ها نشست‌های متعدد در سطح ملی و استانی برگزار شد؛ در حالی که پیشرفت طرح‌های احیایی همچنان کند و بعضاً متوقف ماند. در حوزه‌های اقتصادی نیز، سیاست‌هایی چون مدیریت بازار ارز یا قیمت‌گذاری کالاهای اساسی، قربانی تأخیرهای بی‌پایان در تصمیم‌گیری شدند.

پارادوکس تصمیم‌گیری گروهی؛ وقتی اجماع، عامل کندی می‌شود

در تبیین علمی این پدیده، نظریه «تفکر گروهی» (Groupthink) که توسط ایروینگ جانیس در دهه ۷۰ میلادی مطرح شد، راهگشاست. بر اساس این نظریه، گروه‌هایی که در تلاش برای حفظ انسجام و همگرایی درونی خود هستند، به تصمیم‌هایی سطحی و محافظه‌کارانه تن می‌دهند. این نوع تصمیم‌گیری، ریسک‌گریز است و به تأخیر در انتخاب‌های سخت یا جنجالی منتهی می‌شود. در بسیاری از جلسات سیاستی ایران، همین پدیده مشهود است؛ جلسه‌ای که به جای مواجهه صریح با اختلافات یا اتخاذ تصمیم‌های قاطع، در گزارش‌دهی کلی و تکرار دستورکارهای گذشته متوقف می‌شود. نتیجه آن است که تصمیم‌های نهایی یا بسیار دیر اتخاذ می‌شوند یا چنان مبهم هستند که زمینه اجرایی پیدا نمی‌کنند و نتیجه آن گزارش‌هایی می‌شود که رهبر انقلاب آنها را مهمل می‌خواند. همزمان، فرهنگ سلسله‌مراتبی و پرهیز از پذیرش مسئولیت، به گسترش «مسئله‌گریزی» در جلسات دامن زده است. مسئولان ترجیح می‌دهند تصمیم‌های حساس را به کمیته‌های بعدی، کارگروه‌های تازه یا بررسی‌های بیشتر موکول کنند. این مدل از اداره امور، در بحران‌هایی چون شیوع کرونا در ماه‌های نخست سال ۱۳۹۹ به‌وضوح دیده شد؛ جایی که تصمیم‌گیری‌های قاطع برای قرنطینه یا مدیریت سفرهای نوروزی بارها به تأخیر افتاد و زمینه شیوع گسترده‌تر بیماری را فراهم کرد.

هزینه‌های پنهان جلسه‌زدگی بر پیکره سرمایه اجتماعی

یکی از پیامدهای جدی این فرهنگ، فرسایش تدریجی اعتماد عمومی است. شهروندانی که بارها شاهد برگزاری جلسه‌های پرطمطراق درباره‌ی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا محیط زیستی شده‌اند، اما تغییری در کیفیت زندگی خود مشاهده نکرده‌اند، دچار نوعی بی‌اعتمادی ساختاری می‌شوند.

تحقیقات Governance Lab در دانشگاه نیویورک نشان می‌دهد که تأخیرهای مکرر در تصمیم‌سازی، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری احساس ناکارآمدی دولت‌ها دارد. این تأخیرها، نوعی بی‌حسی جمعی نسبت به تغییرات واقعی ایجاد می‌کند و مشارکت اجتماعی را به تدریج تضعیف می‌کند. در فضای سیاسی ایران، تکرار خبرهایی چون «تشکیل کارگروه ویژه»، «بررسی کارشناسی در کمیسیون‌های تخصصی» یا «تصویب در جلسات متعدد» بدون ارائه گزارش اجرایی روشن، به گسترش شکاف میان دولت و ملت دامن زده است. این شکاف، چنانچه ترمیم نشود، خطر نهادینه شدن بدبینی سیاسی را در پی خواهد داشت؛ پدیده‌ای که مشارکت در انتخابات یا حمایت عمومی از سیاست‌های اصلاحی را دشوارتر می‌کند.

از سوی دیگر، هزینه‌های اقتصادی جلسه‌زدگی نیز قابل اغماض نیست. تعویق در تصمیمات مهم اقتصادی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، رشد تولید و افزایش اشتغال را از بین می‌برد. در فضای کسب‌وکار، هر تأخیر در تصمیمات کلیدی معادل با افزایش ریسک، کاهش انگیزه و فرار سرمایه‌های خرد و کلان است.

تجربه جهان؛ از جلسات فشرده به مدیریت چابک

بررسی تجربه کشورهایی چون نیوزیلند، فنلاند و آلمان نشان می‌دهد که کارآمدترین دولت‌ها، جلسات کوتاه، هدفمند و شفاف برگزار می‌کنند. در این کشورها، هر جلسه الزاماً با دستورکار روشن، تقسیم مسئولیت مشخص و مهلت زمانی برای اجرای تصمیمات همراه است. دولت نیوزیلند در مدیریت بحران کرونا، با برگزاری جلسات کابینه کوتاه اما مؤثر، توانست در کوتاه‌ترین زمان، تصمیم‌های قرنطینه‌ای سختگیرانه و بسته‌های حمایتی را تصویب و اجرایی کند. این مدل نشان می‌دهد که چابکی در تصمیم‌سازی، عامل مهمی در افزایش مشروعیت حکومت و اعتماد عمومی است.

الگوی موفق کشورهای پیشرو، بر اهمیت جایگزینی فرهنگ «جلسه برای جلسه» با فرهنگ «تصمیم برای اقدام» تأکید دارد. در این مدل، هر جلسه به منزله آغاز یک اقدام مشخص تعریف می‌شود، نه ابزاری برای تعویق بحران‌ها یا حفظ ظاهر فعالیت.

عبور از جلسه‌زدگی با تصمیم‌سازی شجاعانه

سیاست ایران برای عبور از این چرخه فرساینده نیازمند یک بازنگری جدی در سازوکار جلسات مدیریتی است. جلسه باید به ابزار تصمیم‌سازی تبدیل شود، نه به هدف خودبسنده حکمرانی. ضروری است که جلسات با دستورکار محدود، زمان‌بندی مشخص، تعیین خروجی روشن و الزام به گزارش‌دهی به افکار عمومی برگزار شوند. سیاستمداران و مدیران باید جسارت تصمیم‌گیری قاطع، مسئولیت‌پذیری در برابر نتایج و شفافیت در عملکرد را سرلوحه کار خود قرار دهند. بازسازی سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و بهبود کیفیت حکمرانی در گرو عبور از فرهنگ جلسه‌زدگی و حرکت به سوی سیاست‌ورزی نتیجه‌محور است. آینده سیاسی کشور، نیازمند سیاستمدارانی است که بیشتر عمل کنند تا وعده دهند؛ بیشتر تصمیم بگیرند تا جلسه برگزار کنند.

روایتی از سفر مسعود پزشکیان به باکو:

پلی تازه بر رودخانه همسایگی

از نظامی گنجوی تا شاهکارهای مشترک؛ پزشکیان پلی بر میراث فراموش شده زد

در هوایی گرم و صمیمی، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران با چهره‌ای گشاده و سخنانی از دل برخاسته، پا به خاک باکو گذاشت. سفری که از همان نخستین لحظات، فراتر از دیدارهای رسمی و مذاکرات سیاسی رفت و رنگی از فرهنگ و احساس بر خود گرفت. از باند فرودگاه بین‌المللی باکو تا صحن تاریخی مسجد بی‌بی‌هیبت، همه جا نشانی از آغازی تازه در روابط ایران و جمهوری آذربایجان دیده می‌شد. رئیس‌جمهور در سفر یک روزه خود به باکو گفت: با اتفاقاتی که در کشور رخ داده، باید سریع‌تر آذربایجان را ترک کرده و به پیگیری کارها برسیم و در آینده نزدیک نیز، به این کشور خواهیم آمد؛ وقتی در این کشور هستم، گویا که در تبریز و اردبیل هستم. پزشکیان علاوه بر زبان دیپلماسی با زبان شعر و احساس هم، به استقبال مردمانی رفت که روزگاری خانه و فرهنگ‌شان بی‌مرز با یکدیگر تنیده بود.

پل‌های فراموش‌شده تاریخ

دیدار پزشکیان از مسجد بی‌بی‌هیبت، با آن معماری کهن و رازآلود، یادآور سال‌هایی بود که ایران و آذربایجان، در سایه تاریخ و فرهنگ مشترک، یکدیگر را از آنِ خود می‌دانستند. رئیس‌جمهور ایران در این زیارتگاه تاریخی، با حالتی متأثر، دعایی خواند و دقایقی در سکوتی معنوی فرو رفت؛ گویی دل به سال‌هایی بسته بود که ایمان و زبان، مردم دو سوی ارس را به هم پیوند می‌داد. این حضور، بلافاصله پیام روشنی به ناظران سیاسی فرستاد: تهران و باکو آماده‌اند تا صفحه تازه‌ای از روابط خود را ورق بزنند؛ صفحه‌ای که بر آن نشانی از اختلافات سال‌های گذشته دیده نمی‌شود.

فروم تجاری؛ شعر در میان سیاست

از زیارتگاه به سالن مجلل نشست تجاری ایران و آذربایجان، راهی نبود. در این نشست، جایی که معمولا زبان پول و پروژه‌ها حرف اول را می‌زند، پزشکیان کاری کرد که کمتر در محافل دیپلماتیک دیده می‌شود: او شعر خواند. با صدایی محکم و احساسی آشکار، بخش‌هایی از شاهکار «سلام بر حیدربابا»ی شهریار را قرائت کرد. ابیاتی که سال‌هاست میان مردم آذری‌زبان، به مثابه سرودی ملی زمزمه می‌شود. او در میان سخن از توسعه همکاری‌های اقتصادی، بی‌مقدمه خواند: «ای کاش می‌توانستم با ملتی که از سرزمین خود دور شده است بگریم / تا می‌فهمیدم مسبب این جدایی‌ها و تلخی‌ها کیست...» این بیت، با اشاره ظریفی به درد مشترک ملت‌های جدا شده از یکدیگر، بار دیگر پیوندهای عاطفی دو کشور را برجسته کرد. در سالن نشست، موجی از احساس شنیده شد؛ حضار، از مقامات عالی‌رتبه تا بازرگانان، با لبخند و گاه اشکی در چشم، به رئیس‌جمهور ایران گوش سپرده بودند. نکته جالب دیگر این است که در این سفر تعدادی از شاعران مطرح معاصر در گروهی کارشناسی رئیس‌جمهور را همراهی می‌کردند.

قره‌باغ: آزمون دوباره دوستی

در دیدار رسمی میان مسعود پزشکیان و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، موضوع قره‌باغ بلافاصله بر صدر مذاکرات نشست. پزشکیان با زبانی روشن و بی‌تکلف گفت: «قره‌باغ بخش جدانشدنی از خاک آذربایجان است.» این جمله که بدون هیچ پیچیدگی بیان شد، موجی از واکنش مثبت در رسانه‌های جمهوری آذربایجان به راه انداخت. سال‌ها سوءتفاهم و سردی، جایش را به عباراتی داد که نشانی از احترام متقابل داشت. در این نشست، دو طرف توافق کردند همکاری‌های اقتصادی، انرژی و حمل و نقل را گسترش دهند. همچنین درباره اتصال ریلی ایران_آذربایجان_روسیه و کریدور شمال_جنوب گفت‌وگوهای جدی انجام شد. پروژه‌هایی که هدف‌شان چیزی جز کاهش فاصله اقتصادی و جغرافیایی دو کشور نیست.

پیام‌رسانی فراتر از پروتکل‌ها

پزشکیان در دیدار خصوصی با علی‌اف، پیام شفاهی رهبر انقلاب اسلامی ایران را ابلاغ کرد. پیامی که با لحنی گرم، بر اهمیت تقویت مناسبات تهران-باکو تأکید داشت. این اقدام، نشانه‌ای واضح بود از آنکه تصمیم دو کشور برای نزدیکی، صرفا خواست مقامات اجرایی نیست، بلکه در سطوح عالی جمهوری اسلامی نیز حمایت می‌شود.

فرهنگ، زبان بی‌کلام سیاست

در خلال این سفر، پزشکیان بارها و بارها بر اشتراکات فرهنگی دو ملت دست گذاشت. در یکی از دیدارهای فرهنگی، ضمن اشاره به آثار نظامی گنجوی، با افسوسی آشکار گفت: «هرچه در ابیات نظامی گشتم، نتوانستم یک بیت ترکی بیابم. نظامی اهل آذربایجان بود اما به فارسی می‌سرود. این نشان می‌دهد ما یک امت، یک فرهنگ و یک قدرت بودیم.» این سخنان، بیش از آنکه شعاری سیاسی باشد، پیامی از اعماق یک تاریخ مشترک را تداعی کرد؛ تاریخی که هنوز زخم‌های جدایی‌هایش التیام نیافته.

خانواده در کنار رئیس‌جمهور

از نکات جالب این سفر، حضور دختر و پسر رئیس‌جمهور در کنار او بود. تصویری که از حضور آنها در حاشیه سفر منتشر شد، واکنش‌های مثبت و منفی مختلفی در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت. به روایت عده‌ای این حضور، سیمای صمیمی‌تری از رئیس دولت ایران در افکار عمومی آذربایجان به نمایش گذاشت و تصویر خانواده‌محور و مردمی از رئیس دولت ایران ارائه داد و به روایت گروه دیگر، این نشانه خویشاوند سالاری است و در افکار عمومی مردم داخل کشور تاثیرات منفی بر جای خواهد گذاشت.

استقبال رسانه‌ها و مردم

رسانه‌های آذربایجان، ترکیه و حتی جهان عرب، سفر پزشکیان به باکو را به گرمی پوشش دادند. بسیاری، شعرخوانی او را «نقطه عطفی در دیپلماسی فرهنگی» توصیف کردند. در تحلیل‌ها نیز اشاره شد که پزشکیان موفق شد با استفاده از نرم‌افزار فرهنگی مشترک، دیوارهای یخ‌زده روابط را ذوب کند. حتی در کوچه و خیابان‌های باکو، بازتاب این سفر محسوس بود. فروشندگان و مردم عادی، با لبخند و اشتیاق از «مهمان از تبریز» یاد می‌کردند و بسیاری سفر پزشکیان را نشانه‌ای از نزدیکی دوباره دو ملت می‌دانستند.

به سوی آینده

تهران و باکو در مسیر بازتعریف مناسبات منطقه‌ای

سفر رسمی مسعود پزشکیان به جمهوری آذربایجان، فراتر از یک دیدار دیپلماتیک سنتی، نشانه‌ای روشن از تحرک تازه در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بود. این سفر در شرایطی انجام شد که قفقاز جنوبی شاهد افزایش رقابت‌های ژئوپولیتیک و مداخلات قدرت‌های خارجی است و ضرورت بازتعریف مناسبات منطقه‌ای بیش از پیش احساس می‌شود.

گسترش همکاری‌های اقتصادی، به‌ویژه در حوزه‌های تجارت، حمل‌ونقل و انرژی، در کانون گفت‌وگوهای دوجانبه قرار گرفت. امضای چندین تفاهمنامه و برنامه‌ریزی برای پروژه‌های زیرساختی مشترک، نشان می‌دهد تهران و باکو در پی آنند تا پیوندهای اقتصادی خود را از چارچوب سنتی فراتر برده و به یک شراکت راهبردی نزدیک‌تر شوند.

یکی از محورهای مهم این سفر، تأکید بر اشتراکات فرهنگی و تاریخی میان دو ملت بود. این تأکید، یک رویکرد احساسی نیست، تلاشی برای ایجاد زمینه‌های نرم‌افزاری جهت تحکیم روابط سیاسی در شرایط حساس منطقه‌ای به شمار می‌آید. ارجاع مکرر به عناصر فرهنگی مشترک، نشانه‌ای از درک عمیق تهران از کارکرد دیپلماسی فرهنگی در موازنه تحولات قفقاز جنوبی است. در بعد امنیتی، تهران به روشنی موضع خود را در مخالفت با گسترش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، در جمهوری آذربایجان تکرار کرد. این موضع هم نشانه نگرانی‌های راهبردی ایران از تغییر موازنه قدرت در همسایگی شمالی است و هم بازتاب‌دهنده تلاش تهران برای ترسیم خطوط قرمز خود در معادلات امنیتی قفقاز محسوب می‌شود.

پزشکیان در جریان این سفر، پیامی روشن و بدون ابهام درباره احترام به تمامیت ارضی کشورها و ضرورت همکاری‌های مسالمت‌آمیز در منطقه مخابره کرد. این پیام، در بستر شرایط شکننده قفقاز جنوبی، واجد اهمیتی ویژه است. همزمان، تأکید بر کریدور شمال-جنوب به مثابه یکی از پروژه‌های کلیدی اتصال منطقه‌ای، نشان می‌دهد تهران مایل است هم در بازی ژئوپولیتیک و هم در میدان اقتصادی قفقاز جنوبی نقشی فعال‌تر ایفا کند. از منظر تحولات آتی، سیاست اصولی ایران بر تعمیق روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای همسایه، مقابله با پروژه‌های تفرقه‌افکنانه و ایجاد امنیت پایدار در شمال کشور متمرکز شده است. در این چارچوب، تقویت مناسبات با باکو می‌تواند هم به کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک و هم موقعیت ژئوپولیتیک ایران را در قفقاز جنوبی مستحکم‌تر کند. سفر پزشکیان به باکو، با در نظر گرفتن همه ابعاد آن، بیش از یک رویداد دیپلماتیک روزمره بود؛ این سفر بازتاب یک راهبرد بلندمدت در سیاست خارجی ایران برای شکل‌دهی به نظم آینده قفقاز جنوبی محسوب می‌شود. تهران و باکو، در پایان این سفر، علاوه بر امضای بیانیه‌های رسمی، پیمانی نانوشته در دل‌های مردم بستند: پیمانی برای عبور از سوءظن‌های دیرین و ساختن پلی تازه روی رودخانه همسایگی. مسیر پیشِ رو آسان نخواهد بود اما همانطور که پزشکیان در باکو نشان داد، گاهی یک بیت شعر، می‌تواند راهی باز کند که هزار سند و قرارداد از گشودنش ناتوان بوده‌اند.

کاریزمای سیاستمداران چگونه زیر سایه تکنولوژی رنگ باخت

پایان عصر کاریزما

با رشد شبکه‌های اجتماعی، هر لغزش سیاستمداران فورا دیده می‌شود و محبوبیت آنها به سرعت آسیب می‌بیند

سال‌ها پیش، مردم جهان در صفوف طولانی می‌ایستادند تا رهبرانی را ببینند که نام‌شان با افسانه‌ها گره خورده بود؛ سیاستمدارانی که به‌تنهایی قادر بودند موجی از امید یا خشم به راه بیندازند. تصویر وینستون چرچیل با سیگار برگ در دست، سخنرانی جان اف کندی پشت تریبون یا شعارهای آتشین جمال عبدالناصر، نشانه‌هایی از دورانی بودند که سیاست چهره داشت؛ چهره‌ای کاریزماتیک و الهام‌بخش. اما امروز در عصر شبکه‌های اجتماعی، سیاستمداران بزرگ جای‌شان را به تکنوکرات‌های بی‌چهره، مدیران بحران و مدیران پروژه سپرده‌اند. چهره‌های جدید، کمتر از گذشته نماد شور و الهام هستند و بیشتر شبیه مدیران یک شرکت بزرگ عمل می‌کنند. آیا واقعا دوران قهرمانان سیاسی به پایان رسیده است؟

دوران طلایی چهره‌های کاریزماتیک

قرن بیستم دوران شکوه سیاستمدارانی بود که نه صرفا به واسطه برنامه‌هایشان که به دلیل شخصیت‌های برجسته و قدرت الهام‌بخش‌شان در حافظه‌ها ماندگار شدند. ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، قدرت کاریزما را چنین تعریف می‌کند: «نفوذ شخصیِ فراتر از قواعد سنتی یا حقوقی، برپایه باور مردم به ویژگی‌های خارق‌العاده یک فرد.» چرچیل، دوگول، ماندلا، گاندی و حتی شخصیت‌هایی چون ناصر در مصر یا چه‌گوارا در آمریکای لاتین، مصداق‌هایی از این مدل بودند. در ایران، چهره‌هایی چون دکتر محمد مصدق نمونه‌های داخلی رهبران کاریزماتیک به‌شمار می‌رفتند؛ افرادی که با نامشان موج‌های سیاسی شکل می‌گرفت. این رهبران بر بستر بحران‌ها و آرمان‌های بزرگ پدید آمدند؛ جنگ جهانی، استعمارزدایی، جنبش‌های ملی، انقلاب‌ها و استقلال‌طلبی‌ها بستری فراهم کرد که کاریزما زاده و شکوفا شود.

تحولات جهانی و زوال چهره‌های کاریزماتیک

با عبور از نیمه دوم قرن بیستم، تغییراتی آرام اما مداوم آغاز شد. اول رسانه‌های جمعی، سپس تکنولوژی اطلاعات و در نهایت انفجار شبکه‌های اجتماعی، سیاست را از فرم سنتی به فرم نمایشی و مقطعی کشاندند. مردم دیگر به‌دنبال قهرمان نبودند، بلکه پاسخ‌های سریع، مدیریت بحران و کارایی فوری می‌طلبیدند. ظهور شبکه‌های اجتماعی، فرصتی برای دسترسی فوری به سیاستمداران ایجاد کرد اما همزمان اسطوره‌زدایی از چهره‌ها را شدت بخشید. سیاستمدار مدرن، هر روز در معرض قضاوت لحظه‌ای قرار می‌گیرد. اگر چرچیل در عصر توییتر می‌زیست، احتمالا شوخی‌های تلخش یا ناکامی‌های نظامی‌اش ویروسی می‌شد و محبوبیتش آسیب می‌دید. دکتر فرناندو کاساس، استاد ارتباطات سیاسی دانشگاه مادرید، بر این باور است که «سیاست امروز تحت حکومت الگوریتم‌ها و ریتم‌های خبری ۲۴ ساعته درآمده و در این شرایط، پرورش کاریزما دشوار شده است».

تجربه ایران؛ رهبران نسل جدید و افول الگوهای کاریزماتیک

در فضای سیاسی ایران نیز، تصویری مشابه دیده می‌شود. انقلاب اسلامی ۵۷ بر شانه‌های رهبران کاریزماتیک بنا شد. چهره‌هایی چون امام خمینی(ره) و پس از ایشان آیت‌الله خامنه‌ای در مقام رهبری نظام جمهوری اسلامی، نمونه‌های برجسته‌ای از کاریزمای سیاسی در عصر معاصر ایران به‌شمار می‌آیند. قدرت الهام‌بخشی، نفوذ اجتماعی و توانایی در هدایت سیاسی در شرایط حساس، چهره رهبری را در جایگاهی فراتر از سیاستمداران روزمره قرار داده است. با این حال، نسل‌های بعدی سیاستمداران ایران، بیش از آنکه بر ویژگی‌های شخصیتی استوار باشند، بر مدیریت اداری، تکنوکراسی یا حتی بدبستان‌های جناحی متکی شدند. طی دو دهه گذشته، نخبگان سیاسی بیشتر بر محور وعده‌های اقتصادی، بازسازی یا مدیریت بحران چرخیده‌اند تا بر مبنای الهام‌بخشی یا رهبری آرمانی. با رشد فضای مجازی، چهره‌های سیاسی هر روز زیر ذره‌بین قرار می‌گیرند؛ جایی برای ساختن اسطوره‌های بدون خطا نمانده است. یک لغزش زبانی، یک رفتار خصوصی، یک تناقض کوچک در گفتار و کردار، می‌تواند آن چهره را از عرش به فرش بکشاند. افکار عمومی ایران، با تجربه تورم‌های شدید، تحریم‌های طولانی و بحران‌های معیشتی، بیشتر از اینکه قهرمان بخواهد، خواهان کارایی است. در چنین فضایی، کاریزما معنای کلاسیک خود را از دست داده و سیاستمدار موفق کسی است که بتواند بدون جنجال، بحران را پشت سر بگذارد.

آیا بازگشتی برای کاریزما وجود دارد؟

هرچند ظاهرا دوران طلایی کاریزما در سیاست به سر آمده، برخی شواهد نشان می‌دهد که در شرایط بحران شدید، هنوز زمینه برای ظهور چهره‌های الهام‌بخش وجود دارد. برخی تحلیلگران معتقدند در بزنگاه‌های تاریخی خاص، جامعه دوباره به‌دنبال قهرمانان می‌گردد. برای مثال، در دوره‌های بحرانی مانند جنگ، انقلاب یا بحران‌های عمیق اقتصادی، نیاز به رهبری فراتر از مدیریت روزمره احساس می‌شود. اما حتی در این حالت نیز قهرمانان آینده، دیگر آن تصویر کلاسیک از رهبران بی‌نقص و پرجلال نخواهند بود. سیاستمدار آینده، هرچقدر هم الهام‌بخش باشد، باید شفاف، پاسخگو و زمینی‌تر از گذشته ظاهر شود.

تجربه‌های مقایسه‌ای: جهان چگونه تغییر کرده است؟

در اروپا، افول چهره‌هایی چون فرانسوا میتران یا تونی بلر در مقابل تکنوکرات‌هایی نظیر امانوئل مکرون یا اولاف شولتس گواهی بر این روند است. در ایالات متحده، پس از رونالد ریگان و بیل کلینتون، رؤسای جمهوری همچون اوباما و بایدن بیشتر بر مدیریت و کارکرد نهادهای دولتی تمرکز داشتند تا بر ایجاد هاله‌های شخصیتی. حتی در کشورهای در حال توسعه نیز روند مشابهی دیده می‌شود. در آمریکای لاتین، جایی که زمانی سیاستمدارانی همچون چاوز یا لولا داسیلوا نماد کاریزما بودند، امروز سیاست بیش از هر زمان دیگری توسط چهره‌های تکنوکرات یا پوپولیست‌های موقتی هدایت می‌شود.

از قهرمان تا مدیر

افول چهره‌های کاریزماتیک در سیاست مدرن، نشانه یک دگرگونی عمیق است. جامعه امروز، سیاست را نه عرصه افسانه‌ها که میدان کارکردگرایی، شفافیت و پاسخگویی می‌بیند. شاید روزی باز هم سیاستمداری ظهور کند که شور الهام ببخشد و مردم را در آرمان مشترکی متحد کند. اما آن قهرمان، در دنیایی به شدت آگاه، متکثر و بی‌رحمانه نقدگرای امروز، چاره‌ای جز صادق بودن، شفاف بودن و قابل دسترس بودن نخواهد داشت. دورانی که چهره‌ای بتواند تنها با تکیه بر کاریزمای شخصی، مردمی را سال‌ها در پشت خود حفظ کند، گذشته است. امروز زمان سیاستمدارانی رسیده که با تصمیم‌های کوچک اما معنادار مسیر جامعه را تغییر دهند.

چرا کاریزما دیگر پاسخگو نیست؟

چند دلیل عمده برای افول چهره‌های کاریزماتیک در سیاست معاصر وجود دارد:

۱. تسلط فضای مجازی

امروز هر شهروند، خبرنگار بالقوه‌ای است. هر تلفن همراه، دوربینی است که می‌تواند سیاستمداری را در حال لغزش شکار کند. دوران اقتدار رسانه‌های رسمی به سر آمده و سیاستمداران دیگر اختیار کامل روایت‌ها را در دست ندارند. در این شرایط، حفظ هاله اسرارآمیز، شکوه ظاهری و فاصله نمادین که لازمه ساخت قهرمان بود، دشوار شده است.

۲. تغییر انتظارات اجتماعی

مردم امروز بیش از گذشته عملگرایی را ترجیح می‌دهند. در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، زیست‌محیطی یا اجتماعی، انتظارات از سیاستمداران از سطح آرمانگرایی به سطح کارآمدی تنزل یافته است. جامعه امروز سیاستمداری می‌طلبد که مسئله معیشت را حل کند، نه صرفا سخنرانی‌های پرحرارت ایراد کند.

۳. پایان دوران آرمان‌های کلان

سده بیستم مملو از پروژه‌های کلان بود: مبارزه با استعمار، انقلاب‌های اجتماعی، جنگ‌های استقلال اما در دنیای امروز، پروژه‌های بزرگ جای خود را به چالش‌های پراکنده و پیچیده داده‌اند. در چنین جهانی، دیگر جای کمی برای چهره‌هایی با پیام‌های ساده و آرمانی باقی مانده است.

۴. قدرت نهادها نسبت به افراد

با رشد و بلوغ نهادهای حکومتی، نقش فرد در سیاست کمرنگ‌تر شده است. مردم امروز به جای تمرکز بر یک چهره، عملکرد کل یک ساختار را زیر سؤال می‌برند. نهادگرایی، جایگزین قهرمان‌گرایی شده است.

فرزانه صادق در آستانه استیضاح

● از سانحه بندر شهید رجایی تا کاهش اعتماد عمومی

فرزانه صادق‌مالواجرد وزیر راه و شهرسازی، این روزها زیر ذره‌بین افکار عمومی، رسانه‌ها و مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. وقوع سانحه در بندر شهید رجایی، مهم‌ترین بندر تجاری کشور، نگاه‌ها را متوجه برخی مشکلات زیرساختی در این بندر کرد. اما مهمتر از آن، نحوه واکنش و مدیریت مسئولان ذی‌ربط بود که بی‌حاشیه نبود. به‌ویژه آن‌که در فضای پراضطراب و نگران‌کننده‌ای که بر شهر بندرعباس حاکم بود، نحوه اطلاع‌رسانی و مواجهه وزارت راه و همچنین سازمان بنادر، از نظر بسیاری از ناظران، فاقد شفافیت، درک اجتماعی و سرعت عمل لازم بود.

در حالی که برخی نمایندگان از ضرورت استیضاح وزیر صحبت می‌کنند، کارنامه او نکات مثبت و منفی متعددی دارد و نمی‌توان به راحتی او را متهم یا تبرئه کرد. در مجموع، ارزیابی عملکرد مدیریتی فرزانه صادق مالواجرد در سال ۱۴۰۴ یک تصویر چندوجهی است. از یک سو، اقدامات فوری او در پی حادثه بندر رجایی (مانند اعزام به محل حادثه و تأمین تداوم عملیات بندری) با استقبال برخی رسانه‌ها مواجه شد و مسئولان عالی‌رتبه نیز به پیگیری سریع و برخورد با مقصران تأکید کردند. از سوی دیگر، نمایندگان مجلس و بخش‌هایی از افکار عمومی بر ضعف‌های بنیادی در سیستم حمل‌ونقل تأکید داشته و عملکرد وزارتخانه تحت مدیریت وی را نقد کردند. برای نمونه، دامنه اعتراض به مواردی مانند غیرفعال بودن سامانه‌های باربری گسترده شد.

اما آنچه کار وزیر را به چالش جدی کشاند، ویدیویی بود که با هماهنگی روابط عمومی وزارتخانه، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. در شرایطی که انتظار می‌رفت همه مسئولان با لحنی همدلانه، درد مردم و نگرانی فعالان اقتصادی را تسکین دهند، ویدیویی از فرزانه صادق‌مالواجرد منتشر شد که خشم بسیاری را برانگیخت. او در این ویدیو، در حالی که حرکت خود به سوی بندر شهید رجایی را روایت می‌کرد، با لحن آرام و بی‌تفاوت گفت در طول راه دیده است که زندگی عادی، در جریان است و عده‌ای مشغول فروش میوه هستند. همین جمله، که شاید در ظاهر خنثی و حتی آرام‌بخش به نظر برسد، در فضای ملتهب افکار عمومی، به نمک پاشیدن بر زخم مردم ایران به‌ویژه بندرعباس تعبیر شد. شهروندانی که درگیر تبعات روانی و اقتصادی سانحه بودند، این سخن را نشانه‌ای از عدم درک واقعی بحران از سوی بالاترین مقام اجرایی حوزه حمل و نقل کشور دانستند.

کاربران شبکه‌های اجتماعی ضمن تقدیر از تلاش‌های پرمخاطره کارکنان بندر و تیم‌های اطفای حریق، به وزیر یادآور شدند که خاکستر کانتینرها و محل زخمی و کشته شدن جانباختگان سانحه، لوکیشن خوبی برای عکاسی و فیلمبرداری تبلیغات سیاسی وزیر نیست.

آغاز استیضاح

با سکوت اولیه و اظهارات و رفتار پرابهام وزیر در روزهای پس از سانحه، موجی از انتقادات در فضای کشور شکل گرفت. اکنون، با گذشت کمتر از چند روز از حادثه، تعداد امضاکنندگان نامه استیضاح فرزانه صادق‌مالواجرد در مجلس به ۴۱نماینده رسیده است. این استیضاح که از سوی نمایندگانی از استان‌های جنوبی و برخی اعضای کمیسیون عمران کلید خورده، بیش از آن‌که واکنشی به یک حادثه فنی در یک بندر باشد، نماد اعتراض به سبک مواجهه با بحران‌های ملی است. به‌ویژه آن‌که بندر شهید رجایی علاوه بر استان هرمزگان، برای کل اقتصاد ایران یک شاهراه حیاتی محسوب می‌شود و هرگونه اختلال در آن، ممکن است پیامدهایی ملی و حتی بین‌المللی داشته باشد.

در فضای ملتهب ناشی از این بحران، برخی فعالان بخش خصوصی نیز لب به انتقاد گشوده‌اند. انجمن‌های صنفی و فعالان لجستیک دریایی به‌صورت رسمی اعلام کرده‌اند که عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی و نبود مدیریت مقتدر در ساعات اولیه بحران، اعتماد عمومی را خدشه‌دار کرده و ممکن است به اعتبار بین‌المللی بندر شهید رجایی نیز آسیب وارد کند.

یکی از اعضای ارشد انجمن خدمات بندری در گفت‌وگو با رسانه‌ها تصریح کرده که بسیاری از شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی، با نگرانی تحولات بندرعباس را دنبال می‌کنند و هرگونه ضعف در مدیریت بحران، می‌تواند به از دست رفتن مشتریان خارجی منجر شود.

> **نکته**
>
> **کارنامه وزیر راه نکات مثبت و منفی متعددی دارد و نمی‌توان به راحتی او را متهم یا تبرئه کرد.**
>
> **ارزیابی عملکرد مدیریتی فرزانه صادق مالواجرد در سال ۱۴۰۴ یک تصویر چندوجهی است**

در این میان، وزارت راه و شهرسازی هنوز واکنش رسمی و صریحی نسبت به روند استیضاح نشان نداده است. اما برخی منابع آگاه گزارش داده‌اند که وزیر راه درصدد رایزنی با نمایندگان برای کاهش تنش‌ها و دفاع از عملکرد صادق‌مالواجرد است. با این حال، به‌نظر می‌رسد تلاش برای توجیه یا عادی‌سازی این ماجرا، به راحتی جواب نمی‌دهد. آن‌چه اکنون منتقدان وزیر مطالبه می‌کنند، نه توضیحی فرمالیته، بلکه عذرخواهی و اصلاح ساختاری در مدیریت بنادر است.

بیگانگی مدیران با واقعیت‌های اجتماعی

در مجموع، داستان سانحه بندر شهید رجایی و تبعات آن برای فرزانه صادق‌مالواجرد، بیش از آن‌که ماجرای یک اشتباه اجرایی باشد، به نمادی از بیگانگی مدیران با واقعیت اجتماعی مردم تبدیل شده است. اگر صادق‌مالواجرد نتواند در روزهای آینده با رویکردی متفاوت، صادقانه و شفاف با افکار عمومی مواجه شود، جایگاه خود را از دست خواهد داد و این حادثه به نقطه عطفی در مطالبه‌گری جدید از مدیران اجرایی دولت بدل شود؛ مطالبه‌ای که پاسخ مناسب به آن، نیازمند فهم عاطفی، واکنش انسانی و مسئولیت‌پذیری کامل در قبال جامعه است.

پروسه استیضاح

طرح استیضاح وزیر راه توسط جمعی از نمایندگان کلید خورد. «محمد منان رئیسی» (عضو کمیسیون عمران) اعلام کرد که بیش از ۴۰ امضا برای استیضاح وزیربه سامانه مجلس ثبت شده و محورهای انتقاد شامل «انفعال و اهمال در سازمان بنادر»، «عملکرد بسیار ضعیف در اجرای قوانین بازار مسکن»، «وضعیت بغرنج در حمل‌ونقل» و «سردرگمی در انتصاب‌های مکرر» بوده است. این نماینده همچنین کمبود نظارت فنی و «عدم تسلط فنی» وزیر راه را از دیگر نکات طرح شده دانست.

طرح سوال مجلس: چند روز قبل از حادثه، «محمدصالح جوکار» نماینده یزد با ۵۵ امضا، سؤال خود را درباره علت عدم راه‌اندازی «سامانه سراسری اعلام بار» مطرح کرد. او نبود این سامانه یکپارچه را موجب ایجاد رانت و فساد در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای دانست و گفت که این امر منجر به اختلاف بین رانندگان و تضییع حقوق آنان شده است. به باور او، ایجاد سامانه سراسری بارگیری علاوه بر حذف فساد، رفاه رانندگان را تضمین می‌کند.

منتقدان رسانه‌ای: رسانه‌های داخلی نیز انتقاداتی به عملکرد وزارت راه مطرح کردند. برخی تحلیلگران رسانه‌ای بر حل معضلات ساختاری در حمل‌ونقل (مانند سامانه‌های اعلام بار) تاکید کردند و بر ضرورت پاسخگویی سریع به مطالبات عمومی اشاره کردند. همچنین گزارش‌هایی به محورهایی مانند «شفاف‌سازی علت حادثه» و «اطلاع رسانی به موقع به مردم» اشاره کرده‌اند.

طنز

بازار سیاه بشکه‌های خالی نفت

نفت خام این روزها بشکه‌ای ۷۴ دلار است ولی پیش‌بینی می‌شود تا آخر سال میلادی ۲۰۲۵ به زیر ۷۰ دلار هم برسد و مقصر هم کسی نیست جز دونالد ترامپ که اقتصاد جهان را به لرزه در آورده است. با کاهش قیمت نفت، مسئله قیمت بشکه خالی دوباره اهمیت پیدا می‌کند. وضعیت بشکه‌ها به موضوعی جالب و تقریباً فانتزی تبدیل شده است. ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور بشکه‌های نفت نقش‌هایی کاملاً متفاوت ایفا کنند. این احتمال وجود دارد که خریداران نفت مجبور شوند علاوه بر مبلغی که برای نفت پرداخت کنند، هزینه‌ای جداگانه برای تامین بشکه‌ها نیز در نظر بگیرند. حتی ممکن است بازار بشکه‌های خالی، به ویژه در بندرهایی همچون روتردام، به یک بازار سیاه واقعی تبدیل شود.

این وضعیت به‌ویژه در مورد بشکه‌های فلزی به‌وضوح محسوس است. اگرچه این بشکه‌ها به دلیل دوام و اعتبارشان در صنعت نفت شناخته شده‌اند، اما قیمت‌های بالای آنها ممکن است خریداران را وادار به جستجو برای گزینه‌های ارزان‌تر کند. در این میان، ممکن است بشکه‌های پلاستیکی بازیافتی به‌عنوان جایگزینی اقتصادی وارد بازی شوند. نفت در بشکه‌های پلاستیکی ارزان‌تر به فروش می‌رسد، اما در بشکه‌های شیشه‌ای برای مشتریانی که خواهان کیفیت و جلوه خاص هستند، پنج تا شش دلار بیشتر هزینه خواهد داشت. با توجه به تقاضای بالای بشکه‌های خالی در بازار، احتمال دارد که روزی بشکه‌های خالی به کالایی کمیاب و حتی گران‌بها تبدیل شوند. در چنین شرایطی، شرکت‌ها مجبور می‌شوند برای تامین بشکه‌های خالی در بندرها، توافق‌هایی خاص انجام دهند.

اگرچه این شرایط ممکن است به‌طور کلی برای صنعت نفت مفید به نظر برسد، اما خطراتی نیز در پی دارد. ممکن است روزی برسد که قیمت نفت به‌طور غیرمنتظره‌ای با توجه به نوع بشکه تغییر کند، به‌طوری که بشکه‌های شیشه‌ای با در چوبی، به یک آیتم تجملاتی تبدیل شوند که برای داشتن آنها باید هزینه‌های بالایی پرداخت. در اینجاست که نقش مافیای بازیافت نیز پررنگ می‌شود. شخصیت‌هایی مانند اصغر سنگاپور و میثم پلاستیک که اکنون از بزرگان ضایعات پلاستیکی و مقوایی هستند، قطعا اجازه نمی‌دهند که بازار بشکه‌های خالی نو و بازیافتی، به دست رقبای آنها بیافتد.

تپسی و ماجرای جریمه ۳۶ درصدی در ماه

در روزگاری که بانک‌ها با هزار اما و اگر، سود تسهیلات را به ۲۳درصد در سال محدود می‌کنند و شورای فقهی بانک مرکزی همچنان درباره مشروعیت بهره مضاعف چالش دارد، یک شرکت تاکسی اینترنتی به‌نام تپسی در اقدامی کمی خارج از عرف، نرخ جریمه تأخیر روزانه ۱،۲ درصدی را برای مسافرانش لحاظ می‌کند؛ چیزی معادل ۳۶ درصد ماهانه. به عبارت دیگر، اگر شما یک مسافر فراموش‌کار باشید که چند ساعت پرداخت کرایه خود را به تعویق بیندازید، به زودی با جریمه‌ای مواجه خواهید شد که حتی در بازار آزاد نزول‌خواری نیز چندان رایج نیست. این ماجرا وقتی جدی‌تر می‌شود که بدانیم چنین نرخی نه از سوی یک بانک خصوصی یا موسسه مالی بلکه از سوی یک اپلیکیشن حمل‌ونقل شهری تحمیل می‌شود. جریمه تأخیر در پرداخت کرایه، در بسیاری از پلتفرم‌های بین‌المللی نیز وجود دارد، اما معمولاً با نرخ‌های منطقی و مشخص‌شده توسط مراجع رگولاتوری. در ایران اما ظاهراً تپسی علاوه بر حمل‌ونقل، در حوزه نوآوری مالی نیز پیشتاز شده است.

کارشناسان معتقدند اگر همین الگو به بانک‌ها تعمیم پیدا کند، دیگر نه نیازی به اخذ مالیات بر سپرده هست، نه کسری بودجه؛ کافی است مشتریان چند روز اقساط خود را دیر پرداخت کنند و همه چیز براحتی حل می‌شود! برخی فعالان اقتصادی در فضای مجازی با نگاهی طنزآمیز نوشتند: تپسی در حال تبدیل شدن به الگویی موفق برای بانک‌ها، نزول‌خوران آماتور و حتی مافیای مالی است. این شرکت باید به عنوان برند سال معرفی شود. در مقابل، برخی حقوقدانان هشدار داده‌اند که چنین نرخ‌هایی ممکن است با اصول حقوق مصرف‌کننده در تعارض باشد و زمینه‌ساز ورود نهادهای نظارتی به ماجرا شود.

آگهی تصمیم واحد ثبتی در خصوص عدم قابلیت افراز پلاک ثبتی ۷۵۹۹۹ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی واقع در بخش دو تهران

جهت اطلاع خانمها مهرانگیز و آذرمیدخت و زهرا و آقایان جعفر و بهرام و حسین همگی غریبی

در رسیدگی به تقاضای آقای شهرام غریبی به وارده شماره ۱۴۰۳۸۵۶۰۱۰۲۵۰۴۰۳۰۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ مبنی بر افراز سهم مشاعی وی، پس از رسیدگی و طی تشریفات قانونی تصمیم واحد ثبتی نارمک مبنی بر غیر قابل افراز بودن پلاک فوق الذکر طی شماره ۱۴۰۳۸۵۶۰۱۰۲۵۰۴۴۲۳۷ مورخه ۱۴۰۳/۱۲/۲۳ صادر و چون متقاضی افراز اعلام داشته از نشانی محل سکونت خانمها مهرانگیز و آذرمیدخت و زهرا و آقایان جعفر و بهرام و حسین همگی غریبی اطلاعی ندارد و نامبرده را مجهول المکان اعلام نموده، باستناد ماده ۳ آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاعی و ماده ۱۷ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی بدین وسیله تصمیم واحد ثبتی جهت اطلاع نامبرده و یا هر شخصی که به هر نحوی خود را نسبت به ملک مرقوم ذیحق میداند آگهی می گردد تا در صورت اعتراض ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی به مرجع ذیصلاح قضایی مراجعه و اعتراض خود را تسلیم نماید.

تصمیم عدم افراز پلاک ثبتی ۷۵۹۹۹ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی واقع در بخش دو تهران

متقاضی: آقای شهرام غریبی

سایر مالکین مشاعی: ۱- آقای حسن غریبی ۲- آقای احمد غریبی ۳- خانم مریم غریبی ۴- آقایان امیر محمد و محمد جواد محسنی محسنی ۵- خانمها مهرانگیز و آذرمیدخت و زهرا و آقایان جعفر و بهرام و حسین همگی غریبی

سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۷۵۹۹۹ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۲۲۵۲۴ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۱ در طبقه اول واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۱۶۵/۳۱ متر مربع، که مقدار ۲/۲۴ متر مربع آن بالکن است، بانضمام ششدانگ یک واحد پارکینگ قطعه ۱ به مساحت ۱۲/۵ متر مربع واقع در سمت شمالغربی طبقه – ۱ بانضمام ششدانگ یکباب انباری قطعه ۳ به مساحت ۲/۱۸ متر مربع واقع در سمت جنوب انباری شماره دوم طبقه – ۱ ؛ به نام خانم سکینه / رسولی فرزند جعفرقلی شماره شناسنامه ۷ تاریخ تولد ۱۳۱۸/۰۵/۰۱ صادره از کمیجان دارای شماره ملی ۵۷۱۹۵۴۰۷۷۶ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت انتقال قطعی ۱۶۲۲۸۳ تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۰۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۱ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۶۵۳۷۹ سری ه سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۰۲۵۰۲۲۰۷۴ ثبت گردیده است، سپس نامبرده برابر گواهی حصر وراثت ابرازی توسط متقاضی افراز بشماره دادنامه ۱۴۰۲۹۱۳۹۰۰۱۴۶۴۰۴۳۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۵ شعبه ۳۱۰ مجتمع شماره هفت شورای حل اختلاف شهر تهران فوت نموده است که وراث حین الفوت وی آقایان و خانمها ۱- شهرام غریبی ۲- احمد غریبی ۳- حسن غریبی ۴- جعفر غریبی ۵- مریم غریبی ۶- فاطمه غریبی ۷- مهرانگیز غریبی (همگی فرزندان متوفی) ۸- علی غریبی (همسر متوفی) می باشد سپس آقای علی غریبی برابر گواهی حصر وراثت ابرازی بشماره دادنامه ۱۴۰۲۹۱۳۹۰۰۱۷۲۱۰۲۴۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۳۰ شعبه ۳۱۱ مجتمع شماره هفت شورای حل اختلاف شهر تهران فوت نموده است که وراث حین الفوت وی آقایان و خانمها ۱- شهرام غریبی ۲- حسن غریبی ۳- احمد غریبی ۴- جعفر غریبی ۵- بهرام غریبی ۶- حسین غریبی ۷- فاطمه غریبی ۸- مریم غریبی ۹- مهرانگیزغریبی ۱۰- اذرمیدخت غریبی ۱۱- زهرا غریبی (همگی فرزندان متوفی) می باشند سپس خانم فاطمه غریبی برابر گواهی حصر وراثت ابرازی بشماره دادنامه ۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۰۰۵۲۲۳۰۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۶ شعبه ۳۱۱ مجتمع شماره هفت شورای حل اختلاف شهر تهران فوت نموده است که وراث حین الفوت وی آقایان ۱- امیرمحمدمحسنی ۲- محمدجوادمحسنی (فرزندان متوفی) می باشند.

مطابق پرونده ارسالی جریان ثبتی خاتمه یافته است و در دفتر املاک ثبت شده است و سوابق مکاتباتی پرونده حکایتی از صدور سند مالکیت معارض ندارد.

اینک آقای شهرام غریبی تقاضای افراز قدرالسهم ملکی مشاعی خود را نموده است که حسب الارجاع اینجانبان حدیث بیرانوند و مهدی شهریاری نقشه بردار و نماینده ثبت پس از ملاحظه سوابق و بررسی اوراق پرونده و گواهی موضوع ماده ۲ آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ مبنی بر خاتمه یافتن عملیات ثبتی و عدم سابقه تعارض و اختلاف و نیز گواهی دفتر املاک مبنی بر مالکیت متقاضی و شرکا ملاحظه گردید که ملک مذکور بصورت یک دستگاه آپارتمان میباشد و مستند به نامه شماره ۵۰۷/۶۰/۴۸۸۸۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ شهرداری منطقه ۷ تهران و با توجه به وضعیت کمی و کیفی مورد تقاضا و تعداد مالکین مشاعی و سهام آنها، پلاک مورد تقاضا بنظر اینجانبان غیر قابل افراز اعلام می گردد.

تصمیم مسئول واحد ثبتی:

با مطالعه پرونده و چون پلاک ثبتی ۷۵۹۹۹ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی واقع در بخش دو تهران بصورت یک دستگاه آپارتمان میباشد نظر به وضعیت کمی و کیفی مورد تقاضا و تعداد مالکین مشاعی و سهام آنها غیر قابل افراز میباشد لذا مراتب در اجرای مادتین ۵ و ۶ آئین نامه قانون افراز به متقاضی و سایر شرکا برابر مقررات مذکور در ماده ۶ آئین نامه اخیرالذکر ابلاغ میشود تا در صورت اعتراض برابر ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالحه محل وقوع ملک مراجعه و رسید دریافت نمایند.

۱۰۸۴۷ م الف — رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران – بهروز جشان

شناسه آگهی ۱۹۲۰۲۸۰

آگهی فقدان سند مالکیت از پلاک ثبتی ۲۳۹۵/۱۵۴۳۰۷ واقع در بخش ۱۰ تهران

آقای حامد فراتی به موجب وکالتنامه شماره ۷۲۳۲۳۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ دفترخانه ۶۵ تهران بوکالت از طرف مجتبی محمودی به موجب شماره شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۲۲۷۹۲۰۰۰۰۱۱ و شماره ترتیب ۲۴۴۷۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۳ و رمز تصدیق دفترخانه اسناد رسمی ۶۵ تهران با اعلام از بین رفتن سند مالکیت در اثر جابجائی ملک مورد آگهی و طی درخواست وارده به شماره ۱۰۴۵۰۰۱۵۹۸ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه ثبت به شرح ذیل آگهی می گردد.

سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی قطعه پنجم تفکیکی واقع در سمت شمالی طبقه سوم به مساحت (۹۶/۰۶) نود و شش متر و شش دسیمتر مربع، واقع در سمت شمالی طبقه سوم که (۲/۵۴) دو متر و پنجاه و چهار دسیمتر مربع آن بالکن، (۲/۷۸) دو متر و هفتاد و هشت دسیمتر مربع آن بالکن و بالکن پیشرفته، (۴/۳۲) چهار متر و سی و دو دسیمتر مربع آن پیشرفتگی است مفروز و مجزی شده از شماره ۱۴۸۲۹۹ فرعی از ۲۳۹۵ اصلی مذکور، واقع در بخش ۱۰ تهران

مشخصات منضمات ملک: بانضمام پارکینگ قطعه ۶ تفکیکی به مساحت ۱۱/۲۵ واقع در سمت مرکزی طبقه همکف که مقدار ۲/۳۱ متر مربع آن غیر مسقف است.

مشخصات مالکیت: مالکیت مجتبی / محمودی فرزند مهدی شماره شناسنامه ۵۴۳۰ تاریخ تولد ۱۳۵۰/۱۲/۲۸ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۴۲۷۴۴۲۷ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۴۰۷۸۷ تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۴۰۱ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۴۴۴۸۷ سری و سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۴۵۰۶۳۹۰۲ ثبت گردیده است.

حقوق ارتفاقی: لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و در این آگهی ذکر نشده و یا مدعی سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت و یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت و یا سند معامله ارائه نگردد اداره ثبت المثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادر و تسلیم خواهد نمود.

۱۰۸۴۹ م الف — سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران – امید ملک

شناسه آگهی ۱۹۲۰۲۹۷

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت یک دانگ و نیم دانگ مشاع از شش دانگ یک دستگاه آپارتمان نوع ملک طلق با کاربری مسکونی واقع در غرب طبقه ۳ به مساحت ۱۶۲/۹ متر مربع که ۸/۷۰ متر مربع آن بالکن است قطعه ۵ تفکیکی به پلاک ثبتی ۹۲۴۳ فرعی از ۱۱۷ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۹۰۳۲ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران استان تهران به انضمام انباری ۵ تفکیکی به مساحت ۱۲/۹۵ متر مربع و پارکینگ ۴ تفکیکی به مساحت ۱۲/۵ متر مربع بنام آلاء سینه سپهر فرزند محمدجعفر شماره شناسنامه ۱۷۱۶۱ تاریخ تولد ۱۳۶۳/۱۲/۱۰ صادره از فسا دارای شماره ملی ۲۵۷۰۱۷۲۴۰۵ با جزسهم ۱/۵ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک ممیز پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۴۱۵۷۲ تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۰۲ شهر تهران با حفظ منافع و حق فسخ مادام العمر به نفع مصالح موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۹۴۲۶۲۸ سری ب سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۱۴۵۰۰۸۴۹۸ ثبت گردیده است.

خانم آلا سینه سپهر به ارائه دو برگ استشهاد شهود به شماره ۱۴۲۴۷ – ۱۴۲۴۸- ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ دفتر ۶۰۲ تهران و نامه کلانتری اعلام نموده سند مالکیت ۱/۵ دانگ مشاع سرقت گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۷۲/۹/۲ ماده ۱۲۰- آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررت اقدام خواهد شد.

۱۰۸۴۸ م الف — رییس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران – سیدمهرداد صفائی

شناسه آگهی ۱۹۲۰۲۸۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیات موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی

برابررای شماره۱۴۰۳/۱۳۶۷۹مورخه۱۴۰۳/۱۲/۱۵و۱۴۰۳/۱۱۰۱۲ مورخه ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ و ۱۴۰۳/۱۱۰۱۰ مورخه۱۴۰۳/۱۱/۰۶ هیات اول ودوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقر درواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ۱-عربعلی خاتی فرزندمحمدعلی بشماره شناسنامه ۷۰۱ صادره ازاسدآباد۲- فرج اله دوستی دانشگر فرزند خانعلی به شماره شناسنامه ۵۰۸ صادره از اسدآباد ۳-صفرخانی فرزند ممدعلی به شماره شناسنامه ۷۷۵ صادره از سنقر هرکدام نسبت به دودانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۶۳۱/۷۶مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۸۰اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای حسین آبادکلیایی خریداری ازمالک رسمی فرج اله دوستی دانشگرفرزندخانعلی موضوع سند مشاعی شماره ۳۶۷۴۳ مورخه ۱۳۸۰/۱۱/۱۰ دفتر۱۹محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف : ۹۰

محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

به بهانه دهم اردیبهشت، زادروز آتیلا پسیانی

هنرمند همیشه جاودانه ایران

زندگی و آثار پسیانی

هنوز هم در قلب هنردوستان ایرانی باقی است

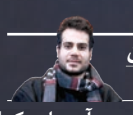

محمدعرفان صدیقیان
هفت صبح

شیوه زیست و نوع اثربخشی بعضی افراد به گونه‌ای است که درگذشت آن‌ها در هر سن و سالی زود و نابهنگام به نظر می‌رسد. آدم‌هایی که انگار همه سال‌های زندگی خود را در جست‌وجوی معنایی نامکشوف بوده‌اند و دایره محتوایی تازه‌ای را در زمینه‌ای خاص به سرانجام رساندند. شاید کمتر کسی پیدا شود که با نام «آتیلا پسیانی» بیگانه باشد. نویسنده، کارگردان و البته بازیگری توانمند و خلاق که دو سال پیش و زمانی که هنوز سنین میانسالی را سپری می‌کرد، بر اثر بیماری سرطان درگذشت و جامعه هنری و دوستدارانش را در بهتی عمیق فرو برد. اگر او در میان ما بود امروز ۶۸ ساله می‌شد و می‌توانست در دوران بلوغ حرفه‌ای خود، همچنان مخاطبان را با هنرش که گویی بخشی از وجود و صفت ذاتی‌اش بود شگفت‌زده کند. با اینکه خلق شگفتی در عالم هنر گزاره‌ای است که باید با احتیاط به سراغ آن رفت و چون وصله به هر فردی اطلاق نمی‌شود، اما مرور کارنامه حرفه‌ای پسیانی درستی کاربرد این گزاره درباره حیات هنری او را اثبات می‌کند. هنرمندی که پس از چهار دهه فعالیت حرفه‌ای در تئاتر، سینما و تلویزیون توانست نامی معتبر و جایگاهی چشم‌گیر برای خود دست و پا کند.

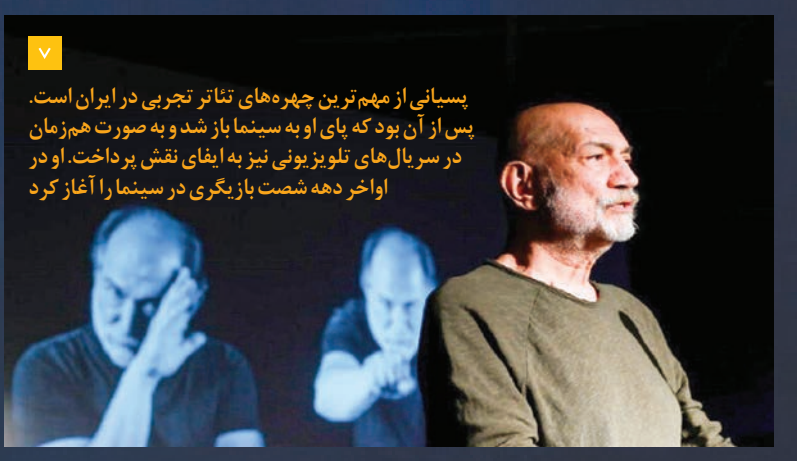

پسیانی از مهم‌ترین چهره‌های تئاتر تجربی در ایران است. پس از آن بود که پای او به سینما باز شد و به صورت هم‌زمان در سریال‌های تلویزیونی نیز به ایفای نقش پرداخت. او در اواخر دهه شصت بازیگری در سینما را آغاز کرد

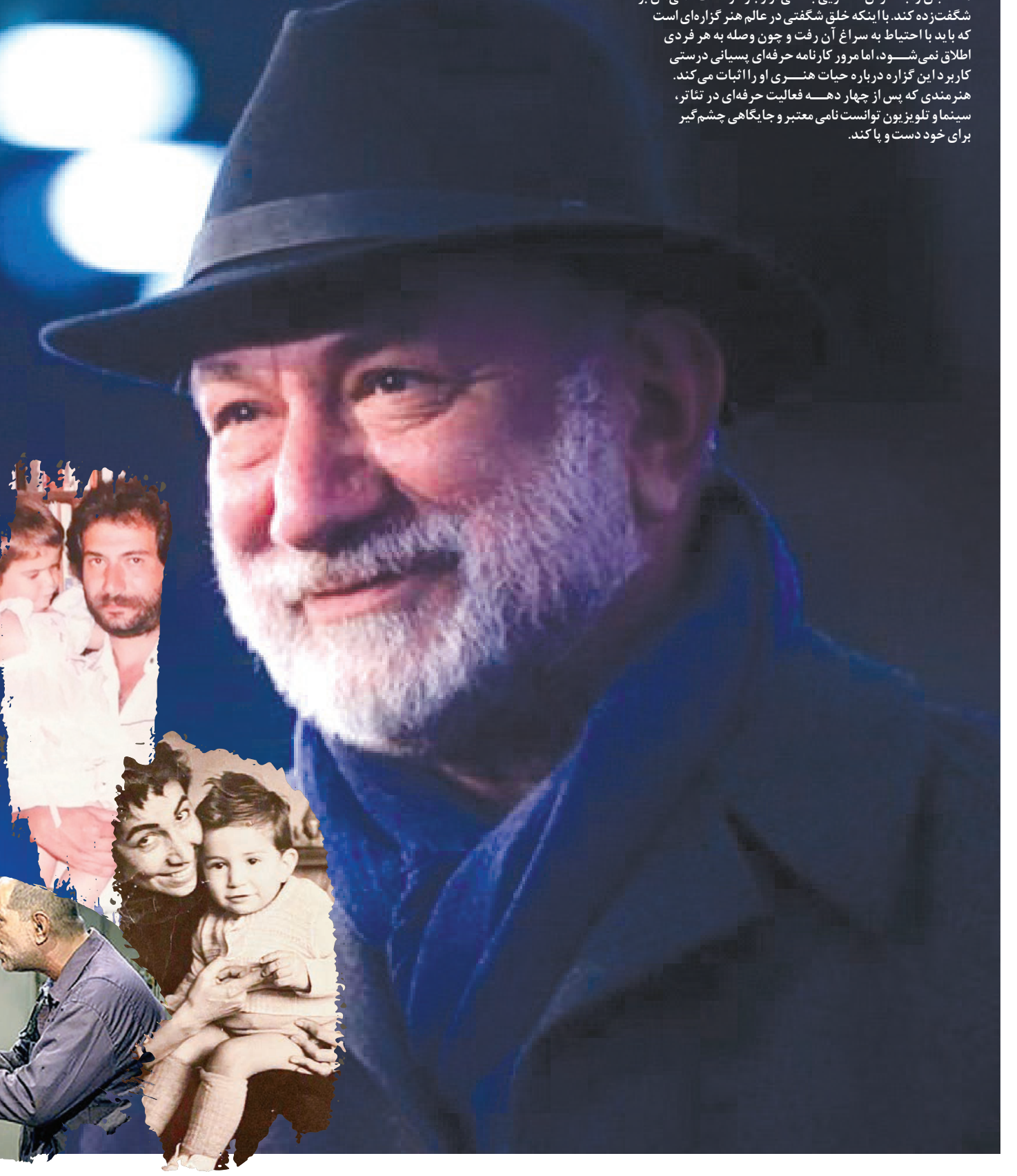

نعلبندیان دلیل آغاز بازیگری شد

پسیانی به واسطه رابطه مادر و فرزندی با جمیله شیخی، با مقوله هنر و بازیگری بیگانه نبود. او زمانی که تنها فقط ۱۰ سال داشت، نقشی کوتاه را در یکی از تئاترهای مادرش ایفا کرد. برای او اما جرقه اصلی ورود به این حرفه سال‌ها بعد زده شد. جایی که تماشای اثری نامتعارف به نام «پژوهشی ژرف و سترگ و نو، در سنگواره‌های دوره بیست و پنجم زمین‌شناسی یا چهاردهم یا بیستم و غیره، فرقی نمی‌کند» اثر عباس نعلبندیان باعث شد تا پسیانی تصمیم بگیرد بازیگر شود. این‌طور به نظر می‌رسد که این نمایشنامه علاوه بر ایجاد شوق و علاقه در او نسبت به هنر بازیگری، اثر مهم دیگری را هم در وجودش باقی گذاشت. ترسیم نوع نگاه و شیوه نگرش او به دنیای تئاتر و بازیگری از همین‌جا شکل گرفت.

تئاتر تجربی، جریان دائمی ساخته پسیانی

پسیانی از مهم‌ترین چهره‌های تئاتر تجربی در ایران است. رویکرد و روشی پیچیده و متغیر در نمایش که به سرانجام رسیدن آن در اجرا، نوعی ذهن خلاق، بازیگوش و البته نبوغ خاصی را طلب می‌کند. پسیانی با سال‌ها فعالیت خود در تئاتر توانست ارزش‌های این‌گونه تئاتر را بیش از پیش نمایان کند و با پرورش شاگردان بسیار، این گونه تئاتری را پربارتر از پیش کند. او توانست نوعی جریان دائمی برای آن به وجود بیاورد. میزان اشتیاق و علاقه‌اش نسبت به تئاتر آوانگارد و خلق تجربه‌های نو باعث شد تا پسیانی حتی در دوران اوج فعالیت‌های حرفه‌ای و حتی تا همین چند سال پیش، همچنان به کارهای اینچنینی و همکاری با جوان‌ترهای فعال در این‌گونه مثل جابر رمضانی روی خوش نشان دهد. با وجود آنکه پسیانی به واسطه مادرش و بهره بردن از استعدادی چشم‌گیر می‌توانست خیلی راحت به این حرفه ورود کند، اما برای تحصیل تئاتر و آموختن آکادمیک این رشته وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد.

«بازی» شکل نوینی از اجرا و پرفورمنس در تئاتر بنیان گذاشت

در همان زمان بخت نیز با او یار شد و توانست وارد «کارگاه نمایش» شود. گروهی تئاتری که مهم‌ترین اعضایش افرادی همچون بیژن مفید، آربی آوانسیان، داود رشیدی و عباس نعلبندیان بودند و تلاش می‌کردند محیط و فضایی آزاد برای شکل‌گیری جریان‌های متفاوت تئاتری به وجود بیاورند. راهی که البته بعدها توسط آتیلا پسیانی و همسرش فاطمه نقوی به صورتی مستقل پیگیری شد و این دو با تشکیل گروه تجربی تئاتر «بازی» تلاش کردند تا ادامه‌دهنده مسیر تئاتر تجربی در ایران باشند و در قالب این گروه و با شکل متفاوتی از قصه‌پردازی، ایده‌های اجرایی و پرفورمنس، نمایش‌های متعددی را به روی صحنه ببرند.

از «محله برو بیا» تا جایزه فجر برای «طلسم»

شهرت پسیانی اما در میان عامه مردم با دو مجموعه پربیننده «محله برو بیا» و «محله بهداشت» اتفاق افتاد. پس از آن بود که پای او به سینما باز شد و به صورت هم‌زمان در سریال‌های تلویزیونی نیز به ایفای نقش پرداخت. او در اواخر دهه شصت بازیگری در سینما را آغاز کرد و در فیلم‌های مهمی همچون «مسافران»، «طلسم»، «دو فیلم با یک بلیت»، «کشتی آنجلیکا»، «آب و آتش»، «شام آخر»، «سیانور»، «غلامرضا تختی» و «سرخپوست» بازی کرد. البته در هیچ دوره‌ای از فعالیت حرفه‌ای خود از تئاتر هم غافل نشد و همواره این مدیوم را خانه اول خود و فرصتی برای بازسازی توانمندی هنری و خلق تجربه‌های نو می‌دانست. با وجود آنکه اعتبار حرفه‌ای، میزان محبوبیت و قدرت نقش‌پردازی پسیانی او را از دریافت هر جایزه‌ای بی‌نیاز کرده بود، با این وجود او در پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر موفق شد تا لوح زرین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برای بازی در فیلم «طلسم» به کارگردانی داریوش فرهنگ دریافت کند.

تلویزیون حاصل خاک صحنه تئاتر

پسیانی در دوران اوج تلویزیون و زمانی که سریال‌های این مدیوم هنوز اثرگذار بوده و مخاطبان فراوانی داشتند؛ در آثار پربیننده مختلفی حضور داشت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «اولین شب آرامش»، «راه بی‌پایان»، «زیر تیغ»، «رستگاران»، «چاردیواری»، «مدینه» و «پرده نشین» اشاره کرد. تجربه‌های خلاقه پسیانی در تئاتر باعث شده بود تا او برای بازی در طیف متنوعی از نقش‌ها در ژانرهای مختلف بتواند توجه فیلم‌سازان را به خود جلب کند. گاهی برای نشان دادن ویژگی‌های ذاتی و درونی یک بازیگر از اصطلاح «آن» در بازیگری استفاده می‌شود. خصلتی که گویی جایی در اعماق وجود او ریشه داشت و به واسطه قدرت حضور و نوع ارائه نقش توسط این بازیگر، حتی بسیاری از آثار متوسط، گیرایی و جذابیت دو چندانی پیدا کردند.

آتیلا از نابودی مرگ عبور کرد

مرگ مقوله‌ای است که پیوندی همیشگی با مفاهیم «نیستی» و «نابودی» دارد اما شمایل و معنای این واژه‌ها در نسبت با برخی از آدم‌ها قدرت ظهور و بروز پیدا نمی‌کند. آتیلا پسیانی با آثاری که در سینما و تلویزیون از خود باقی گذاشت و همچنین هدایت و گسترش جریان تجربی تئاتر که این روزها و به واسطه نوآوری‌های فرمی، مضمونی و ساختاری بیش از پیش مورد مطالعه قرار گرفته، نقش مهمی در جریان هنر معاصر کشور ایفا کرده است. هنرمندی که در دوران فعالیت او، بسیاری خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر افکار و شیوه اجرایی آثارش قرار گرفتند و امروز هم نام دو یادگار او یعنی «خسرو» و «ستاره» بیش از پیش در دنیای تئاتر و سینما شنیده می‌شود.

لشکرکشی امپراتور چین به استرالیا

ارتش سفالین چین به موزه بولا باردیپ می‌رود

نوشین آذرنگ | نمایشگاه «ارتش سفالین: میراث اولین امپراتور» یکی از برجسته‌ترین رویدادهای موزه‌ای سال ۲۰۲۵ است که در موزه «بولا باردیپ» شهر پرت، ایالت استرالیای غربی برگزار می‌شود. این نمایشگاه با نمایش گنجینه‌های باستانی آرامگاه چین شی‌هوانگ، فرصتی بی‌نظیر برای کاوش در تاریخ و فرهنگ چین باستان فراهم می‌کند و گواهی بر نقش موزه‌ها در زنده نگه‌داشتن میراث جهانی است. چهل درصد از آثار این نمایشگاه برای اولین‌بار از چین خارج شده‌اند و این رویداد، پیوندی فرهنگی میان ملت‌ها در قلب استرالیا خلق می‌کند.

موزه بولا باردیپ که در زبان بومی نونگار به معنای «داستان‌های بسیار» است، یکی از برجسته‌ترین نهادهای فرهنگی استرالیای غربی است. این موزه سال ۲۰۲۰ پس از بازسازی گسترده بازگشایی شد و به‌عنوان مرکزی برای روایت داستان‌های تاریخی، علمی و فرهنگی منطقه و جهان شناخته می‌شود.

رویای جاودانگی چین شی‌هوانگ

دو هزار سال پیش، «چین شی‌هوانگ»، اولین امپراتور چین، در رویای جاودانگی و غلبه بر مرگ، شهری زیرزمینی خلق کرد: آرامگاهی به وسعت ۴۹ کیلومتر مربع که با سپاهی از سربازان سفالین محافظت می‌شد. یکایک این سربازان سفالین برای پاسداری از او در ابدیت ساخته شدند. این شهر اعجاب‌انگیز نه فقط آرامگاه، بلکه بازتابی از امپراتوری عظیم او بود که برای زندگی پس از مرگ طراحی شد. سال ۱۹۷۴ وقتی کشاورزان نزدیک شهر «شی‌آن» اولین سر سفالین را از خاک بیرون کشیدند، یکی از بزرگ‌ترین اسرار باستان‌شناسی جهان را رمزگشایی کردند. تاکنون و طی پنجاه سال گذشته بیش از ۸۰۰۰ سرباز سفالین کشف شده است و بخشی از این رویای ابدی به شهر پِرت در استرالیا رسیده است، جایی که جهانیان می‌توانند شاهد این شگفتی باشند.

نمایشگاهی از ریشه‌های تمدن چین

نمایشگاه «ارتش سفالین: میراث اولین امپراتور» از هشتم تیر در موزه «بولا باردیپ» ایالت استرالیای غربی گشایش پیدا می‌کند. این نمایشگاه با بیش از ۲۲۵ اثر باستانی نه فقط نگاهی به چین باستان، بلکه سفری به ریشه‌های تمدنی آن است که بسیاری‌شان برای اولین‌بار از چین خارج شده‌اند. این آثار از سفال تا برنز، پنجره‌ای به فرهنگ و هنر دوره‌ای هستند که چین را برای همیشه تغییر داد.

شگفتی هشتم در نگاه مدیر موزه

«الک کولز»، مدیر موزه، با شگفتی می‌گوید: «نمی‌شود اهمیت این رویداد را به‌سادگی بیان کرد. هفتاد درصد این آثار پیش‌تر به استرالیا نیامده‌اند و چهل درصدشان برای اولین‌بار از چین خارج می‌شوند. برای من، این ارتش سفالین شگفتی هشتم جهان است؛ چیزی که هیچ‌جای دنیا نظیرش را نمی‌یابید.» او معتقد است این مجموعه، نه‌تنها به‌خاطر قدمت، بلکه به دلیل عظمت و منحصربه‌فرد بودنش، در تاریخ بشریت بی‌همتاست.

روایتی کامل‌تر از گذشته

آخرین بار در سال ۲۰۱۹، هشت مجسمه سفالین در گالری ملی ویکتوریا به نمایش درآمدند. اما نمایشگاه پیش‌رو در موزه بولا باردیپ داستان کامل‌تری از امپراتور و دنیایی را که برای زندگی پس از مرگش آفرید روایت می‌کند. ظروف برنزی، ارابه‌های باستانی، کمربندهای طلاکاری شده، پیکره‌های رنگ‌آمیزی شده سواره‌نظام و زیورآلات نادر طلا که برخی از آن‌ها برای اولین‌بار پس از کشف به نمایش در می‌آید. این آثار گنجینه‌هایی هستند که هر یک قصه‌ای از شکوه و خلاقیت را در خود نهان دارند.

رازهای پنهان زیر خاک

رازآلودگی داستان امپراتور هنوز پابرجاست. آرامگاه او همچنان بسته مانده و اسرارش زیر هرمی بزرگ از خاک پنهان است. مورخان باستان از پادشاهی زیرزمینی با رودهای جیوه و تله‌های مرگبار گفته‌اند. افسانه‌هایی که این نمایشگاه در بخشی خیال‌انگیز بازسازی می‌کند. کولز می‌افزاید: «احترام و صبری که برای باز نکردن آرامگاه نشان‌داده‌شده، شگفت‌انگیز است. چه کسی می‌داند چه رازهایی هنوز منتظر کشف‌اند؟» این رازها، جذابیت این مجموعه را دوچندان می‌کنند.

پل‌های فرهنگی در دنیای مدرن

کولز می‌گوید: «پیوندهای فرهنگی همیشه ارزشمندند، اما شاید حالا بیش از هر زمان. این پیوندها فراتر از سیاست می‌روند و فهم و دوستی میان ملت‌ها را عمیق‌تر می‌کنند.» او معتقد است این نمایشگاه، فرصتی است برای درک بهتر فرهنگ چین و ارزش‌های مشترکی که بشریت را به هم پیوند می‌دهد». وی می‌گوید: «زیبایی، کمیابی و عظمت این آثار و درک آنچه چین شی‌هوانگ نه فقط برای چین، بلکه برای تاریخ بشریت خلق کرد دعوتی از جهانیان برای درک شگفتی است.» این نمایشگاه، دعوتی است برای لمس رویای جاودانگی که دو هزار سال پیش در خاک چین شکل گرفت.»

این جا ببینید

به بهانه تیتراژخوانی شروین حاجی‌پور برای «وحشی»

بازگشت صداهای توقیفی به عرصه رسمی هنر

محسن چاوشی، یاس و فرزاد فرزین، خوانندگانی که دلیل توقیف فیلم‌ها بودند حالا انتخابی برای حضور ثابت در تیتراژ سریال‌های تلویزیونی شدند

سما بابایی
هفت صبح

در سپهر متغیر و پرآشوب هنر معاصر ایران، نام‌هایی هستند که نه صرفا به سبب آفرینش آثارشان بلکه به‌واسطه کیفیت خاص حضورشان در ذهن و ضمیر مخاطب ماندگار می‌شوند. شروین حاجی‌پور خواننده جوان موسیقی ایران، بی‌تردید یکی از این نام‌هاست. هنرمندی از نسلی نوخاسته که موسیقی را چون زبانِ بیان درونیات، احساسات جمعی و تجربه‌های زیسته می‌داند. همچون او، تعداد زیادی از هنرمندان بودند که مدتی در افکارِ عمومی بر صدر نشستند و خیلی زود ستاره بخت‌شان افول کرد؛ هرچند که شهرت و مکنتِ بسیار یافتند. حالا حاجی‌پور بدل به صدایی معتبر در منظومه موسیقی معاصر ایران شده است. صدایی که به ویژه نزد مخاطبان جوان، اعتبار و نفوذی فراتر از چارچوب‌های رسمی و مجاز یافته است. او با بیانی آمیخته از نوگرایی و احساس، توانسته صدایی منحصربه‌فرد، گویا و انسانی باشد. بی آن‌که به دام اغراق یا تصنع بیفتد.

در سال‌های اخیر استفاده از صدای خوانندگان ممنوع‌الکار در تیتراژ سریال‌ها و فیلم‌ها به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در عرصه هنر ایران تبدیل شده است. تلاش برخی از سازندگان آثار هنری برای بهره‌گیری از محبوبیت این هنرمندان و همچنین مقاومت در برابر محدودیت‌های اعمال شده بر آن‌هاست.

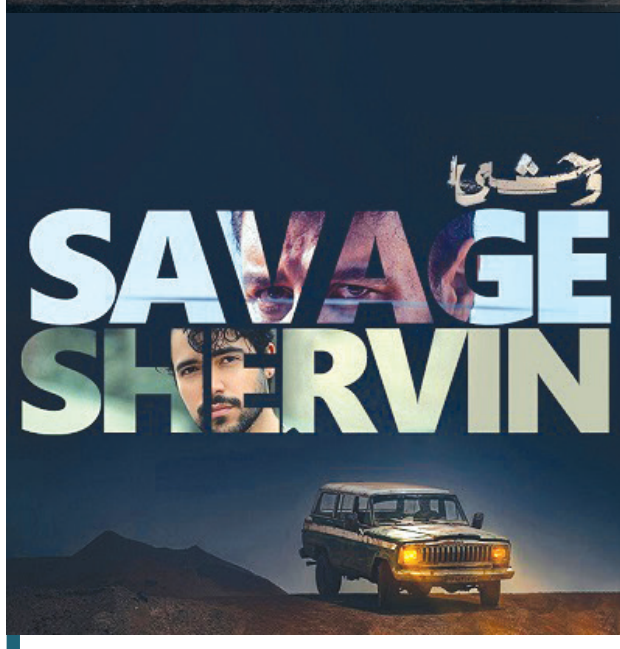

نوای یک پرولوگ دراماتیک بر بستر درام ملتهب

بازگشت حاجی‌پور به فضای رسمی هنر تصویری از خلال تیتراژ سریال «وحشی» به کارگردانی هومن سیدی، یک انتخاب حرفه‌ای از سوی تیم تولید این اثر نمایشی است. مهم‌تر از آن اما کنشی تأمل‌برانگیز نسبت با ساحت عمومی هنر در ایران تلقی می‌شود. حضور او در مقام خواننده تیتراژ، در دل اثری با ساختاری ملتهب، دراماتیک و سرشار از پیچیدگی‌های روانی، انتخابی هوشمندانه و حساب شده است که بیانگر تلاقی دو جهان خلاقانه است. یکی از آنِ فیلمساز جسور و دیگری از آنِ صدایی که هنوز در ذهن مخاطب تداعی‌گر شور، لطافت و اندوهی شاعرانه است. سریال «وحشی» با لحن گزنده و فضای تیره روشنش، نیازمند تیتراژی بود که نه تنها در خدمت روایت باشد، بلکه خودش آغازگر حس و حال اثر تلقی شود. انتخاب صدای شروین حاجی‌پور در این نقطه، گویی نوای یک پرولوگ دراماتیک است که پیش از ورود به داستان مخاطب را درگیر خود می‌کند. این تلاقی میان موسیقی و تصویر، میان صدا و ساحت دراماتیک، تجربه‌ای منحصر به فرد را رقم می‌زند که شاید از مهم‌ترین لحظات شنیداری و دیداری آثار نمایشی سالیان اخیر باشد.

جایزه گرمی شهرت جهانی، تیتراژ انیمیشن!

شروین در سال ۲۰۲۳، جایزه گرمی را دریافت کرد و در همان سال به عنوان یکی از صد فردِ تاثیرگذار جهان معرفی شد. با این حال شهرت جهانی او نه به معنای گشایش مسیر که به نحوی تناقض‌آلود، آغاز محدودیت‌هایی خاموش برای او بود. حاجی‌پور در این مدت، نه مجالی برای اجرای زنده یافت، نه مجوزی برای آلبومی رسمی. در چنین شرایطی، نخستین زمزمه‌های بازگشت او به ساحت عمومی، نه در قالب کنسرت یا آلبوم، که از راه تیتراژ یک انیمیشن پدیدار شد. «پسر دلفینی ۲». شایعاتی مبنی بر همکاری شروین حاجی‌پور با این پروژه بر سر زبان‌ها افتاد اما حضورش در نسخه اولیه نمایش داده شده در جشنواره تایید نشد. تهیه‌کننده در پاسخ به پرسشی درباره غیبت نام حاجی‌پور اشاره کرد که تیتراژ نهایی با صدای او در حال دریافت مجوز است و در اکران نوروزی منتشر خواهد شد. وعده‌ای که درنهایت محقق شد و نسخه سینمایی اثر با صدای حاجی‌پور روی پرده رفت. این نخستین گام رسمیِ بازگشت صدایی بود که تا پیش از آن، مدتی در سایه مانده بود.

و این بار وحشی

گام دوم اما جدی‌تر و پررنگ‌تر در قالب همکاری با سریال «وحشی» به کارگردانی هومن سیدی رقم خورد. این سریال که از ۲۵ فروردین آغاز به کار کرده در همین قسمت‌های معدود پخش شده مخاطب را با اثری متفاوت روبه‌رو کرد. انتخاب حاجی‌پور برای خواندن تیتراژ این سریال تصمیمی جسارت‌گونه و هوشمندانه به نظر می‌رسد. سیدی حتما با علم به حساسیت‌های موجود، ریسک چنین همکاری‌ای را پذیرفته، یا شاید از تغییرات لایه‌های پنهان سیاست‌گذاری فرهنگی باخبر بوده است. تغییراتی که نوید گشایش نسبی و بازگشت تدریجی چهره‌های رانده شده از صحنه را می‌دهند. حضوری که اگرچه بدون هیاهو و بدون اعلان صریح رخ داد اما بی‌گمان پیام‌آور تغییری هرچند شکننده است. تغییری که می‌توان آن را نه بازگشت تمام‌عیار که گشودن روزنه‌ای تازه دانست. برخی ناظران، این روند را «سیاست آشتی نرم» نامیده‌اند، رویکردی که هدف آن بازگرداندن تدریجی هنرمندانی است که در بزنگاه‌های اجتماعی کنار مردم ایستادند اما از مدار رسمی کنار گذاشته شدند.

قصه بحث‌برانگیز حضور رسمی یا غیررسمی

در سال‌های اخیر استفاده از صدای خوانندگان ممنوع‌الکار در تیتراژ سریال‌ها و فیلم‌ها به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در عرصه هنر ایران تبدیل شده است. این پدیده که گاه به صورت رسمی و گاه به صورت غیررسمی و بدون مجوز رخ داده، نشان‌دهنده تلاش برخی از سازندگان آثار هنری برای بهره‌گیری از محبوبیت این هنرمندان و همچنین مقاومت در برابر محدودیت‌های اعمال شده بر آن‌هاست.

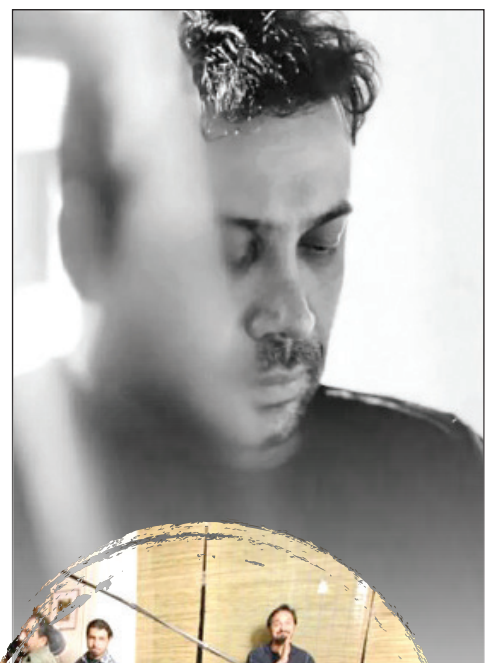

بعد از توقیف سنتوریِ چاوشی، او تیتراژخوان شد!

صدای «محسن چاوشی» در فیلم «سنتوری» به کارگردانی داریوش مهرجویی، یکی از پرسروصداترین آثاری است که اثر را تحت‌تاثیر خواننده قرار داده است. سنتوری هیچ‌گاه مجوز پخش دریافت نکرد. یکی از دلایلی که برای این ممنوعیت ذکر شده صدای چاوشی بود. حالا دیگر همه این اثر را شنیده‌اند و صدای چاوشی یکی از پرتکرارترین صداها در تیتراژ فیلم‌ها و سریال‌هاست.

فرزین دلیل توقیف شد، ممنوع شد، برگشت

فرزاد فرزین در تیتراژ سریال «میدان سرخ» منجر به توقیف این سریال توسط ساترا شد. این سازمان اعلام کرد تا زمانی که صدای فرزین از سریال حذف نشود مجوز انتشار صادر نخواهد شد. همچنین حضور فرزین به صورت دائمی در تمامی پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی ممنوع شد. اتفاقی که البته دیری نپایید و ملغی شد.

یاس خواند اما حذف شد

سال ۱۳۹۷ صدای یاس در تیتراژ سریال «رقص روی شیشه» به کارگردانی مهدی گلستانه استفاده شد. با این حال، پس از پخش قسمت اول نسخه‌های توزیع شده در تهران بدون صدای او منتشر شدند. در حالی که در شهرستان‌ها نسخه‌هایی با صدای یاس پخش شد. مدیرکل دفتر نمایش خانگی اعلام کرد که هیچ درخواستی برای تیتراژخوانی یاس ارائه نشده بود و نسخه ارسالی برای دریافت مجوز فاقد صدای او بود.

نامجو جایگزین پیدا کرد

سال ۱۳۸۶ سریال طنز «چارخونه» با تیتراژی از محسن نامجو روی آنتن شبکه سه سیما رفت اما پس از مدتی به دستور مسئولان پخش شبکه، صدای او از تیتراژ حذف و با خواننده دیگری جایگزین شد. پیش از آن نیز نامجو در تیتراژ سریال «ترش و شیرین» به کارگردانی رضا عطاران حضور داشت که در بازپخش‌های بعدی سکانس‌هایی که تصویر او را نشان می‌دادند، حذف شدند.

نگاهی به تاریخ ایران در قلب سه موزه جهان

سفر به عهد باستان در موزه‌هایی با ماشین زمان

غرور ایرانی در قلب پاریس

موزه لوور (پاریس، فرانسه)

موزه لوور، واقع در قلب پاریس، نه فقط بزرگ‌ترین موزه جهان، بلکه گنجینه‌ای بی‌نظیر از تاریخ باستان است. این موزه با بیش از ۳۸۰هزار اثر، از تمدن‌های بین‌النهرین تا مصر و ایران باستان، پنجره‌ای به گذشته بشریت باز می‌کند. بخش آثار باستانی لوور که در سال ۱۸۰۱ تأسیس شد شامل شاهکارهایی مثل کتیبه حمورابی (از بابل، حدود ۱۷۵۴ ق.م) و گاو بالدار آشوری است که شکوه تمدن‌های خاورمیانه را نشان می‌دهند. برای ایرانیان، بخش ایران باستان لوور با آثاری از تخت‌جمشید و شوش، مثل نقش‌برجسته‌های هخامنشی، حس غرور ملی را بیدار می‌کند. این آثار مشابه ارتش سفالین چین، داستان پادشاهانی را روایت می‌کنند که در پی جاودانگی بودند.

لوور با معماری خیره‌کننده‌اش از هرم شیشه‌ای ورودی تا سالن‌های باشکوه، بازدیدکنندگان را به سفری در زمان دعوت می‌کند. این موزه نه فقط آثار را نمایش می‌دهد؛ بلکه با نمایشگاه‌های موقت و برنامه‌های آموزشی، فرهنگ‌های باستانی را زنده نگه می‌دارد. نمایشگاه‌های مشترک با موزه‌های ایران، پیوندهای فرهنگی میان تمدن پارسی و دیگر ملت‌ها را برجسته کرده‌اند. لوور به ما یادآوری می‌کند که تاریخ، فقط اشیاء نیست؛ قصه انسان‌هایی است که مثل ما آرزوها و رویاهایی داشتند. هنگام بازدید از لوور، مثل قدم زدن در تخت‌جمشید، حس می‌کنید گذشته هنوز نفس می‌کشد.

قلب تاریخ ایران در قلب تهران

موزه ملی ایران (تهران، ایران)

موزه ملی ایران، که در سال ۱۳۱۶ در تهران تأسیس شد، قلب تاریخ باستانی سرزمین ایران و گنجینه‌ای است که داستان تمدن ایران را از دوران پارینه‌سنگی تا ساسانیان روایت می‌کند. این موزه با دو بخش اصلی (ایران باستان و دوران اسلامی) آثاری مثل نقش‌برجسته‌های هخامنشی، مجسمه داریوش بزرگ از شوش و کتیبه‌های پارسی را به نمایش می‌گذارد. برای ایرانیان این موزه مانند ارتش سفالین برای چینی‌ها، نمادی از شکوه و هویت ملی است که عظمت پادشاهانی چون کوروش را زنده نگه می‌دارد.

ساختمان بخش ایران باستان موزه، طراحی شده توسط معمار فرانسوی آندره گدار، خود اثری هنری است که از طاق کسری، قصر ساسانیان در تیسفون الهام گرفته است. نمای آجری قرمز و طاق بلند ورودی با قوس ایرانی یادآور شکوه معماری باستانی است. این طاق که با آجرهای منظم و ساده تزئین شده، حس عظمت و پایداری را منتقل می‌کند. گویی بازدیدکنندگان را به دربار هخامنشی دعوت می‌کند. سالن‌های داخلی با نورپردازی ملایم و سقف‌های بلند، فضایی آرام و باشکوه ایجاد کرده‌اند که آثار را در مرکز توجه قرار می‌دهد. گدار با تلفیق عناصر مدرن و سنتی، بنایی خلق کرد که نه‌تنها آثار را حفظ می‌کند، بلکه روح تاریخ ایران را بازتاب می‌دهد. موزه ملی با نمایشگاه‌های موقت و همکاری‌های جهانی، مثل امانت کتیبه کوروش به موزه‌های خارجی، ایران را به جهان معرفی می‌کند.

نقطه تلاقی تمدنی

موزه بریتانیا (لندن، انگلستان)

موزه بریتانیا در لندن، با مجموعه‌ای عظیم از ۸ میلیون اثر، یکی از مهم‌ترین مراکز حفظ تاریخ باستان است که سال ۱۷۵۳ تأسیس‌شده است. این موزه داستان تمدن‌های جهان را از مصر و یونان تا ایران و بین‌النهرین روایت می‌کند. بخش باستانی آن شامل آثاری مثل سنگ روز تا (کلید رمزگشایی هیروگلیف مصری) و نقش‌برجسته‌های پارسی است که عظمت هخامنشیان را به نمایش می‌گذارند. برای ایرانیان، دیدن کتیبه کوروش بزرگ در این موزه لحظه‌ای از غرور و تأمل است. مشابه حسی که ارتش سفالین برای چینی‌ها ایجاد می‌کند.

موزه بریتانیا با سالن‌های وسیع و نورپردازی هنرمندانه، فضایی ایجاد کرده که بازدیدکنندگان انگار در قلب تاریخ قدم می‌زنند. نمایشگاه‌های موقت آن، مثل نمایش آثار پارسی در کنار مصر باستان، نشان می‌دهند چگونه تمدن‌ها به هم وصل بودند. درست مثل جاده ابریشم که هنر یونانی را به ارتش سفالین رساند. این موزه همچنین با برنامه‌های آموزشی و دیجیتال (مثل تورهای مجازی) تاریخ را برای نسل جدید زنده نگه می‌دارد. موزه بریتانیا به ما می‌آموزد که گذشته فقط متعلق به یک ملت نیست بلکه میراث مشترک بشریت است.

گزارش هفت صبح از آثار تاریخی ایرانی که فردا در حراج کریستی به فروش می‌رود

سارقان کت و شلواری تاریخ ایران

- فردا ۱۲۹ اثر از جمله سنگ قبر دوران تیموری، قرآن‌های تاریخی و ۶۵ فرش نفیس در حراج کریستی لندن به فروش گذاشته می‌شود
- چون اغلب این آثار ثبت نشده‌اند، ایران نمی‌تواند ادعایی بر مالکیت آنها داشته باشد

مرجان حاجی رحیمی
هفت صبح

از زمانی که پای جهانگردان خارجی به ایران باز شد و آنها با آثار هنری و ظریف ایرانی آشنا شدند، قصه تلخی آغاز شـــد که گویی هرگز پایانی نخواهد داشت و مدام تکرار می‌شود و آن خروج آثار هنری و تاریخی از ایران و فروش آنها به مجموعه‌داران خصوصی یا موزه‌ها و حتی در حراجی‌های بین‌المللی که یکی از قدیمی‌ترین آنها، حراج کریستی در لندن است. تا جایی که بیشترین آثار ایرانی در موزه بریتانیا، موزه لوور فرانسه، موزه پرگامون آلمان، موزه متروپولیتن آمریکا، موزه میهو ژاپن نگهداری می‌شـــود و حتی در ســـال‌های اخیر آثار فاخر ایرانی به موزه‌های تازه تاسیس کشـــورهای حاشیه خلیج‌فارس هم رسیده است. حالا در تازه‌ترین حراج کریستی قرار است فردا(۱۱ اردیبهشت)، ۱۲۹ اثر هنری و تاریخـــی و ۶۵ قطعه فرش از ایران از جمله ســـه فرش صفوی از اصفهان و یک فرش ابریشمی قاجاری جزو ۲۶۵ قطعه اثر هنری باشد که تحت عنوان «هنر دنیای اسلامی و هندی شامل فرش‌ها و قالی‌ها» در لندن حراج می‌شود. این مجموعه شامل فرش‌ها، قالی‌ها، سفال و سرامیک، نسخه‌های خطی، نقاشی‌ها و سایر آثار هنری از مناطق مختلفی از جمله ایران، هند، ترکیه، شمال آفریقا و شبه‌جزیره عربی اســـت که طبق معمول بیشترین آثار متعلق به ایران بوده و حتی نسخه‌های خطی هندی نیز فارسی است. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی جز در موارد خاص که اثر در ایران ثبت شده و بعد دزدیده شده باشـــد، نمی‌تواند بر آثاری که در حراج‌های بین‌المللی فروخته می‌شـــود، ادعایی داشته باشـــد. اغلب این آثار زمانی از ایران دزدیده شده‌اند که هیچ ثبت و ضبطی وجود نداشت و ایران نمی‌تواند ادعایی بر مالکیت آنها داشته باشد. ضمن آنکه بنابر قوانین بین‌المللی آثار تاریخی بعد از ۳۰ سال می‌توانند خرید و فروش شوند و کشـــور مبدا هیچ دخل و تصرفی بر خرید و فروش آن نمی‌تواند انجام دهد.

قرآن‌های دست‌نویس

چندین قرآن دســـت‌نویس و خطی قرار اســـت فردا فروخته شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود، مثل قرآن ایلخانی که در سال ۲۰۰۹ تعداد ۱۶ برگ و در سال ۲۰۱۳ تعداد ۲۶ برگ آن در همین حراج فروخته شده است و حالا ۳۵۶ برگ آن به قیمت پایه ۷۰ هزار دلار قرار است فروخته شود. ابعاد هر برگ این قرآن ۳۰ در ۴۰ سانتی‌متر اســـت و با خط محقق نوشته شده و تذهیب‌های طلا دارد. دیگری جزء ۲۱ قرآنی است متعلق به تبریز در دوره ایلخانی که کتابت آن را امیر حاج بن احمد السَینی برعهده داشته است و بزرگی صفحات آن ۳۵ در ۲۶ سانتی متر اســـت. پنج جزء در کتابخانه چِستِر بیتی دوبلین و یک جزء در مجموعه خلیلی موجود اســـت و یک برگ از این مجموعه در حراج بونهامز لنـــدن، ۲۴ آوریل ۲۰۱۲، شماره ۵ به فروش رسیده اســـت. چند جزء از این مجموعه ۳۰ جزئی دارای وقف‌نامه‌ای است که نشان می‌دهد توسط شاهزاده‌ای به نام بانوی شریف خواجه جمال‌الدین فرحان آن را به مدرسه فرحانیه وقف کرده است. قیمت پایه این جزء قرآن نیز ۸۰ هزار دلار است.

فرش لهستانی صفوی

این فرش لهستانی (پولونزی) پیش از این دوبار دیگر در حراج‌های کریستی لندن سال ۲۰۰۶ و کریستی نیویورک سال ۲۰۱۱ فروخته شده و حالا در اختیار یک خانواده بلژیکی است و قیمت پایه آن ۱۵۰ هزار دلار تخمین زده شده است. ابعاد آن یک متر و ۴۰ در دو متر است و در دوران شاه عباس صفوی بافته شده است. فرش‌های لهستانی گروه بزرگی از قالی‌های زربفتی هســـتند که در دوره صفوی بافته می‌شدند. از جمله روایاتی که در باب طراحـــی و تولید این فرش‌ها نقل می‌شود آن است که در بهار سال ۱۶۰۱ میلادی مطابق با قرن ۱۰ هجری شمسی، زیگموند سوم پادشاه لهستان از طریق یک بازرگان ارمنی به کارگاه‌های قالی‌بافی کاشان سفارش بافت هشت تخته فرش را می‌دهد که امروزه در موزه رزیدنتس مونیخ نگهداری می‌شوند. تصاویر زیر نمونه‌ای از این قالی‌ها را نشان می‌دهند. یکی از ویژگی‌های مهم این قالی‌ها نشـــانی است که در میانه آن‌ها نقش بســـته و وابستگی‌شان به دربار و سرزمین لهستان را نشان می‌دهد.

درباره کریستی

حراج کریستی در پنجم دسامبر ۱۷۶۶ توسط جیمز کریستی با فروش دو کتاب قدیمی در لندن پایه گذاری شد اما در طول ۲۵۹ سال گذشته به جایی رسید که یکی از مهمترین حراجی‌های دنیا شده است. این حراج در سال ۲۰۱۵ به شرکت ســـرمایه‌گذاری آرتمیس متعلق به خانواده فرانسوی پینو، فروخته شد. در تاریخ طولانی کریستی، ایرانی‌های زیادی در زمینه‌های مختلف با کریستی کار کرده‌اند. کسانی چون نیلوفر ایرانی در بخش هنر اسلامی و ایرانی که در حراج‌های لندن و نیویورک نقش بسزایی داشته و در ارزیابی نسخه‌های خطی، فرش‌ها و سرامیک‌ها کار می‌کند. محمد جواد خراسانی، در حوزه هنر اسلامی و ایرانی که در بخش‌های مختلف کریستی کار کرده. مسئول فروش و ارزیابی آثار هنری مرتبط با ایران در بسیاری از حراج‌های معتبر کریستی بوده است. ســـیروس نوربخش یکی دیگر از ایرانی‌هایی اســـت که در حراج‌های کریســـتی به عنوان کارشناس آثار هنری اسلامی و ایرانی شناخته می‌شود. نوربخش در زمینه‌های مختلف هنر ایران، به‌ویژه فرش‌های ایرانی، شناخته شده است و در حراج‌های کریستی مشغول به فعالیت است. از گران‌ترین آثاری که از ایران فروخته شده است، می‌توان به فروش یک قطعه فرش صفوی متعلق به دوران شاه عباس اول به قیمت ۳۰ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار، جعبه نقره‌ای ساسانی با ظرافت بسیار خاص و هنرمندانه به قیمت ســـه ونیم میلیون دلار، نسخه‌ای نادر و کامل از خمسه نظامی و خمسه امیر خسرو دهلوی به قیمت دو میلیون و ۹۰۰ هزار پوند و بخشی از نسخه خطی شاهنامه طهماسبی به قیمت دو و نیم میلیون دلار اشاره کرد. باید توجه داشت که برخی از کشورها خرید و یا واردات اموال ایرانی را ممنوع یا محدود کرده‌اند. به عنوان مثال، ایالات متحده آمریکا انجام معاملات و واردات «آثار صنایع دستی متداول ایرانی» (مانند فرش‌ها، منســـوجات، اشیاء تزئینی و ابزارهای علمی) را بدون مجوز مناسب ممنوع کرده است. اما کریستی مجوز کلی افک (OFAC) را دارد که با رعایت شرایط خاص، به خریدار این امکان را می‌دهد که این نوع آثار را به ایالات متحده وارد کند.

سنگ قبر تیموری

از آثـــاری که قرار اســـت در حراج کریســـتی فروختـــه شـــود، ســـنگ قبـــری ۴۵ در ۳۵ ســـانتی‌متری، متعلق به دوران تیموری است که از یکی بقعه‌ها و یا آرامگاه‌های ایران دزدیده شده و در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) به مالک فعلی آن در لندن فروخته شده و حالا با گذشت ۳۰ ســـال خرید و فـــروش آن آزاد و مالک کنونی آن را به قیمت پایه هشـــت هزار دلار در حراج کریستی عرضه کرده است. از متن سنگ آمده که: مرتضی بزرگوار، مجتبای گرامی، ســـید زین‌العابدین فرزند سید جلال‌الدین مرتضی فرزند یحیـــی رَضَوی پس از آن که ۹۰ ســـال زندگی کرد، در روز پنجشنبه، ۱۸ ربیع‌الثانی سال ۸۹۷ هجری قمری درگذشت.

یادداشت

نقدهایی درباره مرمت ابنیه تاریخی

روح این خانه‌ها کشته می‌شود!

ادامه از صفحه اول

این چالش در جزئیات فنی نیز خود را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، در اجرای تاق، قیمت‌گذاری بر مبنای پلان معکوس انجام می‌شود، در حالی که عوامل مؤثری مانند خیز تاق که تأثیر مستقیمی بر دستمزد استادکار دارد، نادیده گرفته می‌شود. از سوی دیگر، محدودیت‌های زمانی ناشی از بودجه‌بندی سالانه ادارات، فشار مضاعفی بر پروژه‌های مرمتی وارد می‌کند. الزام به مصرف بودجه در بازه زمانی مشـــخص، بدون توجه به نیازهای واقعی پروژه، باعث می‌شود پیمانکاران مجبور به اجرای فشرده کارها شوند و در صورت تأخیر ناشی از شرایط دشوار مرمت، با جریمه مواجه گردند. این تناقضات و ناهماهنگی‌ها در نهایت به کیفیت کارهای مرمتی لطمه می‌زند. وقتی هزینه‌ها بدون توجه به شرایط واقعی محاسبه شوند، زمان‌بندی‌ها انعطاف‌ناپذیر باشد و عوامل فنی مؤثر بر دستمزد نیروی کار نادیده گرفته شوند، طبیعی است که نتیجه نهایی از استانداردهای مطلوب فاصله بگیرد.

جای خالی چارچوب نظری در مرمت

با وجود تأکید دانشـــگاه‌های ایران بر مباحث تئوریـــک مرمت، هنوز چارچوب نظری جامعی که بتواند مبنای علمی برای حفاظت و مرمت آثار تاریخی کشور باشد شکل نگرفته است. منشورهای بین‌المللی اگرچه مفید هستند، اما بیشـــتر به اصول کلی می‌پردازند و به نیازهای خاص میراث معماری ایران پاسخ نمی‌دهند. این در حالی است که مرمت در کشوری با چنین تنوع فرهنگی و تاریخی، نیازمند نظریه‌ای بومی است که هم اصالت اثر را حفظ کند و هم کارکرد اجتماعی آن را مد نظر قرار دهد. دانشگاه‌ها عمدتاً به تکرار مفاهیم کلی و ترجمه نظریه‌های خارجی بسنده کرده‌اند، بدون آنکه این مفاهیم را با واقعیت‌های میدانی و دانش بومی تلفیق کنند. در نتیجه، شـــکافی عمیق بین آموزش آکادمیک و عمل مرمتی به وجود آمده است. بســـیاری از مفاهیم تدریس شده در دانشـــگاه‌ها، هنگام مواجهه با چالش‌های عملی در پروژه‌های مرمتی ایران، کارایی خود را از دست می‌دهند. مســـئله‌ای اساسی‌تر از کمبود نظریه، فقدان فرهنگ تفکر انتقادی در نظام دانشـــگاهی کشور است. دانشگاه‌های ما عمدتاً به جای پرورش اندیشه تحلیلی و خلاق، به تکرار مفاهیم و حفظ محفوظات می‌پردازند. این رویکرد در حوزه مرمت آثار تاریخی به وضوح قابل مشاهده اســـت، جایی که دانشجویان بیشتر با تئوری‌های ترجمه‌شده غربی آشنا می‌شوند تا با چارچوب‌های تحلیلی بومی. در کنار نقدهای سازنده‌ای که در خصوص مرمت‌های اخیر بیان شده است، افرادی هم هستند که بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های مالی، فنی یا زمانی پروژه‌های مرمتی، صرفاً به دنبال یافتن ایراد هستند و کوچک‌ترین تغییرات را بزرگ‌نمایی می‌کنند. این گروه معمولاً بدون ارائه راهکار عملی، فقط به بیان کلی گویی‌های تخریبی می‌پردازند. در مقابل، عده‌ای دیگر چنان در دام بدبینی افتاده‌اند که هر اقدام مرمتی - حتی اگر کاملاً اصولی باشد - را مسخره می‌کنند و به بهانه‌های واهی مانند «اتلاف بودجه» یا «بی‌فایده بودن حفظ بناهای قدیمی»، اساساً نفسِ حفاظت از میراث تاریخی را زیر ســـؤال می‌برند. امروزه که معماری سنتی به فراموشی سپرده شده و شهرها پر از ساختمان‌های تقلیدی از سبک‌های غربی اســـت، حفظ اصالت در مرمت بناهای تاریخی کاری دشـــوار اما ارزشمند است. اگر می‌خواهیم میراثمان را زنده نگه داریم، باید همراهی مردم، نظارت کارشناسانه و شفافیت را جدی بگیریم. مرمت واقعی نه‌تنها باید کالبد بنا، بلکه باید حیات اجتماعی و اقتصادی آن را نیز حفظ کند.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای عزیزاله وحدتی اغمیونی برابر وکالت ۶۴۷۲۳ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۶ دفترخانه ۴۸۷ تهران از طرف رضا وحدتی اغمیونی (مالک)
با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق که تحت شماره ۳۰۹۵۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۵ دفترخانه ۴۸۷ تهران و برگ تقاضای وارده بشماره ۲۷۰۶۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ و ۸۵۱۲ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۶ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ آپارتمان به پلاک ۲۷۶۸ فرعی از ۲۲۶۹ اصلی قطعه ۵ تفکیکی مفروز از ۲۰۴ فرعی از اصلی مذکور بمساحت ۱۵۸/۸۶ متر مربع در طبقه پنجم که ۱۳/۲۶ متر مربع ان بالکن است ب ذیل ثبت صفحه ۱۲۱ دفتر ۵۴ بنام رضا وحدتی اغمیونی ثبت و سند به چاپی ۱۱۸۷۷۴ صادر و تسلیم گردید. سپس برابر سند ۶۷۵۱۷ مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۰۱ دفترخانه ۱۸۳ تهران در رهن بانک تجارت می باشد نامبرده به علت جابجایی سند مالکیت خود را مفقود نموده است و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده اند. لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.
محدودیت: دو مورد بازداشت دائم بموجب دستور شماره ۲۳۸۴۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲ صادره از اداره اول اجرای اسناد رسمی به نفع – برای مالکیت رضا وحدتی آغمیونی بازداشت می باشد بموجب دستور شماره ۹۱۱۰۱۱۰۲۵۵۷۰۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۰ صادره از اجرای احکام شعبه ۴ م . ق شهید بهشتی به نفع – برای مالکیت رضا وحدتی آغمیونی بازداشت می باشد.
۱۰۸۴۴ م الف — رییس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرآرا تهران – کمال شاکری
شناسه آگهی ۱۹۲۰۲۵۷

پیش نویس آگهی فقدان سند مالکیت

آقای خشایار واصفی فرزند سید مصطفی به شماره ملی ۰۰۴۷۲۹۷۹۴۸ اصالتا با ارائه دو برگ استشهادیه به شماره ۱۹۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۸ دفتر ۹ لواسان و درخواست ارسالی به شماره ۱۴۰۳۶۲۶۵۹۵۱۵۰۰۰۰۷۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۹ از دفتر مذکور با اعلام اینکه سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۲۰۱۲ فرعی از ۲۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۷۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در قریه نجارکلا لواسان بخش ۱۱ تهران به مساحت ۱۷۲/۹۵ متر مربع ذیل ثبت ۵۳۹۵ صفحه ۲۲۰ دفتر ۴۹ به شماره چاپی ۳۶۰۰۲۰ الف ۸۹ به نام نامبرده ثبت و صادر گردیده است در قید رهن نمیباشد، بعلت جابجایی مفقود گردیده است تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است که در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت (اصلاحی ۸۰/۱۱/۰۸) مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند و صورتمجلس مبنی بر وجود آن نزد معترض در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن به متقاضی المثنی تسلیم و اصل سند به ارائه دهنده مسترد می شود، بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.
۱۰۸۴۶ م الف — رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لواسانات – نصراله رادپور
شناسه آگهی ۱۹۲۰۲۶۶

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای محمود کاظمی راد با وکالت از طرف خانم مهشید مسعودی طبق وکالتنامه رسمی ۱۱۵۹۶۴ – ۱۴۰۳/۰۶/۰۸ دفترخانه ۳ تهران با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده به شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۲۷۷۰۰۰۰۰۶۲ و رمز تصدیق ۴۶۶۷۹۷ شماره ترتیب ۵۵۳۷۳ دفترخانه ۳ تهران طی درخواست وارده شماره ۱۴۰۴۸۵۶۰۱۰۲۶۰۰۰۶۲۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ تقاضای صدور سند المثنی سند مالکیت را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد.
۱- نام و نام خانوادگی مالک: مهشید مهدوی مالک دو دانگ مشاع
۲- شماره پلاک: ۳۰۷۰ فرعی از ۳۴ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران
۳- علت گم شدن: مفقودی در جریان اسباب کشی
۴- خلاصه وضعیت مالکیت: ششدانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۳۰۷۰ فرعی از ۳۴ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۹۸۳۴ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲۴ در طبقه ۴ و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک قلهک تهران استان تهران به مساحت ۱۷۷/۴ متر مربع و با مشخصات منضمات ملک: پارکینگ قطعه ۱۱ به مساحت ۱۰/۸ متر مربع، مشخصات مالکیت: مالکیت مهشید/ مهدوی فرزند ناصر شماره شناسنامه ۵۲۸ تاریخ تولد ۱۳۳۴/۰۵/۲۹ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۴۱۶۷۳۶۶۲ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان منافع مادام العمر متعلق به بدرالملوک درشناس میباشد با شماره مستند مالکیت ۸۹۸۹۴ تاریخ ۱۳۸۸/۰۸/۰۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۴۳۲۹۴ سری ب سال ۹۳ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۴۲۰۳۰۱۰۲۶۰۰۰۸۰۵ که در صفحه ۱۶۴ دفتر املاک جلد ۲۹۱۱ ذیل شماره ۵۸۰۳۰۳ ثبت گردیده است. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
۱۰۸۴۳ م الف — رئیس حوزه ثبت ملک قلهک تهران – محمد امین کریمی جو
شناسه آگهی ۱۹۲۰۲۴۰

آگهی فقدان سند مالکیت هجده سهم مشاع از یکصد و شصت و پنج سهم ششدانگ ۱۳۷۱ فرعی از ۷۸ – اصلی

آقای حسین نصیرلو با کد ملی ۱۷۲۹۴۳۵۳۳۵ باستناد وکالت نامه شماره ۲۰۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۲۳۸ تهران ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه مصدق شده تحت شناسه یکتای ۱۴۰۴۰۲۱۵۰۳۱۷۰۰۰۰۱۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴ با رمز تصدیق ۶۵۶۹۳۸ و شماره ترتیب ۱۳۲۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۲۳۸ تهران، طی درخواست وارده بشماره ۱۴۰۴۸۵۶۰۱۱۴۷۰۰۱۲۳۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴ مدعی فقدان سند مالکیت پلاک ثبتی فوق بعلت سهل انگاری و جابجایی می باشد که مشخصات آن به شرح ذیل می باشد: سند مالکیت هجده سهم مشاع از یکصد و شصت و پنج سهم ششدانگ یک قطعه آپارتمان طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱۳۷۱ فرعی از ۷۸ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۲۵۶ فرعی از اصلی مذکور، قطعه دوم در سمت جنوب غربی طبقه همکف و واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران استان تهران به مساحت (۷۴/۱۵) هفتاد و چهار متر و پانزده دسی متر مربع، به انضمام انباری قطعه ۲ به مساحت (۵/۲۸) پنج متر و بیست و هشت دسی متر مربع به نام محمود محمودی فرزند نوروزعلی شماره شناسنامه ۹۵۵ تاریخ تولد ۱۳۴۰/۱۱/۲۰ صادره از شهرری دارای شماره ملی ۰۴۹۲۳۲۵۵۸۸ با جز سهم ۱۸ از کل سهم ۱۶۵ بعنوان مالک هجده سهم مشاع از صد و شصت و پنج سهم عرصه و اعیان باستناد دادنامه حصر وراثت بشماره ۸۷۵ تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۱ شعبه ۲۳۷ مجتمع شماره ۵ شورای حل اختلاف تهران و مالیات بر ارث شماره ۲۴۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۸ ثبت و سند مالکیت بشماره چاپی ۵۶۶۱۸۸ سری الف سال ۹۶ یا شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۱۴۷۰۳۹۵۹۳ صادر گردیده است. لذا با توجه به اعلام نامبرده و فقدان سند مالکیت بعلت جابجائی و درخواست صدور سند مالکیت المثنی، در اجرای تبصره یک ذیل ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.
۱۰۸۵۰ م الف — سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران – محمد علی ابراهیمی
شناسه آگهی ۱۹۲۰۳۰۰

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مهرانگیز فجرک (مالک)
با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق که تحت شماره های ۴۱۴۱۷ و ۴۱۴۱۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ دفتر ۴۴ تهران و برگ درخواست وارده شماره ۲۳۴۵۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان واقع در طبقه همکف بمساحت ۱۱۵/۳۴ متر مربع که مقدار ۳/۸۵ متر مربع آن بالکن سمت جنوب است قطعه اول تفکیکی به پلاک ۱۰۶۹۹۱ فرعی از ۲۳۹۵ – اصلی مفروز از پلاک ۵۷۵۳۵ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۰ تهران بانضمام پارکینگ شماره ۱ بمساحت ۱۱ متر مربع در طبقه زیرزمین و انباری شماره ۱ بمساحت ۳/۷۸ متر مربع در طبقه زیرزمین ذیل ثبت در صفحه ۴۲۰ دفتر املاک جلد ۲۴۸۴ ذیل شماره ۴۷۰۶۴۴ بنام فرشته ولی محمدی ثبت و سند به چاپی ۲۲۳۸۹۳ صادر گردیده است سپس طبق سند ۳۱۶۴ مورخ ۸۴/۱۰/۲۸ دفترخانه ۵۹۸ تهران به اکبر ولی زاده لاکه و شهربانو اریافر هر یک سه دانگ از شش دانگ انتقال یافته است. سپس تمامی مورد ثبت برابر سند قطعی شماره ۹۴۷۰۴ مورخ ۹۱/۰۶/۱۹ دفتر ۴۲۲ تهران به خانم مهرانگیز فجرک انتقال یافته و بموجب سند شماره ۹۴۷۰۵ مورخ ۹۱/۰۶/۱۹ دفتر ۴۲۲ تهران در رهن بانک ملت می باشد سپس بعلت (اثاث کشی) سند مالکیت خود را گم نموده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اسناد مالکیت آن نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این اداره ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. اصل سند مالکیت پس از ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد و به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی، المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد.
۱۰۸۵۲ م الف — رییس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرآرا تهران – کمال شاکری
شناسه آگهی ۱۹۲۰۳۱۱

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه ورثه خانم فرخنده منظور آقا فرزند حسین با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ۳۱۷۰۴ – مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۳ دفترخانه ۱۱۲ تهران و درخواست وارده ۵۱۰۰۲۱۵۴ مورخ ۱۴۰۴/۲/۷ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است، مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
نام و نام خانوادگی مالک: فرخنده / منظورآقا فرزند حسین
شماره پلاک ثبتی: ۱۳۴۴۳ فرعی از ۴۸ اصلی
علت گم شدن: جابجایی
یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱۳۴۴۳ فرعی از ۴۸ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۶۷۲۲ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه ۱ و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک لویزان تهران استان تهران به مساحت ۱۲۴/۴۸ متر مربع
مالکیت فرخنده / منظورآقا فرزند حسین شماره شناسنامه ۱۷۷ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۶۷۰۹۰ تاریخ ۱۳۷۴/۰۸/۲۵ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۰۸۸۶۵۵ سری سال که در صفحه ۴۶۶ دفتر املاک جلد ۸۵۰ ذیل شماره ۲۴۶۸۵۰ ثبت گردیده است.
و بعلت جابجایی مفقود گردیده فلذا درخواست صدور المثنی سند مالکیت پلاک موصوف را نموده اند. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور می باشد و یا ادعای وجود اصل سند مالکیت نزد خود را دارد، از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند پس از رویت و ملاحظه به ارائه کننده آن اعاده خواهد شد. ضمنا به اعتراضات بدون سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود. النهایه در صورت عدم وصول اعتراض ظرف مهلت مقرر قانونی، المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد.
۱۰۸۵۱ م الف — رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران – ابوالفضل تریوه
شناسه آگهی ۱۹۲۰۳۰۸

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تویسرکان

نظر باینکه هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک تویسرکان به موجب رای شماره ۱۴۰۳۳۶۰۳۲۶۰۰۴۰۱۰۰۱۱۹۱۳ به تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ تصرف مالکانه خانم شهین بانو فضلی فرزند محمد حسین متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۰۴۰۰۰۰۹۹۳ در قسمتی از شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۵۱۱/۰۷ مترمربع پلاک شماره ۶۳ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ۳ تویسرکان محرز گردیده است لذا مفاد رأی صادره باستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تویسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد ضمناً صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد . م الف: ۱۱۸۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۱۰
محمد علی جلیلوند – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

خرده حادثه

انفجار مرگبار کارخانه وانار پارسیان در اصفهان

در انفجاری که در کارخانه وانار پارسیان میمه در استان اصفهان رخ داد، دو کارگر کشته و یک نفر زخمی شدند

بر اثر انفجـار در کارخانه اوانار پارسـیان میمه که در زمینـه تولید محصولات مخصوص آتش بازی و نورافشـانی در شهرستان شاهین شـهر استان اصفهان فعالیت دارد، دو کارگـر جان خود را از دسـت دادند و یک کارگـر دیگر دچار سـوختگی شـد. منصور شیشـه‌فروش (مدیرکل مدیریت بحران اسـتانداری اصفهان) در مورد این حادثه اعلام کرد: بر اثر این حادثه که حوالی ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز سه‌شنبه ۹ اردیبهشت در سوله شـرکت اوانار پارسیان واقع در بخش میمه شهرستان شاهین‌شهر و میمه رخ داد، یک نفر در جا جان باخت و یک نفر دیگر حین انتقال به بیمارسـتان جان خود را از دسـت داد. در عین حال کارگر مصدوم نیز از طریق اورژانس هوایی به بیمارستان منتقل شد.

قتل هولناک پدر با چکش در حمام خانه

پسری که پدر خود را به قتل رسـانده بود، توسـط کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ دستگیر شد.

دوشنبه هفتم اردیبهشت‌ماه، وقوع قتل مردی سالخورده را در خانه‌ای در حوالی میدان ولی‌عصر(عج) تهران به قاضی موسـی رضازاده؛ بازپرس ویژه قتل شعبه دوم دادسرای جنایی تهران گزارش داده شد. طولی نکشید که ماجرای این مرگ مشکوک در بی‌سیم کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران پیچید و خیلی زود تیم بررسـی صحنه جرم راهی خانه موردنظر شـدند و تحقیقات ابتدایی را آغاز کردند. تیم جنایی با جسد مرد ۷۹ساله‌ای مواجه شدند که هدف ضربه چکش از ناحیه سـر قرار گرفته بود؛ تحقیقات ابتدایی نیز حکایت از آن داشت که مقتول توسط پسر ۴۴سـاله خود قربانی جنایت شده اسـت که قاتل خیلی زود توسط کارآگاهان اداره دهم دستگیر شد.

بررسی‌های موشکافانه نشان می‌داد قاتل که از مشـکلات روحی و روانی شدید رنج می‌برده در یک لحظه گوش پدر خود را گرفتـه و به حمام برده و در آنجا با ۲ ضربه چکش دستانش را به خون آلوده کرده است.

در ادامـه کارآگاهان جنایی اداره دهـم مأموریت یافتند بـا اقدامات اطلاعاتی، تحقیقات خود را در رابطه با این پرونده ادامه دهند.

جسـد مقتول برای معاینات دقیق‌تر به پزشـکی قانونی منتقل شد و متهم در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفت.

دستگیری قاتل فراری در دنا

مأموران پلیس اسـتان کهگیلویـه و بویراحمد موفق شـدند قاتـل متهم در شهرستان دنا را کمتر از ۱۰ ساعت پس از وقوع جرم دستگیر کنند.

این حادثه در پی تماس با مرکز فوریت‌های پلیسـی ۱۱۰ درباره درگیری منجر به قتل در روستای میمند رخ داد. مقتول، مردی ۴۷ سـاله بود که بر اثر ضربات چاقو کشته شد. با اعزام مأموران به محل و هماهنگی با مرجع قضایی، تحقیقات پلیسی به سرعت آغاز شد و با شناسـایی متهم، عملیات ضربتی برای دستگیری وی در مخفیگاهش انجام گرفت. متهم در بازجویی‌های اولیه به دلیل «اختلافات خانوادگی» به ارتکاب قتل اعتراف کرد و پس از تشـکیل پرونده به زندان منتقل شد. سردار صالحی، فرمانده انتظامی اسـتان، از همکاری مردم محلی قدردانی کرد و تأکید نمود پلیس با هرگونه اقدام مختل کننـده امنیت عمومی به‌صورت قاطع برخـورد خواهد کرد. این پرونـده جهت ادامه مراحل قانونی به دسـتگاه قضایی ارجاع شد.

نازنین عباسی در گفت‌وگو با هفت‌صبح از ماجرای تلخ قتل همسرش، کاظم مصدق محیط‌بان استان گلستان گفت

تا پای جان برای نجات طبیعت ایران

دو مظنون به قتل کاظم مصدق دستگیر شده‌اند، اما هنوز در مورد جزئیات جنایت ابهام وجود دارد

فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر سرویس حوادث

آنها برای رسـیدن به نان، جانشـان را کف دستشـان می‌گیرند. شـاید این عشـق به طبیعت ایـران اسـت که آنهـا را پای کارشان سـر پا نگه می‌دارد نه حقوق ناچیز محیط‌بانی!

اسـلحه‌ای در دسـت دارند کـه وقتی به عمق کاربرد آن فکر کنیم جای شـک باقی نمی‌ماند که بیشتر دکوری است تا وسیله‌ای برای دفاع از جان!

محیط‌بانان باید جلوی شکارچیان غیر مجاز را بگیرند اما آنها اگـر برای نجات طبیعت و دفاع از جان خودشان از این اسلحه استفاده کنند باید پاسـخگو باشـند چون حق تیر ندارند.اگر هم از اسلحه استفاده نکنند پای مرگ و زندگی‌شان به میان می‌آید.

کاظم مصدق یکی از همیـن محیط‌بانان سختکوش بود که تا پای جان برای انجام مسئولیت خود ایستاد اما سرانجام بامداد ۸ اردیبهشـت به دسـت دو شـکارچی غیرمجاز به قتل رسـید. شـکارچی گفت جلو نیا می‌زنم و زد! گویا چندان بیراه هم نگفته‌اند که شـکار حیوان باعث قساوت انسان می‌شود!

ادامه این گزارش را در گفت‌وگوی خبرنگار هفت‌صبح با نازنین عباسـی، همسر شهید مصدق بخوانید.

گفت‌وگو با همسر مقتول

» از جزئیات حادثه چیزی می‌دانید؟

شب حادثه همسرم به همراه همیار خود در حال کشـیک دادن در پارک ملی گلستان بودند که دو موتورسـوار را در حال نزدیک شدن به محل ممنوعه می‌بینند. همسرم به آنها نزدیک می‌شود اما پیش از آنکه حرفی بزند یکـی از آنها فریـاد زده و می‌گوید اگر نزدیک شوید شلیک می‌کنم.بعد بلافاصله از فاصله هشـت متری گلوله‌ای به سـمت همسـرم شـلیک می‌کند که با پهلوی او اصابت کرده بود. همسرم فقط بیست دقیقه بعد از اصابت گلوله زنده بود و بعد فوت کرد.

» همیار آقـای مصـدق در آن لحظه چه کرد؟

او سعی کرد برای شـوهرم کمک بیاورد اما از جایی کـه آنها کشـیک می‌دادند تا مقر رئیسشان حدودا دو ساعتی راه بود.

» شـکارچیان معمـولا برای شـکار چه حیوانی سراغ این منطقه می‌روند؟

فکر می‌کنم برای شکار پرنده اینجا می‌روند.

» همسـر شـما قبلا هم با شـکارچیان غیرمجاز برخورد کرده بود یا درگیر شـده بود؟

نه هرگز درگیری‌ای رخ نداده بود. او اسلحه داشت اما حق تیر نداشت و نمی‌توانست از این اسلحه استفاده کند برای همین هرگز پیش نیامده بود که اقدام به تیراندازی کند.

» او چند سال سابقه محیط‌بانی داشت؟

۱۳ سال بود که کار می‌کرد.

» شغل دوم هم داشت؟

خیر فقط به محیط‌بانی مشغول بود.

» مدرک تحصیلی او چه بود؟

کارشناسی ارشد محیط زیست داشت.

» درآمد ماهیانه‌اش چقدر بود؟

فکر می‌کنم حدود بیسـت میلیون تومان حقوق می‌گرفت.

» چند فرزند دارید؟

یک دختر سیزده سـاله و یک دختر هشت ساله دارم.

» شـکارچیان متهم به قتل همسـرتان دستگیر شده‌اند؟

دو مظنون دسـتگیر شـده‌اند امـا هنوز اعتراف نکرده‌اند و مشـخص نیسـت این افراد همان عامـلان جنایت هسـتند یا نه.من تقاضا دارم به موضوع قتل همسرم رسیدگی شـود تا هر چه سریع‌تر عاملان قتل شناسایی شوند.

دستگیری دو مظنون

فرمانده انتظامی گلسـتان از دسـتگیری دو مظنون اصلی ایـن حادثـه در یکی از روسـتاهای کلاله خبر داد. تحقیقات برای روشن شدن ابعاد این جنایت ادامه دارد.

قتل برادرزن به خاطر سلام نکردن دختر خانواده

دعوت نشدن به جشن عروسی جرقه وقوع جنایت هولناک خانوادگی را روشن کرد

با شکسته شدن حکم قصاص مرد میانسال به اتهام قتل برادر همسرش، متهم بار دیگر در شـعبه دهم دادگاه کیفری یک اسـتان تهران از خود دفاع کرد.

اواسـط سـال ۱۴۰۱ صـدای درگیری و شکسته شدن شیشـه پنجره‌ها از خانه‌ای واقع در یکی از محله‌های ورامین بلند شد. دقایقی بعد صدای آژیر آمبولانس در کوچه پیچید و مرد جوانی به نـام مجید که مورد اصابـت ضربات چاقـو قرار گرفتـه بود به بیمارستان منتقل شد.

اقدامات درمانی بـرای نجات جان مجید در بیمارستان آغاز شد اما شدت جراحت زیاد بوده و منجر به مرگ او شـد.به این ترتیب رسـیدگی به موضوع وارد فاز جنایی شده و مشخص شـد عامل جنایت شوهر خواهر مجید به نام بهرام است.

به این ترتیب بهرام ۵۷ سـاله بازداشـت شده و در بازجویی‌ها به درگیری خونین با برادرزنش در جدال خانوادگی اعتراف کرد. در شـعبه دهم دادگاه کیفری یک اسـتان تهران از خود دفاع کرد.

در اولین جلسه رسـیدگی قاضی از دختر متهم که در صحنه درگیری حضور داشـت خواسـت تا به عنوان گواه به تشـریح آنچه دیده‌اند بپردازند. دختر قربانی نیز اظهارات برادر و عمویش را تکرار کرد و گفت:«هفته قبل از حادثه عروسـی یکی از اقوام درجه یک مادرم بود.پدرم گمـان می‌کرد دعوت نمی‌شـود و حتی به عنوان هدیه سکه طلا خریده بود اما دعوت نشد.از آن روز در خانه بداخلاق شـده بود.من و مادرم به عروسی رفته بودیم و پـدرم به ما می‌گفـت نباید می‌رفتید.تا اینکه روز حادثـه من از بیرون به خانه رسیدم و پدرم به من پرخاش کرد و گفت چرا سلام نکردی.سر همین شروع به دعوا با من و مادرم کرد.من برای اینکه دعوا تمام شـود به عمو و دایی‌هایم زنگ زدم اما فکر نمی‌کردم اینطور شود.»

دفاع متهم

سپس بهرام در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: قبول دارم برادر زنم را کشتم. اما من در دفاع از خودم دسـت به چنین کاری زدم.آنها به خانه من حملـه کردند و مـرا کتک زدند. با چوب بـه صورتم زدند متهـم ادامه داد: من حتی فکر کردم تیغه چاقو با دسـت او برخورد کرده. به همین خاطر به پسرم گفتم دایی‌اش را به بیمارستان برساند.

ق قاضی گفت: لحظه‌ای که چاقو کشیدی برادر زنت به سمت تو حمله کرد؟

متهم پاسخ داد: نه او با چوب ضربه سنگینی بـه صورتم زده بـود که صورتم متلاشـی شد.من قصد کشـتن برادرزنم را نداشتم و چاقو را از کشو بیرون آوردم تا او را بترسانم و از خودم دور کنم.

در پایان جلسـه قضات وارد شـور شدند و با توجه بـه مدرک‌های موجـود در پرونده ادعای متهـم مبنی بـر دفاع مشـروع را نپذیرفته و او را به قصـاص محکوم کردند. با اعتـراض متهم و وکیلش بـه حکم صادر شـده، پرونده در دیوان عالی کشـور تحت رسـیدگی قـرار گرفـت و قضات شـعبه ۵۱دیوان عالی کشور با توجه به دلایل ارایه شده حکم قصاص را شکستند تا تحقیقات درباره ادعای متهم مبنی بر دفاع مشروع در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران از سر گرفته شود.

رسیدگی مجدد

در این جلسـه رسـیدگی متهم بـار دیگر ادعا کرد قصد ضربه زدن به دسـت مقتول را داشـته تا جلـوی حمله او بـا چماق را بگیرد.

قاضی بـه او گفت:«قبلا گفتـه بودی برادر خودت در درگیری حضور داشـت و میان تو و مقتول قرار گرفت تـا جلوی حمله او را بگیرد.پس چرا دست به چاقو شدی؟»

متهم گفت:«برادر من دیسـک کمر دارد و من نگرانش بودم.می‌خواسـتم خودم را از آسیب دور نگهدارم اما چون ضربه چوب به سرم خورد و منگ شدم دیگر نفهمیدم چه شد.بعد هم بیهوش شدم.»

در این لحظه مـادر مقتـول گفت:«متهم بیهوش نشده بود و حتی با ماشین خودش تا نزدیک بیمارستان هم آمد.»

قضـات دادگاه بعد از شـنیدن دفاع متهم برای صدور رأی وارد شور شدند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

لغت‌یابی

توضیح

کلماتی که بر اسـاس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: ابقا، ارزن، اسام، باگت، تغار، دوما، زشتی، سوزن

۵ حرفی: اشباح، انتها، انحنا، انگور، براده، بوتان، تغابن، تقاضا، خدایی، زنگ ها، سبکسر، غفران، مرایا، یکسان

۶ حرفی: اقاقیا، ایرلند، رخساره، سیلندر

۷ حرفی: تاسیسات، عهد بزرگ

۸ حرفی: استثنایی، حق به جانب، سیاه بازی، موناوانا

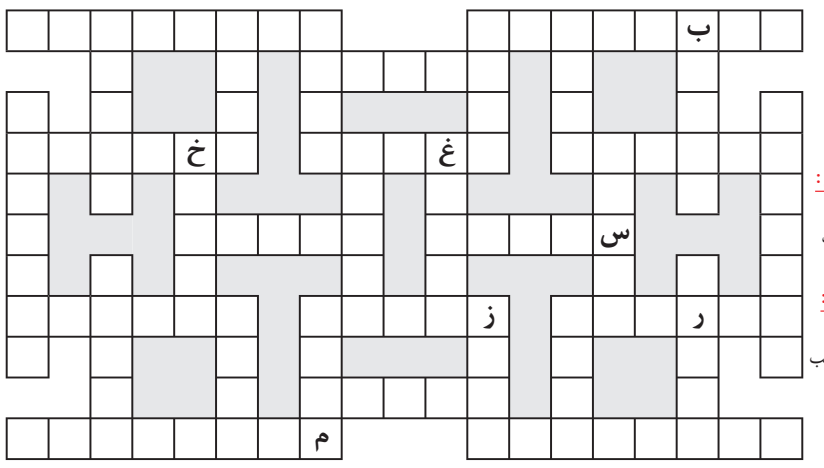

جدول شرح در متن

جدول کلمات متقاطع

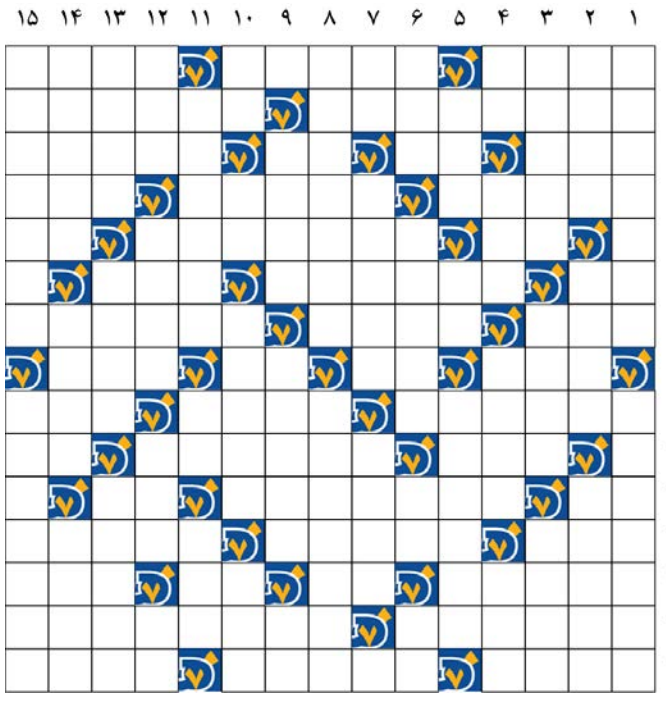

افقی

۱- پیشوا و امام- آنچه در وسط باشد- ده هزار متر مربع از زمین
۲- غده فوق کلیوی- یکی از ورزشکاران
۳- امر بـه آمدن- اصفهـان قدیم- خم کاغذ- خدای نور یونان قدیم
۴- اسـب تنـدرو- مجموعـه ظـروف غذاخوری- اسباب خانه
۵- حرف پیروزی- عهدنامه- پریشان
۶- رمزینه- ینگه دنیا- پرچم و بیرق
۷- از حیوانات- نشانه‌های الهی- تمرین
۸- بلندترین نقطه- برجی در فرانسـه- حرف S- کوچکترین قمر مشتری
۹- پدربـزرگ داریوش کبیـر- روانه و فرستاده- نشانه تیر
۱۰- هنر فرنگی- فراوانی و کثرت- دانه‌ای خوشبو
۱۱- موضوع و زمینه- ورزش توپ و تور- از غذاهای ایرانی
۱۲- شیار زراعی- بی بهره از نزاکت- فاقد شغل
۱۳- آنکه به رعایت و پیروی از شرع بسیار پای‌بند اسـت.- کافی- ضمیر فرانسوی- شهر صنعتی آلمان
۱۴- مرتب و منظم- از آثار تاریخی همدان
۱۵- آنکه بر سر عمامه می‌بندد- دومین عدد دورقمی- از ماه های میلادی

عمودی

۱- کاشف عامل بیماری سل- بو کشیدن
۲- چشم روشنی و تحفه- بسیار گردنده- اختراع کننده
۳- تحسین فرنگی- ساعی- حس بویایی
۴- رود فرانسه- کلام پرسشی- از وسایل نظافت- درس کشیدنی
۵- خشـت پخته- شـما و من- پیروی کردن
۶- مردمی- متقارن- قدم یک پا- خطاب بی‌ادبانه
۷- حـرف دهن‌کجـی- مجموعـه تلویزیونی- مقابل ذهاب
۸- استراحت بین دو پرده نمایش- از آثار تاریخی کرمان
۹- قلعه و حصار- وسایل- اثر پا
۱۰- کلاه فرنگـی- عنصـر تیروئیـد- پاسخگو- پول نقد
۱۱- مریض- پایمال شده- ماشین دارد
۱۲- ماشین صحرا- تسمه چرمی- سنگ باران‌ساز جادوگران- پایتخت ایتالیا
۱۳- آداب و سنن- کنجد کوبیده- بردبار و صابر
۱۴- جو دوسـر- سخت نیسـت- میوه هزاردانه
۱۵- بیماری تنفسـی- یکی از شهرهای تاریخی در ایتالیا

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

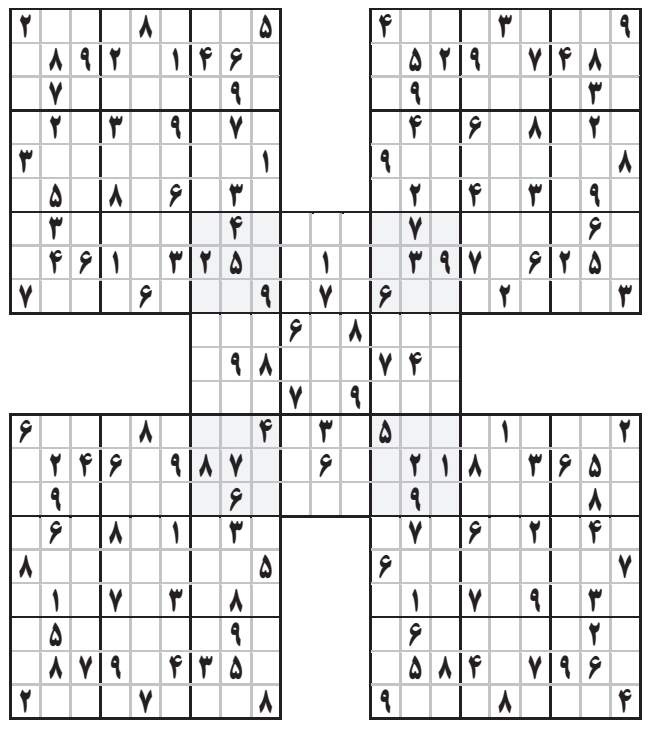

جدال چین و فرانسه در بازار ایران

بررسی و مقایسه دو کراس‌اوور کارکرده محبوب

متین شیری
هفت‌صبح

در بازار خودروی ایران، با بودجه‌ای در حدود ۱.۵ میلیارد تومان، دو گزینه برجسته برای خریداران وجود دارد: جک S۵ نیوفیس، یک کراس‌اوور مونتاژی چینی با امکانات به‌روز و رنو کپچر ۲۰۱۶، یک خودروی وارداتی اروپایی با کیفیت ساخت بالا. هر دو خودرو در کلاس کراس‌اوورهای جمع‌وجور قرار می‌گیرند و با ویژگی‌های خاص خود، توجه خریداران را جلب کرده‌اند.

طراحی و ظاهر

جک S۵ نیوفیس با طراحی الهام‌گرفته از هیوندای توسان، جلوپنجره‌ای بزرگ و چراغ‌های LED، ظاهری مدرن و جذاب دارد. در نسخه نیوفیس، تغییراتی در سپر جلو و مه‌شکن‌ها اعمال شده که به‌روزرسانی ظاهری خودرو را نشان می‌دهد. ابعاد این خودرو شامل طول ۴۴۷۵ میلی‌متر، عرض ۱۸۴۰ میلی‌متر و ارتفاع ۱۶۸۰ میلی‌متر است که فضای مناسبی برای سرنشینان فراهم می‌کند. رینگ‌های ۱۸ اینچی آلومینیومی نیز به پایداری و جذابیت بصری آن افزوده‌اند.
رنو کپچر ۲۰۱۶ با طراحی اروپایی، خطوط نرم و جلوپنجره کرومی، ظاهری شیک و دلنشین دارد. سقف دو رنگ و چراغ‌های LED جلو و عقب، به جذابیت بصری آن افزوده‌اند. ابعاد این خودرو شامل طول ۴۱۲۲ میلی‌متر، عرض ۱۷۷۸ میلی‌متر و ارتفاع ۱۵۶۶ میلی‌متر است که آن را به یک کراس‌اوور جمع‌وجور شهری تبدیل می‌کند. رینگ‌های ۱۷ اینچی آلومینیومی نیز به پایداری و زیبایی آن کمک می‌کنند.

تجربه رانندگی و حس مالکیت

جک S۵ نیوفیس، با موتور ۱.۵ لیتری توربوشارژ و گیربکس دوکلاچه، شتاب‌گیری مناسبی را ارائه می‌دهد؛ اما در شرایط رانندگی شهری، به‌ویژه در ترافیک‌های سنگین، گیربکس دوکلاچه ممکن است با تأخیر در تعویض دنده‌ها مواجه شود. سیستم تعلیق این خودرو نسبتا خشک است و در عبور از دست‌اندازها، ضربات را به کابین منتقل می‌کند. همچنین، صدای موتور در سرعت‌های بالا به داخل کابین نفوذ می‌کند که ممکن است برای برخی رانندگان ناخوشایند باشد.
در مقابل، رنو کپچر ۲۰۱۶ با موتور ۱.۲ لیتری توربوشارژ و گیربکس دوکلاچه EDC، سواری نرم‌تری را ارائه می‌دهد. سیستم تعلیق این خودرو به‌خوبی ضربات ناشی از ناهمواری‌های جاده را جذب می‌کند و عایق‌بندی کابین نیز در سطح قابل قبولی قرار دارد. فرمان برقی کپچر دقت مناسبی دارد و در پیچ‌ها، کنترل خوبی را فراهم می‌کند. با این حال، تأخیر اولیه توربو در شتاب‌گیری ممکن است در برخی مواقع احساس شود.

بازار دست‌دوم و ارزش خرید

جک S۵ نیوفیس به عنوان یک محصول مونتاژی کرمان موتور، بازار نسبتا پررونقی در خرید و فروش دست‌دوم دارد. وفور قطعات، نمایندگی‌های گسترده و دسترسی آسان به خدمات پس از فروش باعث شده با وجود چینی بودن، افت قیمت آن نسبت به بسیاری از هم‌رده‌هایش کمتر باشد اما چالش اصلی، بی‌اعتمادی بخشی از خریداران نسبت به دوام فنی در درازمدت و گیربکس دوکلاچه آن است که در شرایط رانندگی شهری داغ می‌شود. از سوی دیگر، رنو کپچر با وجود وارداتی بودن، در بازار دست‌دوم محبوبیت خاصی دارد. اصالت برند رنو، کیفیت ساخت بالا و سواری دلچسب باعث شده خریداران خاص‌پسند به سراغ آن بیایند. با این حال، قیمت قطعات گران و حساسیت خودرو به کیفیت بنزین، باعث شده بعضی خریداران از انتخاب آن در سال‌های اخیر منصرف شوند. البته اگر به‌درستی نگهداری شود، ارزش خرید و دوام سرمایه بالاتری نسبت به رقبای چینی دارد.

نتیجه‌گیری نهایی

اگر به دنبال یک کراس‌اوور با ظاهر جذاب، امکانات رفاهی کامل، خدمات پس از فروش گسترده و هزینه اولیه کمتر هستید، جک S۵ نیوفیس انتخاب مناسبی برای کاربری خانوادگی و شهری است. اما باید ریسک استهلاک بالاتر و کیفیت پایین‌تر مونتاژ را بپذیرید. در عوض، اگر اولویت شما کیفیت ساخت اروپایی، سواری نرم، امنیت بالا و برند معتبر است و مشکلی با هزینه نگهداری بالاتر ندارید، رنو کپچر انتخابی مطمئن‌تر و با کلاس‌تر خواهد بود. انتخاب میان این دو بستگی به ترجیح شما میان ظاهر فریبنده یا اصالت مهندسی دارد. البته اگر بخواهیم که صادقانه‌تر بگوییم یکی دیگر از معیارهایی که در کپچر دست بالاتر را دارد، حفظ ارزش مادی در درازمدت نسبت به جک است، کمااینکه در حال حاضر نیز ۱۲ سال از تولید جک گذشته، اما تولید کپچر به ۹ سال پیش باز می‌گردد، اما این دو خودرو از نظر قیمتی در یک رده قیمتی قرار دارند، اما با توجه به وضعیت کشور و سابقه بازار ایران احتمال ۱۰ سال دیگر قیمت کپچر از جک بالاتر خواهد بود، شاید با خود بگویید که ۱۰ سال دیگر عمر این خودروها مناسب اسقاط است و حق با شماست اما خب اگر شرایط به منوال کنونی یا بدتر پش رود، بهتر است که نه‌تنها برای انتخاب از میان این دو خودرو بلکه برای خرید هر خودرو و کالایی به این موضوع دقت کنید، تا در آینده و این اقتصاد تورمی متضرر نشوید.

فضای داخلی و امکانات رفاهی

جک S۵ نیوفیس دارای کابینی با صندلی‌های چرمی، نمایشگر لمسی ۸ اینچی، سیستم تهویه مطبوع دوگانه، سانروف و امکاناتی مانند کروز کنترل، دوربین عقب و سنسورهای پارک است. فضای داخلی جادار و صندوق عقب ۵۰۵ لیتری، آن را برای خانواده‌ها مناسب می‌سازد. همچنین، سیستم ورود و استارت بدون کلید، فرمان برقی حساس به سرعت و سیستم مولتی‌مدیا با قابلیت اتصال به بلوتوث و Android Auto از دیگر ویژگی‌های رفاهی آن است. رنو کپچر ۲۰۱۶ با صندلی‌های پارچه‌ای با طراحی خاص، نمایشگر لمسی ۷ اینچی، سیستم تهویه مطبوع اتوماتیک و امکاناتی مانند کروز کنترل، دوربین عقب و سنسورهای پارک، تجربه‌ای راحت و دلنشین را فراهم می‌کند. صندوق عقب ۳۷۷ لیتری آن، برای استفاده‌های روزمره کافی است. همچنین، سیستم استارت دکمه‌ای هوشمند، کارت قفل و استارت هوشمند رنو، آینه‌های جانبی برقی و تاشونده با گرمکن و سیستم صوتی با کیفیت از دیگر امکانات رفاهی آن محسوب می‌شوند.

مشخصات فنی و عملکرد

جک S۵ نیوفیس مجهز به موتور ۱.۵ لیتری توربوشارژ با قدرت ۱۷۱ اسب بخار و گشتاور ۲۵۱ نیوتن‌متر است. این نیرو از طریق گیربکس ۶ سرعته دوکلاچه به چرخ‌های جلو منتقل می‌شود. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعت آن حدود ۱۱ ثانیه و مصرف سوخت ترکیبی آن ۷.۵ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است. حداکثر سرعت این خودرو به ۱۹۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد. سیستم تعلیق جلو مک‌فرسون و عقب فنر پیچشی نیمه‌مستقل است که راحتی و پایداری مناسبی را فراهم می‌کند.
در مقابل، رنو کپچر ۲۰۱۶ با موتور ۱.۲ لیتری توربوشارژ، قدرت ۱۲۰ اسب بخار و گشتاور ۱۹۰ نیوتن‌متر را ارائه می‌دهد. گیربکس ۶ سرعته دوکلاچه EDC، انتقال قدرت به چرخ‌های جلو را انجام می‌دهد. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعت آن حدود ۱۰.۹ ثانیه و مصرف سوخت ترکیبی آن ۵.۹ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است. حداکثر سرعت این خودرو به ۱۹۲ کیلومتر در ساعت می‌رسد. سیستم تعلیق جلو مک‌فرسون و فرمان برقی نیز از دیگر ویژگی‌های فنی آن است.

استهلاک و هزینه‌های نگهداری

جک S۵ نیوفیس با بهره‌گیری از موتور توربوشارژ و گیربکس دوکلاچه، عملکرد فنی قابل قبولی ارائه می‌دهد. با این حال، این ترکیب فنی نیازمند نگهداری دقیق و منظم است. تعویض به‌موقع روغن موتور، فیلترها و استفاده از قطعات با کیفیت، برای جلوگیری از بروز مشکلات جدی ضروری است. در صورت عدم رعایت این موارد، هزینه‌های تعمیراتی مانند تعویض توربوشارژر یا گیربکس می‌تواند به مبالغ قابل توجهی برسد. رنو کپچر ۲۰۱۶ به دلیل طراحی مهندسی دقیق‌تر و کیفیت ساخت بالاتر، استهلاک کمتری نسبت به جک S۵ دارد. سرویس‌های دوره‌ای منظم و استفاده از قطعات اصلی، می‌تواند عمر مفید خودرو را افزایش دهد و هزینه‌های نگهداری را کاهش دهد. با این حال، هزینه‌های تعمیراتی در صورت بروز مشکلات فنی، به دلیل وارداتی بودن قطعات، ممکن است بالاتر باشد.

حساسیت به کیفیت بنزین

جک S۵ نیوفیس به دلیل استفاده از موتور توربوشارژ، به کیفیت بنزین حساس است. استفاده از بنزین با اکتان پایین می‌تواند منجر به کاهش عملکرد موتور، افزایش مصرف سوخت و حتی آسیب به قطعاتی مانند توربوشارژر شود. در مناطقی که دسترسی به بنزین با کیفیت بالا محدود است، این موضوع می‌تواند به یک چالش جدی برای مالکان تبدیل شود. رنو کپچر ۲۰۱۶ نیز با موتور توربوشارژ، نیازمند استفاده از بنزین با کیفیت مناسب است. با این حال، به دلیل طراحی مهندسی دقیق‌تر و سیستم‌های پیشرفته‌تر مدیریت موتور، حساسیت کمتری نسبت به جک S۵ دارد. استفاده از بنزین با کیفیت مناسب و رعایت سرویس‌های دوره‌ای، می‌تواند عملکرد بهینه موتور را تضمین کند.

کیفیت ساخت و تجربه رانندگی

جک S۵ نیوفیس نسبت به نسل قبلی خود پیشرفت‌های محسوسی در کیفیت مونتاژ، جنس داشبورد و قطعات کابین داشته است. با این حال، همچنان در برابر رقبای وارداتی، جای پیشرفت دارد. صدای موتور در سرعت‌های بالا به داخل نفوذ می‌کند و سیستم تعلیق روی دست‌اندازهای متوالی ضربات را کامل جذب نمی‌کند. همچنین کیفیت مواد مصرفی در کابین مانند روکش صندلی‌ها، در درازمدت مستعد فرسایش هستند. در مقابل، رنو کپچر ۲۰۱۶ با کیفیت ساخت بسیار بالاتر، دوام بیشتر قطعات کابین، عایق‌بندی صوتی بهتر و سیستم تعلیق نرم‌تر، تجربه‌ای لوکس‌تر و آرام‌تر را ارائه می‌دهد. هرچند در بازار ایران قطعات یدکی آن گران‌تر هستند اما در طول زمان نیاز کمتری به تعمیرات مکرر دارد. به طور کلی، کپچر خودرویی کم‌استهلاک‌تر محسوب می‌شود، البته به شرط استفاده از سوخت مرغوب و سرویس منظم.

بررسی نهایی از نظر استهلاک

در مجموع، جک S۵ نیوفیس با وجود قیمت مناسب‌تر و امکانات رفاهی قابل قبول، نیازمند نگهداری دقیق‌تر و حساسیت بیشتری به کیفیت بنزین است. در مقابل، رنو کپچر ۲۰۱۶ با کیفیت ساخت بالاتر و استهلاک کمتر، گزینه‌ای مناسب‌تر برای افرادی است که به دنبال خودرویی با دوام بیشتر و هزینه‌های نگهداری کمتر هستند. با این حال، هزینه‌های تعمیراتی بالاتر و دسترسی محدودتر به قطعات یدکی، از چالش‌های احتمالی مالکیت این خودرو محسوب می‌شود.

ایمنی و تجهیزات حفاظت

جک S۵ نیوفیس در بخش ایمنی با تجهیزاتی مانند ۴ ایربگ (راننده، سرنشین و جانبی جلو)، سیستم ترمز ABS، EBD، کنترل پایداری (ESC)، کنترل شروع حرکت در سربالایی (HAC) و سیستم ضدسرقت ایموبلایزر، سطح قابل قبولی از ایمنی را ارائه می‌دهد. سیستم کنترل فشار باد تایر (TPMS) نیز به‌صورت استاندارد روی خودرو نصب شده است. با این حال، نبود ایربگ‌های پرده‌ای یا سیستم هشدار تصادف از نقاط ضعف این خودرو است که در خودروهای رقیب وارداتی دیده می‌شود. به‌طور کلی، ایمنی آن در سطح خودروهای میان‌رده بازار است. در طرف دیگر، رنو کپچر با ۶ ایربگ (دو ایربگ جلو، جانبی و پرده‌ای)، ترمز ABS و EBD، سیستم کنترل کشش (TCS) و پایداری الکترونیکی (ESP)، عملکرد قوی‌تری در بخش ایمنی دارد. سیستم هشدار نقطه کور، ترمز اضطراری خودکار و کنترل حرکت در سراشیبی از دیگر ویژگی‌هایی هستند که استانداردهای ایمنی اروپایی را در این خودرو منعکس می‌کنند. همین ویژگی‌ها باعث شده کپچر در تست‌های ایمنی یورو ان کپ، ۵ ستاره کامل را کسب کند.

آمپر

بیشترین افزایش داخلی

۱	دنا پلاس ۶ دنده توربو – ۱۴۰۴	+۲۱۵	۱،۱۶۵ میلیون تومان
۲	پژو ۲۰۷i دنده‌ای – ۱۴۰۳	+۱۶۵	۸۹۰ میلیون تومان
۳	دنا پلاس ۶ دنده توربو – ۱۴۰۳	+۱۵۰	۱،۰۲۰ میلیون تومان
۴	ساینا دنده‌ای S – ۱۴۰۳	+۷۰	۵۶۵ میلیون تومان
۵	پژو ۲۰۶ تیپ ۲ – ۱۴۰۲	+۳۰	۷۱۵ میلیون تومان

بیشترین کاهش داخلی

۱	سمند سورن ELX – ۱۴۰۴	-۲۲۰	۷۰۵ میلیون تومان
۲	پژو ۲۰۷i دنده‌ای – ۱۴۰۴	-۸۵	۹۱۵ میلیون تومان
۳	کوییک دنده‌ای ساده – ۱۴۰۴	-۱۵	۴۹۰ میلیون تومان
۴	کوییک دنده‌ای ساده – ۱۴۰۳	-۱۰	۴۸۵ میلیون تومان
۵	کوییک دنده‌ای S – ۱۴۰۴	-۱	۴۸۵ میلیون تومان

بیشترین افزایش خارجی

۱	کی‌ام‌سی Ej۷ – ۱۴۰۲	+۶۰۰	۱،۹۵۰ میلیون تومان
۲	فیدلیتی پرایم ۷ نفره – ۱۴۰۳	+۷۰	۲،۱۲۰ میلیون تومان
۳	کستریم TXL ۲.۰ لیتر – ۱۴۰۳	+۵۰	۳،۸۵۰ میلیون تومان
۴	اموی‌ام X۵۵ Pro IE – ۱۴۰۲	+۵۰	۱،۶۰۰ میلیون تومان
۵	فیدلیتی پرایم ۷ نفره – ۱۴۰۴	+۳۰	۲،۰۹۰ میلیون تومان

بیشترین کاهش خارجی

۱	تویوتا لوین هیبرید – ۱۴۰۱	-۶۰۰	۲،۸۵۰ میلیون تومان
۲	لاماری ایما هیبرید – ۱۴۰۳	-۸۰	۲،۵۶۰ میلیون تومان
۳	هایما S۷ پلاس – ۱۴۰۳	-۴۰	۱،۸۰۹ میلیون تومان
۴	کی ام سی T۹ – ۲لیتر – ۱۴۰۴	-۲۰	۲،۸۸۰ میلیون تومان
۵	دیگنیتی پرستیژ – ۱۴۰۴	-۱۰	۲،۷۲۰ میلیون تومان

چراغ چک

بازار خودرو افسار گسیخته؛ نه جان خرید دارد، نه توان سقوط

در روزهایی که دلار عقب‌نشینی کرده، اکثر بازارها در گیر رکود سنگین هستند و طلا روند کاهشی دارد، بازار خودرو بی‌اعتنا به همه چیز، راه خودش را می‌رود. نه از سقوط می‌ترسد، نه از ثبات خوشحال می‌شود. گاهی با جهشی عجیب به مرزهای تخیل نزدیک می‌شود و گاهی در رکودی مطلق دست و پا می‌زند. بازار خودرو حالا نه سقف دارد، نه کف. نه مسیر دارد، نه مقصد. فقط سرگردانی مطلق.
تنها دو سال از زمانی می‌گذرد که خودرو یکی از گزینه‌های محبوب برای حفظ ارزش پول بود. مردم در مواجهه با تورم، آن را به‌عنوان پناهگاهی مطمئن می‌دیدند اما حالا، این بازار هم از آن نقش سنتی خودش فاصله گرفته. دیگر نه خریدار مطمئنی مانده، نه فروشنده‌ای که بداند چه می‌فروشد. بازار خودرو عملا تبدیل شده به صحنه‌ای از یک بازی روانی؛ جایی که احساسات جمعی، جای تحلیل را گرفته‌اند.
وضعیت امروز خودرو، بیش از آنکه نتیجه یک عامل اقتصادی باشد، حاصل بی‌ثباتی تصمیم‌گیری‌ها، اطلاعات قطره‌چکانی و سردرگمی عمومی است. مردم نمی‌دانند خودرو بخرند یا صبر کنند. قیمت بالا برود یا پایین بیاید، مهم نیست؛ آنچه این بازار را فلج کرده، فروپاشی اعتماد است. دیگر هیچ‌کس نه به بازار ایمان دارد، نه به سیاست‌گذار. همه فقط نظاره‌گرند؛ و نظاره‌گر بودن، در اقتصادی که تورم لحظه‌ای دارد، یعنی ضرر قطعی.
کسی دیگر به تحلیل‌های تکنیکال یا خبرهای روز اهمیت نمی‌دهد. شاید یک شایعه از توئیتر یا اینستاگرام بتواند بازاری را تکان دهد یا شاید یک سیل رسانه‌ای هم نتواند بازار را تکان دهد. نه سفته‌بازها تحلیل می‌کنند، نه خریداران عادی می‌دانند چه می‌خواهند. همه منتظرند تا ببینند بقیه چه می‌کنند. و این یعنی ما با یک بازار بدون لیدر طرفیم؛ بازاری که از هیچ سیگنالی پیروی نمی‌کند. شاید برای اولین‌بار، بازار خودرو نه آینه‌ای از آینده اقتصاد که نمادی از گم‌گشتگی آن شده است. جایی که تصمیم‌گیری نه بر پایه داده، بلکه بر اساس حدس و ترس شکل می‌گیرد. و این نشانه‌ای خطرناک است: اینکه سرمایه اجتماعی در بازارها، آرام‌آرام در حال فروریختن است.
در این وانفسا، حتی خودِ خودرو هم از یک کالای مصرفی یا سرمایه‌ای، تبدیل شده به نمادی از آشوب عمومی؛ کالایی که دیگر نه کسی با میل می‌خرد، نه با اعتماد می‌فروشد. تنها چیزی که باقی مانده، انتظار است و هیچ بازاری با انتظار، نمی‌چرخد.

لرزش ترمز در سرعت بالا: تحلیل علل و راهکارهای پیشگیرانه

یکی از رایج‌ترین مشکلاتی که رانندگان هنگام ترمز گرفتن در سرعت‌های بالا تجربه می‌کنند، لرزش خودرو است؛ لرزشی که گاهی در پدال ترمز احساس و گاهی به فرمان منتقل می‌شود. این پدیده، برخلاف تصور عموم، ارتباط مستقیمی با نحوه رانندگی دارد و نشانه‌ای است از فرسودگی یا تغییر شکل در اجزای سیستم ترمز، به‌ویژه دیسک. وقتی دیسک ترمز تاب برمی‌دارد و سطح آن از حالت یکنواخت خارج می‌شود، تماس لنت با آن به‌درستی انجام نمی‌شود و این ناهماهنگی، لرزش ایجاد می‌کند. یکی از دلایل اصلی این اتفاق، گرم شدن بیش از حد دیسک ترمز است؛ مشکلی که اغلب در شرایط رانندگی شهری، ترافیک‌های مداوم یا در جاده‌های کوهستانی و سراشیبی رخ می‌دهد. در چنین مواقعی، راننده ناچار است بارها و بارها ترمز بگیرد و این ترمزگیری‌های مکرر، باعث افزایش دمای دیسک می‌شود. اگر خنک‌کاری به‌درستی انجام نشود، دیسک تغییر شکل می‌دهد و همین موضوع باعث تاب برداشتن و بروز لرزش می‌شود. اما خبر خوب این است که می‌توان با تغییر در شیوه رانندگی، از این اتفاق جلوگیری کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات، رعایت فاصله مناسب با خودروی جلویی و پرهیز از ترمزهای ناگهانی است. وقتی راننده فرصت دارد که سرعت خود را به‌آرامی کم کند، دیگر نیازی به فشار ناگهانی روی ترمز نیست و همین موضوع به کاهش استهلاک سیستم کمک می‌کند. همچنین استفاده از دنده سنگین به‌ویژه در سراشیبی‌ها باعث می‌شود بخشی از فرآیند کاهش سرعت به‌عهده موتور باشد و فشار کمتری به ترمز وارد شود.
نکته مهم دیگر، استفاده از قطعات باکیفیت و استاندارد است. دیسک‌ها و لنت‌های ارزان‌قیمت که با ظاهر فریبنده و قیمت پایین عرضه می‌شوند، معمولا از مواد اولیه نامرغوب ساخته شده‌اند و در برابر گرما مقاومت کافی ندارند. درنتیجه خیلی زود تغییر شکل می‌دهند و هزینه‌های مضاعفی به راننده تحمیل می‌کنند.

تعمیرگاه

کلاس خودرو

هایپرکار؛ جایی که مهندسی بی‌مرز آغاز می‌شود

در دنیای پرهیاهوی صنعت خودروسازی، دسته‌ای از خودروها هستند که نه برای خیابان‌های شلوغ طراحی شده‌اند و نه حتی برای پیست‌های معمولی. این دسته که با نام «هایپرکار» شناخته می‌شوند، نماد نهایی از قدرت، فناوری و جاه‌طلبی در طراحی خودرو هستند؛ سگمنتی فراتر از سوپرکار که در آن مهندسان و طراحان مرزهای رایج مهندسی را پشت سر می‌گذارند. هایپرکارها برخلاف خودروهای اسپرت یا سوپرکارهای متداول، در تعداد بسیار محدود تولید می‌شوند، قیمت‌هایی نجومی دارند و معمولا در اختیار کلکسیونرها، سرمایه‌گذاران خاص یا برندهایی هستند که دنبال اعتبار تکنولوژیک‌اند. آنچه یک خودرو را وارد این سگمنت می‌کند، فقط سرعت بالا نیست؛ بلکه ترکیبی از شتاب‌گیری خارق‌العاده، فناوری‌هایی برگرفته از فرمول یک، استفاده از متریال‌های فوق سبک و طراحی‌های آیرودینامیک رادیکال است. بوگاتی شیرون، با توان بیش از ۱۵۰۰ اسب‌بخار و حداکثر سرعت فراتر از ۴۲۰ کیلومتر بر ساعت، یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های این گروه است. از سوی دیگر، برندهایی مانند پاگانی، مک‌لارن و ریماک، در سال‌های اخیر رقابت را وارد مرحله‌ای تازه کرده‌اند. به‌ویژه حضور هایپرکارهای تمام‌الکتریکی مانند Rimac Nevera نشان می‌دهد که آینده این سگمنت، ترکیبی از عملکرد انفجاری و فناوری پاک خواهد بود. با برقی شدن صنعت خودروسازی و شتاب فوق سریع خودروهای برقی، هایپرکارها در حال تجربه جهانی کاملا جدید و متنوع هستند. در نهایت، هایپرکارها صرفا خودرو نیستند؛ آنها ویترینی از آینده صنعت خودروسازی‌اند. در جهانی که خودروهای اقتصادی برای بقا تلاش می‌کنند، هایپرکارها آمده‌اند تا ثابت کنند مهندسی، اگر آزاد باشد، می‌تواند رؤیاها را به واقعیت تبدیل کند.

بررسی حقوقی دستور تخلیه پس از انقضای مدت اجاره با تاکید بر قانون جدید دادگاه صلح

تخلیه در ۷۲ ساعت

مریم رسولی
وکیل پایه یک دادگستری

یکی از مسائل رایج و مهم در دعاوی ملکی، امتناع مستاجر از تخلیه ملک پس از پایان مدت اجاره است. در چنین شرایطی، قانون‌گذار امکان صدور دستور تخلیه فوری را برای مالک پیش‌بینی کرده است تا با رعایت شرایط مشخص و بدون ورود به رسیدگی ماهوی، بتواند از ادامه تصرف غیرقانونی جلوگیری نماید. این مقاله با توجه به تحولات جدید از جمله ایجاد دادگاه صلح و لزوم امضای دو شاهد در ذیل قرارداد اجاره، به بررسی ابعاد قانونی این موضوع می‌پردازد.

مبنای قانونی صدور دستور تخلیه

بر اساس ماده ۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶ در صورتی که قرارداد اجاره به صورت کتبی با مدت معین و دارای امضای موجر، مستاجر و دو شاهد باشد و مدت آن منقضی شده باشد، موجر می‌تواند تقاضای صدور دستور تخلیه کند.

تحول جدید در مرجع صالح - دادگاه صلح

با تصویب قانون جدید اصلاح ساختار رسیدگی قضایی، بخشی از صلاحیت‌های شورای حل اختلاف به دادگاه صلح منتقل شده است. بنابراین، مرجع صالح برای تقاضای دستور تخلیه، دادگاه صلح مستقر در مجتمع قضایی محل وقوع ملک می‌باشد. این دادگاه‌ها با هدف تسریع در رسیدگی‌های ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر تشکیل شده‌اند.

شرایط لازم برای صدور دستور تخلیه

برای صدور دستور تخلیه فوری، شرایط زیر الزامی است:

۱. وجود قرارداد اجاره کتبی با مدت معین
۲. امضای موجر و مستاجر در قرارداد
۳. وجود دو امضای شاهد در ذیل قرارداد (به‌عنوان تاییدکنندگان صحت امضای طرفین)
۴. پایان یافتن مدت اجاره بدون تمدید
۵. نبود دعوای حقوقی ماهوی از سوی مستاجر در ارتباط با اجاره یا مالکیت

فرایند درخواست

مالک یا وکیل قانونی او با ارائه درخواست به دادگاه صلح محل وقوع ملک، به همراه اصل قرارداد اجاره و مدارک هویتی، تقاضای صدور دستور تخلیه را ثبت می‌نماید. دادگاه بدون نیاز به تشکیل جلسه، در صورت احراز شرایط قانونی، ظرف مدت کوتاهی (معمولا ظرف ۷۲ ساعت)، دستور تخلیه را صادر می‌نماید.

نکات مهم حقوقی و کاربردی

- دستور تخلیه، برخلاف رای قضایی، قابل تجدیدنظر یا فرجام نیست، مگر اینکه مستاجر در مهلت قانونی دعوای حقوقی مرتبط مطرح کند.
- در صورت استنکاف مستاجر از تخلیه پس از ابلاغ دستور، اجرای احکام با استفاده از ضابطین قضایی وارد عمل می‌شود.
- در موارد خاص و با تشخیص مرجع اجرا، ممکن است به مستاجر مهلت تخلیه حداکثر یک ماهه داده شود.
- عدم وجود دو شاهد ذیل قرارداد اجاره، باعث رد درخواست دستور تخلیه فوری خواهد شد و موجر ناچار به طرح دعوی تخلیه در دادگاه حقوقی خواهد بود که فرآیندی طولانی‌تر دارد. در شرایطی که مستاجر پس از پایان مدت اجاره از تخلیه ملک امتناع می‌ورزد، دستور تخلیه فوری در صورت رعایت شرایط قانونی، ابزاری موثر و سریع برای استیفای حق موجر است. شناخت دقیق مقررات مربوط به دادگاه صلح و الزامات تنظیم قرارداد اجاره از جمله امضای دو شاهد، از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند مانع از ایجاد مشکلات حقوقی آتی گردد.

درباره بساز بفروش‌هایی که برای دور زدن شهرداری، درختان را اجاره می‌کنند تا ظاهر را حفظ کرده و پایان کار بگیرند

چنارهای ۵۰ میلیونی برای پایان کار قلابی

- قیمت هر درخت ۵۰ میلیون تومان بدون هزینه جرثقیل و کاشت و خدمات دیگر است
- به گفته عضو شورای شهر این مسئله باعث تخریب چهره شهرداری و بی‌اثر کردن قوانین می‌شود

سیمین برادران
هفت‌صبح

درختان، این نگهبانان بی‌صدا و سبز شهر، روز به روز بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرند. اما حالا تهدیدی جدید در کمین آنهاست؛ آگهی‌هایی که در فضای آنلاین درختان را برای فرار از جریمه‌های شهرداری اجاره می‌دهند. این ترفند که به نظر می‌رسد یک راه ساده و ارزان برای دور زدن قوانین باشد، در واقع در دل خود چالشی بزرگتر نهفته دارد. سازندگان ساختمان‌ها با استفاده از این روش، نه تنها به دنبال کاهش هزینه‌های جریمه قطع درختان هستند، بلکه در این راه، به محیط زیست شهری نیز آسیب می‌زنند. در این گزارش، نگاهی داریم به پشت پرده این آگهی‌ها و واکنش مسئولان به این تخلفات که شاید در ظاهر بی‌ضرر به نظر برسند، اما عواقب آن‌ها می‌تواند فراتر از تصور باشد.

ترفندی عجیب برای فرار از جریمه

در روزهای اخیر، آگهی‌هایی در سایت‌های خرید و فروش درخت برای دور زدن جریمه قطع درخت در تهران منتشر شده است. این آگهی‌ها تحت عنوان «فروش انواع درخت و درختچه جریمه شهرداری»، «درخت بن بالا برای پایان کار»، و «نهال کاج سرو برای پایان کار شهرداری» در یکی از پلتفرم‌های خرید و فروش کالا می‌شود. در این تبلیغات، درختانی مانند چنار، اقاقیا، نارون، زبان گنجشک و انواع درخت‌های مثمر برای جایگزینی درختانی که قطع شده‌اند، پیشنهاد می‌شود تا بتوانند شهرداری را برای عدم دریافت جریمه دور بزنند.

این موضوع توجه یکی از اعضای شورای شهر تهران را به خود جلب کرده است. حبیب کاشانی، خزانه‌دار شورای شهر تهران، در اسفند ۱۴۰۳ در جلسه صحن شورا به موضوع «اجاره درخت» برای دریافت پایان کار ساختمان‌ها اشاره کرد. به گفته او، در برخی سایت‌ها آگهی‌هایی منتشر شده که در آن‌ها اعلام می‌شود درختانی مانند چنارهای چندساله را برای صدور پایان کار اجاره می‌دهند و حتی ایرادات شهرداری را رفع می‌کنند. کاشانی این اقدام را نوعی دور زدن قانون دانست و تأکید کرد که باید با همکاری اداره حقوقی شهرداری تهران این موضوع بررسی و حل‌وفصل شود. او این مسئله را تخریب چهره شهرداری و بی‌اثر کردن قوانین دانست و خواستار رسیدگی فوری و قانونی به این موضوع شد.

کارآگاه یا فروشنده درخت؟!

با وجود تذکر کاشانی، این افراد همچنان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. خبرنگار «هفت صبح» با یکی از این اجاره‌دهندگان درخت گفت‌وگو کرد.

آقای الف یکی از کسانی است که در پلتفرم مشهور، آگهی‌های خود را برای اجاره یا فروش درخت قرار داده است. او در تماس با خبرنگار ما که به‌عنوان مشتری از منطقه یک، خیابان فرشته برای جابه‌جایی درخت چنار بن بالا و جایگزینی با درخت خشکیده تماس گرفته، می‌گوید: «باید ببینیم می‌تونم جرثقیل رو نزدیک محدوده ببرم یا نه. ۵۰ میلیون تومن هزینه‌ش هست ولی اگر بخواید این کار رو بکنین باید ملکتون محصور باشه وگرنه شهرداری می‌فهمه».

خبرنگار: «خب اگه شهرداری فهمید چی کار کنیم؟»

آقای الف: «نباید بفهمه.»

آقای الف در خصوص شرایط ملک مثل یک کارآگاه کاربلد پرس و جو می‌کند اعم از اینکه موقعیت ملک دقیقا کجاست و میزان شاخ و برگ درخت قبلی چقدر بوده و وضعیت سکونت ملک تازه و متراژ ساختمان و... بعد هم نصیحت مشفقانه‌ای می‌کند که: «باید تو زمستون جا به جا می‌کردی. گفتی منطقه یک هستی؟ جریمه ملکای منطقه یک خیلی زیاده و نمیشه نزدیک درخت بری.»

او در ادامه کلی هم درباره دشواری جابه‌جایی درخت پرحرفی می‌کند: «درختی که میاریم سر بر آوری شده و اگر بخوایم درخت خشک رو جایگزین کنیم سخت میشه و باید هزینه بیشتری بدید چون نباید شهرداری بفهمه. کم کم هم باید درخت رو خرد کنیم و بعد بیاریم پایین. اگر هم شهرداری فهمید درختت خشک شده همونجا باید بهشون پول بدی یا بگی که درخت روی ماشین و آدم میفتاد. اما آدم فضول اون منطقه زیاده ممکنه زنگ بزنن و خبر بدن.»

آقای الف سیر تا پیاز وضعیت ساختمان و حیاط و طبقات را هم درمی‌آورد: «باید از نزدیک درخت رو ببینم و بعد هزینه جابه‌جایی رو بگم. اگر چنار با بن ۱۲۰ بخواین بیشتر از ۵۰ میلیون هزینه کاشت هر درخته. جرثقیل و کاشت و خدمات دیگه رو هم باید جدا حساب کنم. اگر بخوای جریمه ندی باید همه این کارها رو انجام بدی اما باید ببینیم میشه جرثقیل داخل حیاط بیاد یا نه؟ مجبور هستی که درخت خشک رو جابه‌جا کنی. اصل کار بالاهای درخته که همسایه‌ها می‌بینن، بقیه‌اش کاری نداره.»

مراقب کلاهبرداران باشید

حمیدرضا صارمی، معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران درباره این تخلفات به هفت صبح می‌گوید: «در حد یک خبر این مسئله را شنیدیم. حوزه فضای سبز تخصصی است و کارشناسان مربوطه کاملاً به این موضوعات اشراف دارند. ممکن است تخلفاتی وجود داشته باشد، اما تاکنون تخلف مستندی به دست ما نرسیده که صحت آن را تأیید کنیم.»

او با اشاره به برخی سایت‌ها که آگهی‌هایی در این باره منتشر می‌کنند، می‌گوید: «گاهی تبلیغ‌هایی می‌نویسند ولی در آخر که ورود پیدا می‌کنید می‌بینید پوچ است و نوعی کلاهبرداری است. فردی می‌گوید درختی برای پایان کار اجاره می‌دهد اما آن درخت خشک می‌شود و شهرداری در هر صورت فرد را جریمه خواهد کرد.»

به گفته صارمی، شهرداری در سطح نواحی رصد انجام می‌دهد و متوجه این اتفاقات می‌شود: «این درختان را باید با تریلی نقل و انتقال دهند. در این شهر نباید یکبار با این موارد برخورد کنیم و ببینیم چرا درخت ۱۰ متری در سطح شهر پشت جرثقیل است و به ساختمانی وارد می‌شود؟»

معاون شهردار تهران با اشاره به اینکه جریمه درختان کوچک زیاد نیست و افراد در رابطه با درختان کوچک عموما تخلف نمی‌کنند، می‌گوید: «اما جریمه درختان بزرگ زیاد است و افراد اگر بخواهند اجاره کنند خب فردی باید ببیند که این درخت وارد ساختمانی می‌شود یا نه؟ یک اسباب‌کشی در خیابان با نیسان قابل تشخیص است. برای انتقال یک درخت با بن بالا جرثقیل نیاز است. یک نفر باید انتقال این درختان را ببیند.»

او می‌گوید «تخلفات را انکار نمی‌کنیم»؛ اما این موضوع را مستدل نمی‌داند: «جابه‌جایی درخت بالای ۱۰ سال که جریمه سنگین دارد. کار سختی است و به راحتی انجام نمی‌شود و اگر هم انجام دهند حضور تیربرق و سایر موانع امکان این کارها را نمی‌دهد. این درختان مانند پازل نیستند که ببرند و بچسبانند. سخت است تصور کنیم این اقدام به راحتی انجام می‌شود.»

صارمی تاکید می‌کند: «اگر متوجه شویم که فرد این تخلف را انجام می‌دهد طبق قانون برای قطع درخت فرد را جریمه خواهیم کرد. مطمئن باشید شهرداری تهران با نظارت مستمر، در تلاش است تا چنین تخلفاتی را شناسایی کند.»

توقف بازی با ریه تنفسی شهر

تخلفاتی همچون اجاره درخت برای فرار از جریمه‌های شهرداری، نه تنها چالشی جدی برای قوانین محیط زیستی تهران به شمار می‌روند، بلکه می‌توانند ضربه‌ای مهلک به فضای سبز و هویت شهری وارد کنند. این نوع رفتارها که در ظاهر به‌عنوان ترفندهایی ساده برای کاهش هزینه‌ها به نظر می‌رسند، در عمل به بی‌اعتبار کردن قوانین و همچنین از بین بردن یکی از ارزشمندترین منابع شهری یعنی درختان منجر می‌شوند.

برای مقابله با این معضل، ابتدا باید شفاف‌سازی بیشتری در مورد قوانین مربوط به حفاظت از درختان صورت گیرد. از سوی دیگر، شهرداری باید اقدامات نظارتی خود را شدت بخشد و از فناوری‌های نوین مانند سیستم‌های رصد آنلاین و گزارش‌دهی مردمی برای شناسایی این تخلفات بهره‌برداری کند. همچنین، همکاری بیشتر با نهادهای حقوقی و افزایش مجازات‌ها برای کسانی که به این روش‌ها متوسل می‌شوند، می‌تواند به‌طور قابل توجهی از ادامه این تخلفات جلوگیری کند.

با این حال، حفظ فضای سبز و درختان تنها به عهده یک نهاد نیست و باید همه نهادها نسبت بدان حساسیت داشته باشند. افزودن مجازات‌های غیرنقدی می‌تواند به عنوان راه‌حل مقطعی در نظر گرفته شود اما تغییر نگرش شهروندان در خصوص فضای سبز شهری یکی از برنامه‌های بلندمدت برای مدیریت منابع طبیعی و فضای سبز باید در اولویت آموزشی قرار گیرد.

۷

حمیدرضا صارمی، معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران، با اشاره به برخی سایت‌ها که آگهی‌هایی در این باره منتشر می‌کنند، می‌گوید: «گاهی تبلیغ‌هایی می‌نویسند ولی در آخر که ورود پیدا می‌کنید می‌بینید پوچ است و نوعی کلاهبرداری است. فردی می‌گوید درختی برای پایان کار اجاره می‌دهد اما آن درخت خشک می‌شود و شهرداری در هر صورت فرد را جریمه خواهد کرد.» به گفته صارمی، شهرداری در سطح نواحی رصد انجام می‌دهد و متوجه این اتفاقات می‌شود: «این درختان را باید با تریلی نقل و انتقال دهند. در این شهر نباید یکبار با این موارد برخورد کنیم و ببینیم چرا درخت ۱۰ متری در سطح شهر پشت جرثقیل است و به ساختمانی وارد می‌شود؟»

ذره‌بین

کمپین‌هایی که زندگی انسان‌ها و زمین را تغییر می‌دهند

بذر امید در دل خاک

کمپین‌های مردمی نشان می‌دهند که مشارکت‌های کوچک می‌تواند تغییرات بزرگ اجتماعی و زیست‌محیطی ایجاد کند

شکوفه عصاره
کارشناس ارشد علوم اجتماعی

روز جهانی زمین فرصتی است تا به اهمیت زمین و مسئولیت اجتماعی‌مان در قبال آن توجه کنیم. زمین، به‌عنوان بستر حیات و زیستگاه انسان‌ها و سایر موجودات زنده، نیازمند مراقبت و حفاظت است. در دنیای امروز، رفتارهای انسانی، به‌ویژه در جوامع صنعتی، به‌طور فزاینده‌ای به تخریب محیط زیست و آلودگی زمین منجر شده است. رها کردن پسماندها در طبیعت، افزایش زباله سوزی، عدم بازیافت و استفاده نادرست از منابع طبیعی، نه تنها به تخریب اکوسیستم‌ها آسیب می‌زند، بلکه سلامت جامعه را نیز به خطر می‌اندازد.

از منظر جامعه‌شناسی، توجه به زمین و حفظ آن به عنوان یک مسئولیت اجتماعی، به معنای درک عمیق‌تری از ارتباطات انسانی و تأثیرات متقابل ما بر محیط زیست است. رفتارهای ما در قبال زمین، بازتابی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و فرهنگ‌های ماست. بنابراین، تغییر در این رفتارها نیازمند تغییر در نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی است. این تغییرات می‌توانند از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به وقوع بپیوندند.

یکی از این فعالیت‌های اجتماعی قابل تحسین، کمپین «جمع‌آوری در بطری» است که در سال ۱۳۹۳ در تبریز آغاز شد و به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت. این کمپین با هدف جمع‌آوری درهای پلاستیکی بطری‌ها و تبدیل آن‌ها به ویلچر برای نیازمندان شکل گرفته است. اعضای این کمپین با جمع‌آوری درهای بطری و فروش آن‌ها، از درآمد حاصل، ویلچر برای معلولین خریداری می‌کنند. این اقدام نه‌تنها به کاهش زباله‌های پلاستیکی کمک می‌کند، بلکه به افراد یادآوری می‌کند که حتی با اقداماتی کوچک، می‌توان تأثیر بزرگی بر محیط زیست و زندگی دیگران بگذارند. کمپین «جمع‌آوری در بطری» به‌طور نزدیکی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و همدلی میان شهروندان تأکید دارد. این حرکت نه‌تنها به کمک به نیازمندان می‌پردازد، بلکه نشان‌دهنده قدرت همکاری اجتماعی در ایجاد تغییرات پایدار است. در واقع، این کمپین به‌عنوان یک الگوی موفق، اهمیت همیاری و همکاری جمعی را در ارتقاء کیفیت زندگی و محیط زیست به تصویر می‌کشد.

از سوی دیگر، کمپین «نذر پاکیزگی» به عنوان یک حرکت خودجوش از سوی جوانان، پس از مراسمات عزاداری در محرم و صفر به پاکسازی خیابان‌ها می‌پردازد. این اقدام نه‌تنها نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، بلکه تلاشی برای حفظ محیط‌زیست و زیبایی‌های شهری نیز هست. آلوده کردن خیابان‌ها، به‌ویژه در این ایام، نه‌تنها ناپسند است، بلکه بر روحیه جمعی شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد. در مقابل، جوانانی که با انگیزه به پاکسازی شهر می‌پردازند، الگویی از همبستگی و اراده جمعی برای تغییرات مثبت در جامعه هستند. کمپین «نذر پاکیزگی» می‌تواند فرهنگ پاکیزگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را ترویج کند و به سمت ایجاد جامعه‌ای پایدارتر حرکت کند.

این دو کمپین، نشان‌دهنده این هستند که با مشارکت فعال شهروندان، می‌توان به اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی بزرگ دست یافت. در کنار این کمپین‌ها، نوآوری‌های علمی نیز می‌توانند به بهبود وضعیت زمین ما کمک کنند.

«بذر تکاور»، تازه‌ترین اختراع یک شرکت دانش‌بنیان خوزستانی، به عنوان یک فناوری نوین در زمینه احیای منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست معرفی شده است. این بذر به‌طور کنترل‌شده در مناطق آسیب‌دیده، بیابانی و فرسایش‌یافته، پراکنده می‌شود و با طراحی خاص خود، بدون نیاز به شخم و آبیاری قادر است در برابر تغییرات اقلیمی، حشرات و کمبود آب مقاومت کرده و به ترمیم اکوسیستم‌ها و افزایش پوشش گیاهی کمک کند. این فناوری به دلیل قابلیت‌های منحصر به فرد، می‌تواند به عنوان یک راهکار مؤثر در مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی مورد استفاده قرار گیرد و مکمل مناسبی برای تلاش‌های اجتماعی به‌حساب آید.

با بهره‌مندی از این فناوری نوین، می‌توانیم به ترمیم منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست کمک کنیم و به ایجاد یک آینده پایدار برای نسل‌های آینده امیدوار باشیم. نخبگان خوزستانی این شرکت دانش‌بنیان که پیش‌تر به طراحی و تولید شوینده‌های سازگار با محیط زیست و شست‌وشوی پلیکان‌های آغشته به مواد نفتی پرداخته بودند، این بار با ابداع بذر تکاور، گامی جدید در جهت کمک به محیط زیست برداشته‌اند. این نوآوری، ادامه‌دهنده تلاش‌های آنان در حفاظت از محیط زیست و احیای منابع طبیعی است و نشان‌دهنده تعهد عمیق آنان به آینده‌ای پایدارتر و سالم‌تر برای کره زمین می‌باشد.

بی‌تردید، حفاظت از محیط زیست و مسئولیت اجتماعی در قبال زمین، بازتاب‌دهنده تعهد و آگاهی جمعی ما به عنوان یک جامعه است. برای رسیدن به یک جامعه پایدار، لازم است که به این واقعیت پی ببریم که هر فرد می‌تواند نقشی کلیدی در تغییرات مثبت ایفا کند. در این راستا، تغییر رفتارهای روزمره و حمایت از نوآوری‌های علمی نه تنها به بهبود شرایط زیست‌محیطی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد حس همبستگی میان اعضای جامعه نیز، منجر شود. با تمرکز بر تلفیق فعالیت‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین و استفاده از انرژی‌های پاک، می‌توانیم گام بزرگی در جهت حفظ زمین و ترمیم آسیب‌های وارد شده به آن برداریم.

در عصر حاضر، شکل‌گیری فرهنگ مسئولیت‌پذیری جمعی به یکی از نیازهای ضروری جامعه تبدیل شده است. همه ما باید به‌طور فعال در حفظ منابع طبیعی مشارکت کنیم.

اکنون تنها سوال باقی‌مانده این است که آیا دفتر امور بیابان‌های «سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور»، که کاهش فرسایش خاک را در اولویت خود قرار داده، یا کارگروه ویژه بیابان‌زدایی «سازمان جهاد کشاورزی»، که به احیای کویرها مشغول است، به این نوآوری ارزشمند توجه خواهند کرد یا خیر؟ آیا این نهادها و دیگر سازمان‌های دولتی که موظف به اقدامات مؤثر در این زمینه هستند، از بذر تکاور حمایت خواهند کرد؟ یا این نوآوری نیز مانند صدها اختراع دیگر در پیچ و خم بروکراسی اداری گم می‌شود؟

کارت‌های بازی پکن

نگاهی به ۵ برگ برنده چین در جنگ تعرفه‌های ترامپ

جنگ تجاری میان دو اقتصاد بزرگ جهان اکنون وارد مرحله‌ای تمام‌عیار شده است. صادرات چین به آمریکا با تعرفه‌هایی تا ۲۴۵ درصد روبه‌رو شده و پکن نیز در پاسخ، واردات آمریکایی را تا ۱۲۵درصد مشمول مالیات کرده است. مصرف‌کنندگان، بازارها و کسب‌وکارها در تلاطم بی‌سابقه‌ای قرار گرفته‌اند و بیم رکود جهانی بیش از پیش بالا گرفته. با وجود اعلام آمادگی دولت شی جین‌پینگ برای مذاکره، پکن هشدار داده در صورت لزوم «تا پایان راه» خواهد جنگید.

تحمل درد، تا حدی ممکن است

چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ دنیا، توان جذب فشارهای ناشی از تعرفه‌ها را بیشتر از کشورهایی کوچک‌تر دارد. بازار داخلی عظیم آن، گرچه هنوز به بلوغ نرسیده، می‌تواند بخشی از بار را از دوش صادرکنندگان بردارد. دولت با ابزارهایی همچون یارانه لوازم خانگی یا تورهای ویژه بازنشستگان در تلاش است تقاضای داخلی را تحریک کند. سیاست‌های ترامپ در واقع انگیزه‌ای مضاعف به حزب کمونیست داده تا مصرف داخلی را فعال‌تر سازد. با این حال، بحران مسکن، بیکاری و نارضایتی نسل جوان، دولت را محتاط کرده و رسانه‌های رسمی با تکیه بر احساسات ملی‌گرایانه از مردم خواسته‌اند «در طوفان‌ها کنار هم بایستند.»

سرمایه‌گذاری برای آینده

چین دیگر فقط کارخانه جهان نیست؛ پکن سال‌هاست میلیاردها دلار صرف توسعه فناوری‌های بومی کرده است؛ از انرژی‌های نو و هوش مصنوعی گرفته تا تراشه‌ها و خودروهای برقی. در همین راستا، چت‌بات دیپ‌سیک به‌عنوان رقیبی جدی برای چت‌جی‌پی‌تی معرفی شد و شرکت بی‌وای‌دی جای تسلا را به‌عنوان بزرگ‌ترین خودروساز برقی جهان گرفت. اپل نیز سهمی از بازار چین را به برندهایی چون هوآوی و ویوو باخته است. تازه‌ترین برنامه پکن، سرمایه‌گذاری هزار میلیارد دلاری طی ۱۰ سال آینده در حوزه هوش مصنوعی است. در واقع چین تنها کشوری است که امپراتوری فناوری آمریکا را به چالش کشیده است.

درس‌هایی از ترامپ دور اول

پس از اعمال تعرفه بر پنل‌های خورشیدی چین در سال ۲۰۱۸، پکن طرح «یک کمربند، یک راه» را سرعت بخشید تا به‌سوی نظمی جهانی خارج از محور آمریکا حرکت کند. تجارت با آسیای جنوب‌شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین تقویت شده و وابستگی چین به آمریکا کاهش یافته است. سهم آمریکا در صادرات سویا به چین از ۴۰ به ۲۰ درصد رسیده و پکن همزمان تولید داخلی را افزایش داده و رکورد واردات از برزیل را زده است. این اتفاق هم بازار کشاورزان آمریکایی را می‌گیرد و هم امنیت غذایی چین را تقویت می‌کند. دیگر آمریکا بزرگ‌ترین بازار صادراتی چین نیست؛ این جایگاه اکنون در اختیار جنوب‌شرقی آسیاست. چین در سال گذشته بزرگ‌ترین شریک تجاری ۶۰ کشور جهان بوده، درحالی‌که آمریکا تنها با نیمی از این تعداد رابطه مشابه داشته است. مازاد تجاری چین در پایان ۲۰۲۴ نیز به رکورد یک تریلیون دلار رسیده است. اینها به‌معنای بی‌اهمیتی آمریکا برای اقتصاد چین نیست اما نشان می‌دهد ایالات متحده نمی‌تواند به‌آسانی پکن را به گوشه رینگ براند.

پکن زمان عقب‌نشینی ترامپ را می‌داند

پس از سقوط بازار سهام در پی اعلام تعرفه‌های سنگین ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بیشتر تعرفه‌ها را برای ۹۰ روز متوقف کرد. یکی از نقاط فشار، بازار اوراق قرضه دولتی آمریکا بود که اعتماد جهانی به آن دچار تزلزل شد. ترامپ بعدها گفت تعرفه‌ها «تا حد زیادی کاهش می‌یابد، اما صفر نخواهد شد.» چین با داشتن حدود ۷۰۰ میلیارد دلار اوراق آمریکایی، در این زمینه اهرمی بالقوه دارد؛ تنها ژاپن، آن هم به‌عنوان متحد واشنگتن، سهمی بالاتر از آن دارد. رسانه‌های چینی گاهی از «سلاح اوراق» سخن گفته‌اند اما کارشناسان هشدار می‌دهند استفاده از این ابزار هزینه‌هایی سنگین برای خود چین دارد. فروش گسترده اوراق ممکن است به زیان شدید دارایی‌های چین و نوسان در بازار یوان منجر شود. یک پژوهشگر می‌گوید: «این بیشتر یک برگ مذاکره است تا یک سلاح اقتصادی.»

گلوی جهان در مشت معادن چین

اما آنچه چین در واقع می‌تواند به‌عنوان ابزار فشار به‌کار گیرد، سلطه‌اش بر معادن عناصر نادر خاکی است؛ موادی که برای تولید فناوری‌های پیشرفته حیاتی‌اند. فلزاتی مانند «دیسپروزیم» برای موتور خودروهای برقی و توربین‌های بادی، یا «ایتریوم» برای پوشش‌های مقاوم حرارتی موتور جت. پکن در واکنش به تعرفه‌های ترامپ، صادرات هفت ماده معدنی کلیدی را محدود کرده؛ از جمله عناصری که برای ساخت تراشه‌های هوش مصنوعی حیاتی‌اند. طبق برآورد آژانس بین‌المللی انرژی، چین ۶۱ درصد تولید و ۹۲ درصد فرآوری این مواد را در اختیار دارد. گرچه استرالیا، ویتنام و ژاپن نیز وارد این حوزه شده‌اند اما حذف چین از زنجیره تأمین زمانبر خواهد بود.

چهره روز

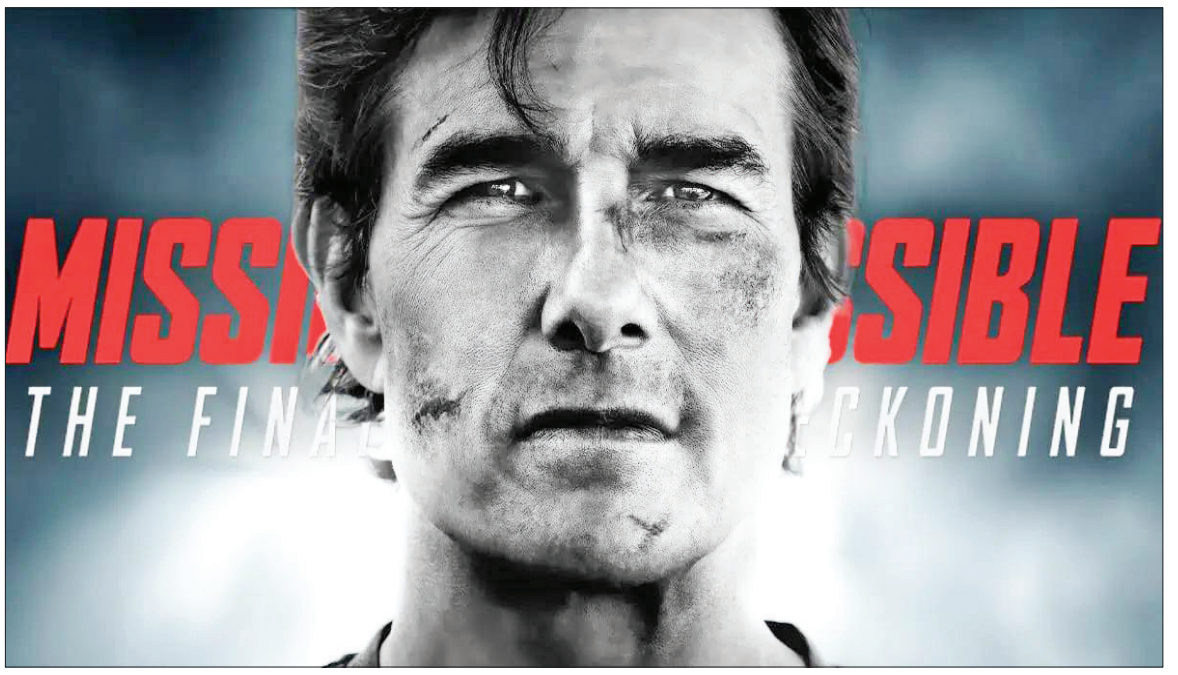

انتشار پوسترهای جدید و ویدیویی از پشت صحنه جدیدترین قسمت فرنچایز «ماموریت غیر ممکن»، کاربران را برای دیدن این فیلم در سالن‌های سینما و دنبال کردن صحنه‌های اکشن و محیرالعقول تام کروز روی پرده نقره‌ای به وجد آورد. اگر تام کروز یک آرزو در دلش داشته باشد، آن آرزو رونق دوباره سالن‌های سینما و بازگشت آن به شکوه سال ۲۰۱۸ است. پس از همه‌گیری ویروس کرونا و بسط و گسترش شبکه‌های اینترنتی، سالن‌های سینما آن جلوه سابق را ندارند و اگر در دوران پس از همه‌گیری، فیلم سینمایی «تاپ گان: ماوریک» با بازی کروز نبود تا مردم را دوباره به سالن‌های سینما بکشاند، ممکن بود سینما با خطر مرگ روبه‌رو شود. از این رو، بزرگانی نظیر استیون اسپیلبرگ از تام کروز با عنوان ناجی سینما یاد می‌کنند.

عکس روز

مردی که ترامپ را به چالش کشید، نخست‌وزیر کانادا شد

مارک کارنی: ما آماده‌ایم

تعرفه‌های ترامپ، انگیزه‌ای برای اتحاد ملی در کانادا به وجود آورد

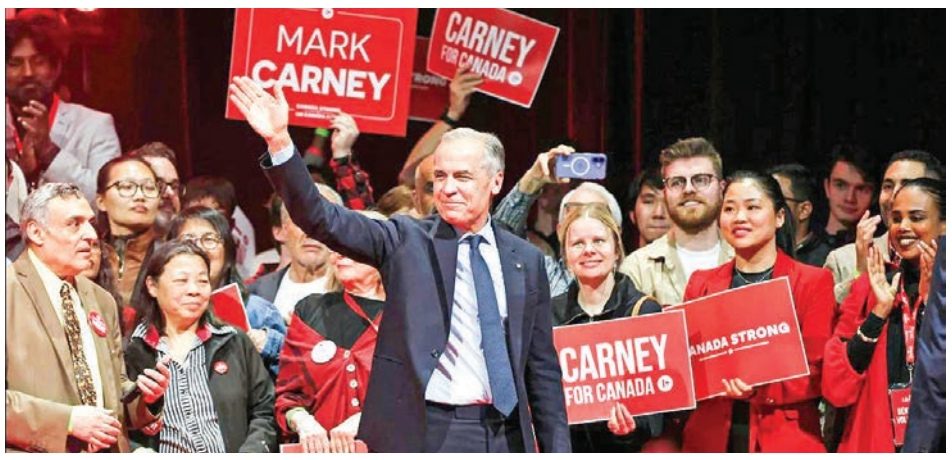

انتخابات کانادا در ۲۸ آوریل ۲۰۲۵، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی این کشور بود. حزب لیبرال به رهبری مارک کارنی با کسب ۱۶۴ کرسی از ۳۴۳ کرسی پارلمان، برای چهارمین دوره متوالی دولت تشکیل داد و محافظه‌کاران به رهبری پیر پولیور با ۱۴۷ کرسی در جایگاه دوم قرار گرفتند. هرچند هنوز مشخص نیست که دولت لیبرال اکثریت مطلق (۱۷۲ کرسی) را به دست خواهد آورد یا بار دیگر دولتی اقلیت تشکیل می‌دهد اما این پیروزی برای کارنی که تنها یک ماه پیش جایگزین جاستین ترودو شد، موفقیتی چشمگیر محسوب می‌شود.

مارک کارنی کیست و چه برنامه‌هایی دارد؟

مارک کارنی، اقتصاددان برجسته با مدرک دکترای اقتصاد از آکسفورد، از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ رئیس بانک مرکزی کانادا و از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ رئیس بانک انگلستان بود. او که در مدیریت بحران‌های مالی جهانی، از جمله برگزیت کارنامه‌ای درخشان دارد، پس از فعالیت در بخش خصوصی و سازمان ملل، در مارس ۲۰۲۵ رهبری حزب لیبرال را برعهده گرفت. کارنی با شعار «مقاومت هوشمندانه» در برابر تهدیدات اقتصادی و سیاسی دونالد ترامپ، کمپینی ملی‌گرایانه راه‌اندازی کرد. برنامه‌های او شامل تقویت روابط بین‌المللی، پیگیری دعاوی تجاری در سازمان تجارت جهانی، گسترش بازارهای صادراتی جایگزین و بسیج متحدان کانادا برای مقابله با تعرفه‌های آمریکا است. کارنی همچنین بر حفظ استقلال کانادا تأکید دارد.

معنای پیروزی لیبرال‌ها در برابر محافظه‌کاران

پیروزی لیبرال‌ها که پس از سال‌ها افول حمایت عمومی در دوران ترودو به دست آمد، نتیجه چند عامل کلیدی بود: کناره‌گیری ترودو، ظهور کارنی به‌عنوان چهره‌ای معتبر در برابر بحران تعرفه‌ها و فروپاشی آرای حزب دموکرات نوین که رأی‌دهندگان ترقی‌خواه را به سمت لیبرال‌ها سوق داد.

در مقابل، محافظه‌کاران و پولیور که تا ژانویه ۲۰۲۵ با اختلاف ۲۵ امتیازی پیشتاز بودند، نتوانستند موج ملی‌گرایی علیه اظهارات جنجالی ترامپ مبنی بر تبدیل کانادا به «ایالت پنجاه‌ویکم» آمریکا را خنثی کنند. پولیور با شعار «کانادا اول» و وعده کاهش مالیات به میدان آمد و معتقد بود پیوندهای سیاسی با جمهوری‌خواهان می‌تواند به توافقات تجاری بهتری منجر شود. اما ارتباطات نزدیک او با چهره‌هایی مانند ایلان ماسک و جو روگان، انتقاداتی درباره تضعیف حاکمیت ملی کانادا به دنبال داشت. پیروزی لیبرال‌ها نشان‌دهنده تمایل کانادایی‌ها به رهبری باثبات و مقاوم در برابر فشارهای آمریکا بود.

آرایش کانادا در برابر ترامپ

انتخابات کانادا در سایه تعرفه‌های سنگین آمریکا برگزار شد. ترامپ ۲۵ درصد تعرفه بر فولاد، آلومینیوم، قطعات خودرو و محصولات خارج از توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی و ۱۰ درصد بر انرژی و پتاس اعمال کرده است. کانادا نیز در پاسخ، تعرفه‌هایی بر کالاهای آمریکایی وضع کرده است. اظهارات تحریک‌آمیز ترامپ، از جمله پیشنهاد الحاق کانادا به آمریکا، تنش‌ها را تشدید کرد.

او در روز انتخابات در توروث سوشال نوشت که کانادا با پیوستن به آمریکا می‌تواند از مالیات کمتر، قدرت نظامی رایگان و رشد اقتصادی برخوردار شود. کارنی این تهدیدات را «بزرگ‌ترین بحران دوران ما» خواند و در تماس تلفنی مارس ۲۰۲۵ با ترامپ، مذاکرات تجاری را تا پایان انتخابات به تعویق انداخت. در مقابل، پولیور با تأکید بر مذاکرات پشت‌پرده با جمهوری‌خواهان، از رویارویی مستقیم با آمریکا اجتناب کرد. نظرسنجی‌ها نشان داد ۴۳ درصد کانادایی‌ها کارنی را برای مذاکره با آمریکا مناسب‌تر می‌دانند، در حالی که تنها ۲۷ درصد به پولیور اعتماد داشتند.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

ینگه دنیا

وعده‌باز حرفه‌ای

مرور کارنامه ۱۰۰ روزه دولت ترامپ که با وعده‌های بزرگ آغاز شد

رامتین لطیفی
هفت صبح

روز نخست دولت ترامپ، همانقدر که شلوغ و پرماجرا بوده، پرابهام هم بوده است. رئیس‌جمهوری که با شعار بازگرداندن عظمت به آمریکا بازگشت، از همان ابتدا کوشید با سیلی از فرمان‌های اجرایی، اراده‌اش را بر ساختار فدرال تحمیل کند و نشان دهد با کسی شوخی ندارد. با کنگره‌ای در اختیار حزب خودش، دستش برای تغییرات باز بود اما بسیاری از اقداماتش هنوز به نتیجه نرسیده‌اند یا سرنوشت‌شان چندان روشن نیست. شمار زیادی از فرمان‌هایش بیش از آنکه اجرایی باشند، بیانیه‌هایی تبلیغاتی‌اند. از جمله «وضعیت اضطراری انرژی» که در همان روز نخست اعلام شد، با وعده کاهش قبض‌ها در سال آینده برخی وعده‌ها هم با یکدیگر در تضادند؛ برای مثال، از یک‌سو قول کاهش هزینه‌های زندگی را داده و از سوی دیگر، تعرفه‌هایی وضع کرده که می‌تواند قیمت‌ها را بالا ببرد.

قول کاهش قیمت‌ها؛ اما با نسخه‌ای ضدونقیض

نرخ تورم که در پایان دولت بایدن به ۳ درصد رسیده بود حالا در ماه مارس به ۲.۴ درصد کاهش یافته است. ترامپ، این افت را به حساب خودش گذاشته و گفته: «ما تورم را همین حالا حل کرده‌ایم.» اما بانک مرکزی هشدار داده است که طرح‌های او برای افزایش تعرفه‌ها، ممکن است آتش تورم را دوباره شعله‌ور کند. تعرفه‌ها در اصل مالیات‌هایی هستند که مصرف‌کنندگان می‌پردازند، حتی اگر به‌نام مجازات کشورهای خارجی وضع شده باشند. از سوی دیگر، ترامپ وعده داده بدهی ملی را به طور کامل پرداخت کند؛ وعده‌ای که در دوره نخست نیز داده بود و نه‌تنها محقق نشد، بلکه بدهی فدرال را به سطحی بی‌سابقه رساند. حالا هم کاهش درآمدهای مالیاتی ناشی از سیاست‌های پیشنهادی‌اش، پرداخت بدهی را به رؤیایی دورتر تبدیل کرده است.

کنترل مرز: وعده‌ای که تا حدی تحقق یافت

ترامپ در کنترل مرز جنوبی آمریکا با مکزیک، کارنامه‌ای دارد که می‌تواند آن را دستاویز موفقیت بداند. ورود مهاجران غیرقانونی در دوران او به‌شدت کاهش یافته؛ از حدود ۲۵۰ هزار نفر در ماه دسامبر سال پایانی بایدن، به تنها هفت‌هزار نفر در مارس امسال رسیده است. البته هنوز اطلاعات شفافی درباره سیاست اخراج مهاجران و رعایت حقوق آنها منتشر نشده و ترامپ و دولتش از این منظر مورد نقد قرار گرفته‌اند.

وعده کاهش قبض انرژی: هنوز در مسیر وعده

ترامپ وعده داد هزینه انرژی و برق را در مدت ۱۲ تا ۱۸ ماه به نصف یا حتی یک‌چهارم برساند. گاه با احتیاط گفته که اگر هم به آن میزان نرسید، لااقل کاهش ملموسی رخ خواهد داد. این وعده اگرچه پرزرق‌وبرق است اما هنوز نتایج عملی از آن دیده نمی‌شود و تحلیلگران تحقق آن را با تردید می‌نگرند، به‌ویژه در سایه افزایش تعرفه‌ها و تنش‌های بازار.

تعرفه‌ها: وعده‌ای که عمل شد اما با تبعات سنگین

ترامپ از همان روزهای نخست کارزار انتخاباتی‌اش، وعده داده بود تعرفه‌هایی سراسری بر کالاهای خارجی وضع کند. این وعده، حالا اجرایی شده؛ ابتدا با هدف تنبیه کشورهایی چون چین، کانادا و مکزیک و سپس با فرمانی که آن را «روز آزادی» نامید. هرچند بعدها بخش بزرگی از این طرح تعدیل شد و به تعویق افتاد اما تعرفه‌های سنگین، در مواردی تا ۱۴۵ درصد بر کالاهای چینی اعمال شده‌اند. واکنش بازار سهام به این طرح منفی بوده و هزینه واردات برای شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان آمریکایی بالا رفته است. نکته جالب اینکه برخلاف دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش، ترامپ این بار نسبت به افت بازار سهام واکنشی نشان نداده و حتی گفته «بازار به‌وقت مقتضی، خودش را پیدا می‌کند.»

پایان جنگ اوکراین؛ وعده‌ای بدون اجرا

در گردهمایی‌های انتخاباتی، ترامپ با قاطعیت وعده داد که جنگ روسیه و اوکراین را «قبل از ورود به دفتر ریاست‌جمهوری و ظرف ۲۴ ساعت و از طریق تماس تلفنی» تمام خواهد کرد اما حالا، ۱۰۰ روز از آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش گذشته و نه‌تنها جنگ به پایان نرسیده، بلکه هیچ نشانه‌ای از روند جدی دیپلماتیک برای حل بحران هم دیده نمی‌شود. این وعده، بیش از آنکه واقعیت باشد، بخشی از خطابه‌های تبلیغاتی انتخاباتی باقی مانده است.

کاهش مالیات: روی کاغذ، نه در عمل

ترامپ وعده داده مالیات‌ها را کاهش دهد، از حذف مالیات انعام و اضافه‌کاری گرفته تا دائمی کردن معافیت‌های مالیاتی دوره نخستش. اما هنوز هیچ‌یک از این موارد به اجرا نرسیده‌اند. در عوض، آنچه اجرا شده، افزایش مالیات‌های غیرمستقیم از طریق تعرفه‌هاست؛ چیزی که می‌تواند هزینه زندگی خانواده‌های آمریکایی را بالا ببرد.

نبرد با قوانین محیط‌زیستی؛ پرهیاهو، کم‌نتیجه

ترامپ وعده داده بود به‌نفع صنایع نفت، گاز و زغال‌سنگ، مقررات زیست‌محیطی را کنار بگذارد. او چند فرمان در این راستا امضا کرده اما بسیاری از آنها بیش از آن‌که تأثیر واقعی داشته باشند، جنبه نمادین دارند. برای نمونه، یکی از این فرمان‌ها می‌گوید «دستور بایدن برای اجبار خودروهای برقی» لغو می‌شود، در حالی‌که چنین دستوری از اساس وجود نداشته و تنها هدفی غیرالزام‌آور تعیین شده بود. یا لغو معافیت کالیفرنیا برای ممنوعیت فروش خودروهای بنزینی که در عمل نیازمند مصوبه کنگره است و هنوز اجرایی نشده.

کیوسک

واشنگتن‌پست، عکس و تیتر اصلی خود را به آغاز عملیات ساخت ورزشگاه و شهرک ورزشی و مسکونی در واشنگتن دی‌سی با هزینه یک میلیارد دلاری اختصاص داد.

نیویورک‌پست مدعی شده است که سارق کیف‌دستی کریستی نوم، وزیر کشور آمریکا، مهاجری غیرقانونی بوده که پیش‌تر بارها به دلیل سرقت دستگیر و سپس آزاد شده است.

بلوزون

احساس حقارت تام هاردی در برابر سگ قهرمان پلیس

در اتفاقی که قلب طرفداران هالیوود و حیوان‌دوستان را تسخیر کرد، تام هاردی، ستاره خشن و جذاب فیلم‌های «ونوم» و «مکس دیوانه: جاده خشم»، در ملاقاتی غیرمنتظره با یک سگ بازنشسته پلیس به نام «بِر» قرار گرفت. این دیدار که برای تبلیغ فیلم جدید هاردی، «ویرانی» (Havoc)، ترتیب داده شده بود، به لحظه‌ای دراماتیک و احساسی تبدیل شد که هاردی را در برابر شجاعت واقعی این قهرمان چهارپا خلع سلاح کرد. سخنگوی پلیس ساسکس با طنزی شیرین گفت: «بِر فکر می‌کرد قراره برای نقش اصلی فیلم «عوعوی ژوراسیک» تست بده!» اما چیزی که این دیدار را به تیتر اول اخبار تبدیل کرد، واکنش هاردی به قصه‌های بر بود. وقتی از هاردی پرسیده شد آیا سگ‌دوست است، او با همان شوخ‌طبعی معروفش جواب داد: «نه، نمی‌تونم تحمل‌شون کنم!» اما وقتی متن نامه‌ای از زبان «بِر» را خواند، فضای استودیو پر از احساس شد. «بِر» در این پیام از خدماتش در پلیس گفت: «من تا سال ۲۰۲۰ در پلیس ساسکس خدمت کردم. به پیدا کردن افراد گمشده کمک کردم، از جمله یک زن جوان که قصد خودکشی داشت. در روز تولد ۱۲ سالگیم هم جان یک مرد آسیب‌پذیر رو نجات دادم.» هاردی با چشمانش اشک‌آلود و صدایی لرزان گفت: «آفرین رفیق!» و وقتی «بِر» (از زبان هاردی) از او پرسید پرافتخارترین لحظه بازیگری‌اش چیست، ستاره هالیوود با صداقتی که کمتر از او دیده بودیم، گفت: «کار تو با من زمین تا آسمون فرق داره. من فقط ادا درمیارم و حالا حس می‌کنم خیلی حقیرم!»

دنیای ورزش

در پنجاهمین سالگرد قهرمانی آرتور اش
طرح افزایش سیاه‌پوستان در تنیس

فدراسیون تنیس ایالات متحده و انجمن تنیس آمریکا از یک ابتکار جدید با هدف افزایش تنوع در ورزش تنیس رونمایی کردند که تمرکز اصلی آن بر افزایش حضور و نمایندگی سیاه‌پوستان در این ورزش است. ورزش تنیس مدت‌هاست به دلیل سلطه سفیدپوستان در سطح حرفه‌ای مورد انتقاد قرار گرفته است؛ به طوری که تنها دو مرد سیاه‌پوست آرتور اش و یانیک نواه موفق شده‌اند یکی از چهار گرند اسلم را فتح کنند، در حالی که بازیکنان سیاه‌پوست حتی در بالاترین سطوح این ورزش نیز با آزار و تبعیض مواجه هستند. ماریسا گریمز، مسئول بخش تنوع، برابری و شمول در فدراسیون تنیس آمریکا، در بیانیه‌ای گفت: «ما به رسمیت شناختن رسمی همکاری‌مان با انجمن تنیس آمریکا افتخار می‌کنیم؛ نهادی که سابقه‌ای غنی در شکستن مرزها و تبدیل تنیس به ورزشی متنوع‌تر و جامع‌تر دارد.» انجمن تنیس آمریکا در سال ۱۹۱۶ تأسیس شد، پس از آنکه فدراسیون سابق تنیس آمریکا بازیکنان سیاه‌پوست را از رقابت با سفیدپوستان در مسابقات رسمی منع کرده بود. این همکاری همزمان با هفتاد و پنجمین سالگرد عبور آلیتیا گیبسون از سد تبعیض نژادی صورت می‌گیرد؛ کسی که در سال ۱۹۵۰ نخستین زن سیاه‌پوستی بود که در مسابقات ملی تنیس آمریکا (که بعدها به «اوپن آمریکا» تبدیل شد) شرکت کرد. رابرت فاستر، رئیس انجمن تنیس آمریکا، نیز گفت: «این همکاری همچنین با پنجاهمین سالگرد قهرمانی آرتور اش در مسابقات ویمبلدون مردان همزمان شده است؛ او اولین و آخرین مرد آمریکایی آفریقایی‌تبار است که این عنوان را کسب کرده. با وجود بزرگی این دستاوردها، جمله‌ای از آلیتیا در ذهنم مانده: «هر چقدر هم دستاورد داشته باشی... همیشه کسانی هستند که به تو کمک کرده‌اند». این همکاری با فدراسیون تنیس آمریکا به ما کمک می‌کند تا آگاهی درباره انجمن‌مان را افزایش دهیم، برند خود را توسعه دهیم و تأثیرگذاری‌مان را در جامعه تنیس بیشتر کنیم.» این ابتکار شامل برنامه‌ای برای راهنمایی و آموزش بازیکنان و مربیان متنوع، از سطوح پایه تا سطوح حرفه‌ای، خواهد بود. حامیان این طرح‌های تنوع و شمول می‌گویند چنین برنامه‌هایی برای جبران دهه‌ها بی‌عدالتی علیه اقشار حاشیه‌نشین در ایالات متحده ضروری است.

رد تلاش برای سانسور جنجال‌های زندگی ستاره برزیلی
درخواست نیمار برای توقف پادکست جنجالی

دادگاهی در ایالت سائوپائولوی برزیل، درخواست نیمار بازیکن فوتبال را برای توقف پخش یک پادکست درباره زندگی و جنجال‌هایش رد کرد و این درخواست را سانسور پیشگیرانه نفرت‌انگیز خواند.
در تاریخ ۲۲ آوریل گذشته، وب‌سایت یونی‌ورسو آنلاین برزیل، قسمت اول یک پادکست ۴۴ دقیقه‌ای را در یوتیوب منتشر کرد که عنوان آن «پروژه نیمار: موفقیت یا شکست؟» بود. این در حالی بود که نیمار، بازیکن فعلی باشگاه سانتوس، پیش‌تر درخواست فوری برای جلوگیری از پخش آن ارائه داده بود که توسط دادگاه رد شد. در قسمت اول این پادکست، به «پروژه جاه‌طلبانه بازاریابی باشگاه سانتوس برای تبدیل نیمار بااستعداد به یک نماد جهانی» پرداخته شده است. در این مستند، اسناد و مدارکی مانند فایل ارائه پاورپوینت، ایمیل‌های داخلی و مصاحبه‌هایی با افراد کلیدی ارائه شده است. همچنین، پدر نیمار و مدیر برنامه‌هایش یعنی «نیمار دا سیلوا سانتوس» به‌عنوان «تاجری حریص و پرنفوذ در دنیای فوتبال» معرفی شده که نقش بزرگی در تصمیم‌گیری‌های فرزندش دارد. انتظار می‌رود در قسمت‌های بعدی، مصاحبه‌ها و اطلاعاتی منتشر شود که جزئیات خصوصی و ناگفته‌ای از زندگی حرفه‌ای نیمار را فاش کند. به گفته سازندگان، آنها به پیام‌های ایمیل، مکالمات واتساپ و قراردادهای تبلیغاتی دست یافته‌اند. قاضی دادگاه ضمن رد درخواست نیمار برای توقف پخش قسمت اول و افشای محتوای قسمت‌های آینده، تأکید کرد که «در نظام حقوقی ما، موافقت فردِ موضوع یک زندگینامه، برای تولید آثار ادبی یا تصویری درباره زندگی‌اش الزامی نیست». با این حال، دادگاه به نیمار ۵ روز فرصت داده تا درخواست خود را اصلاح و مجدداً اعتراض خود را ثبت کند. نیمار، ستاره پیشین بارسلونا و پاری‌سن‌ژرمن و بهترین گلزن تاریخ تیم ملی برزیل، در ابتدای امسال به تیم دوران کودکی‌اش، سانتوس، بازگشت تا شاید بتواند در جام جهانی ۲۰۲۶ شرکت کند؛ بازگشتی که پس از یک دوره ناموفق در الهلال عربستان و مصدومیت طولانی، تاکنون به بازگشت به سطح پیشین بازی‌هایش منجر نشده است.

حاشیه

رد پیشنهاد مربیگری در جام باشگاه‌های جهان
شوک آلونسو به رئال مادرید

ژابی آلونسو، سرمربی باشگاه بایرلورکوزن آلمان، شوک بزرگی به مسئولان و هواداران رئال مادرید وارد کرد؛ آن هم پس از گزارش‌هایی که اخیرا او را به عنوان جانشین احتمالی کارلو آنچلوتی، سرمربی ایتالیایی تیم مادریدی مطرح کرده بودند. حدود یک ماه پیش، ژابی آلونسو با مدیریت باشگاه رئال مادرید تماس گرفته بود، در حالی که باشگاه کنونی‌اش بایرلورکوزن از او خواسته بود تا پاسخ نهایی‌اش را در مورد تمدید قرارداد بدهد. رئال مادرید از آلونسو خواسته بود که برای تصمیم‌گیری صبر کند و برای آلونسو روشن بود که تصمیم نهایی باشگاه به نتایج تیم بستگی دارد. با این حال، نگرانی آلونسو تنها به آینده‌اش در رئال مادرید محدود نمی‌شد؛ او احساس مسئولیت اخلاقی نسبت به بایرلورکوزن داشت، باشگاهی که از سال ۲۰۲۲ به او اعتماد کرده بود. به همین دلیل، او ترجیح داد با شفافیت عمل کند و از رئال مادرید درخواست کرد تا موضع خود را روشن کند، به‌ویژه با توجه به نزدیک شدن زمان تصمیم‌گیری نهایی‌اش در ماه مارس. شبکه اسپانیایی «ریلفو» فاش کرد که ژابی آلونسو پیشنهاد هدایت رئال مادرید در جام جهانی باشگاه‌ها را رد کرده و ترجیح داده است که این مسئولیت را تا آغاز فصل جدید به تعویق بیندازد. این گزارش توضیح می‌دهد که سرمربی جوان معتقد است تیم در پایان یک فصل طولانی، از نظر ذهنی و بدنی خسته خواهد بود و بنابراین قادر نخواهد بود ایده‌هایش را آنطور که می‌خواهد اجرا کند؛ در حالی که او روی یک شروع ایده‌آل پس از تعطیلات تابستانی حساب کرده است. همچنین آلونسو احساس کرد که مدیریت باشگاه، به‌ویژه فلورنتینو پرز، در تصمیم‌گیری تردید دارد، هرچند حمایت‌هایی از سوی شخصیت‌های تأثیرگذاری مانند خوسه آنخل سانچز در داخل باشگاه دریافت کرده است. با وجود بررسی گزینه‌های جایگزین مانند یورگن کلوپ، آلونسو همچنان اصلی‌ترین گزینه برای هدایت تیم باقی مانده است. با وجود این شوک برای هواداران رئال مادرید، شبکه «ریلفو» در گزارش خود آورده که ژابی آلونسو در حال آماده‌سازی خود برای زندگی جدید در مادرید است؛ به‌طوری که در تعطیلات کریسمس گذشته، خانه‌اش را با فناوری‌های هوشمند تجهیز کرده و نمایندگان رئال مادرید بارها به دیدارش رفته‌اند. فرناندو کارو، مدیرعامل بایرلورکوزن نیز تأیید کرده که این باشگاه با جدایی آلونسو مخالفتی ندارد، بلکه قدردان تلاش‌های اوست و تنها از او می‌خواهد که مأموریتش را تا پایان فصل به‌طور حرفه‌ای به انجام برساند.

با نظر شورای المپیک آسیایی
ورود ام‌ام‌ای به بازی‌های آسیایی

طبق اعلام شورای المپیک آسیایی ورزش هنرهای رزمی مختلط (MMA) به بازی‌های آسیایی که سال آینده در ژاپن برگزار خواهد شد، اضافه می‌شود. در همان جلسه‌ای که روز دوشنبه در شهر ناگویا، میزبان بازی‌ها برگزار شد، موافقت شد که ورزش کریکت نیز به برنامه این بازی‌ها افزوده شود، هرچند هنوز محل دقیق برگزاری آن مورد شک و تردید است. شورای المپیک آسیایی اعلام کرد: «ورزش هنرهای رزمی مختلط در اولین حضور خود در بازی‌های آسیایی شامل شش مسابقه خواهد بود و در دسته ورزش‌های رزمی قرار می‌گیرد»، که به همراه کوراش و جوجیتسو در این دسته جای می‌گیرد. این شورا و برگزارکنندگان بازی‌ها جلساتی را این هفته برگزار می‌کنند تا آمادگی‌ها برای بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ را که از تاریخ ۱۹ سپتامبر تا ۴ اکتبر در ناگویا و استان آیتاچی برگزار خواهد شد، افزایش دهند. شورای المپیک آسیایی پیش‌بینی می‌کند که ۱۵ هزار ورزشکار از ۴۵ کمیته ملی المپیک در ۴۱ رشته ورزشی در این بازی‌ها شرکت کنند که این تعداد از شرکت‌کنندگان در بازی‌های المپیک تابستانی بیشتر است. شورای المپیک آسیایی همچنین اعلام کرد مسابقات کریکت در استان آیتاچی برگزار خواهد شد اما مکان دقیق برگزاری هنوز مشخص نیست؛ زیرا در حال حاضر مکانی اختصاصی برای این ورزش در استان آیتاچی وجود ندارد. ورزش کریکت برای اولین بار در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۳ در چین گنجانده شد و پس از غیبت آن از بازی‌های المپیک از پاریس ۱۹۰۰، به برنامه المپیک در لس‌آنجلس ۲۰۲۸ بازخواهد گشت.

این دو ژاپنی سرشناس در ایران چه می‌کنند؟
نونوکا اوزاکی عاشق حسن یزدانی و شیفته تهران

گروه ورزش | در حالی که اکثر مدال‌آوران المپیک پاریس از ژاپن در حال آماده‌سازی برای جام میجی در ماه ژوئن در سالن‌های ورزشی دانشگاه‌های محل تمرین خود در ژاپن هستند، نونوکا اوزاکی (قهرمان جهان) و کایسه تانابه (قهرمان آسیا در وزن ۶۵ کیلوگرم) در میان برنامه فشرده تمرینی‌شان، سفری آمادگی‌بخشی به ایران، قلب دنیای کشتی را در برنامه خود گنجانده‌اند. این نوع همکاری و پیوند بین کشتی‌گیران دو کشور که رقیب هم در مسابقات آسیایی و جهانی هستند که کم‌نظیر است. نونوکا اوزاکی که مدال برنز المپیک پاریس را در وزن ۶۸ کیلوگرم کسب کرده بود، به‌تازگی به میادین بین‌المللی بازگشته و مدال نقره وزن ۶۲ کیلوگرم را در رقابت‌های قهرمانی آسیا در ماه مارس به دست آورده است. او انتظار می‌رود در جام میجی که از ۱۹ تا ۲۲ ژوئن در توکیو برگزار می‌شود، شرکت کند.
اوزاکی به اتحادیه جهانی کشتی (UWW) گفت: «من الان در ایران هستم. همیشه دلم می‌خواست اینجا را ببینم. واقعا خوشحالم.»
اوزاکی در طول سفرش به تهران، از اردوگاه تمرینی بازدید کرد و با اعضای تیم ملی ایران درباره تکنیک‌ها و نکات کشتی تبادل نظر داشت. او افزود: «ایران قهرمانان زیادی در سطح جهانی و المپیک دارد و من می‌خواستم کشتی را اینجا یاد بگیرم. یک هفته اینجا بودم و این تجربه خیلی به من برای درک بهتر کشتی کمک خواهد کرد.»
کایسه تانابه نیز که مدال طلای قهرمانی آسیا در وزن ۶۵ کیلوگرم را کسب کرده، همراه با اوزاکی در اردوی تیم ملی ایران حضور داشت. این کشتی‌گیر از دانشگاه علوم ورزشی نیپون نیز قرار است در جام میجی شرکت کند. در صورت پیروزی در این رقابت‌ها، سهمیه حضور در رقابت‌های جهانی سپتامبر را کسب خواهد کرد؛ جایی که ممکن است با رحمان عموزاد (مدال‌آور نقره المپیک پاریس از ایران) روبه‌رو شود، کسی که او نیز در اردوی تهران حضور داشت.
عموزاد در فینال وزن ۶۵ کیلوگرم المپیک پاریس به کوتارو کییوکا از ژاپن باخت؛ کییوکا یکی از هم‌تیمی‌های تانابه در دانشگاه NSSU است.
اوزاکی ۲۲ ساله دو مدال طلا مسابقات قهرمانی کشتی جهان ۲۰۲۲ و مسابقات قهرمانی کشتی جهان ۲۰۲۳ و مدال برنز بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس و مسابقات قهرمانی کشتی جهان ۲۰۲۱ را در کارنامه‌اش دارد و یکی از بهترین‌های دنیای کشتی زنان است. او البته علاقه زیادی به حسن یزدانی اسطوره کشتی ایران دارد. او به حدی شیفته قهرمان ایرانی است که حتی تصویر او را روی تی‌شرت خودش چاپ کرد. در شهریور ۱۴۰۱ که او در ۱۹ سالگی توانست در صربستان مقام قهرمانی جهان را در وزن ۶۲ کیلوگرم به‌دست بیاورد، این تی‌شرت را به تن کرده و مقابل دوربین عکاسی با دستش تصویری از قلب را ساخت.
او در مهرماه سال ۱۴۰۲ و بعد از قهرمانی در رقابت‌های قهرمانی کشتی جهان به مقام قهرمانی رسید هم در یک پست اینستاگرامی عکسی از حسن یزدانی را منتشر کرده و زیر آن نوشت: «دوست دارم مثل حسن قوی باشم.»

سوژه

تیم ملی برزیل با متفاوت‌ترین لباس تاریخ
قناری‌ها قرمز شدند

منتخب برزیل یکی از معدود تیم‌های فوتبال در جهان است که بازیکنانش همیشه دو پیراهن بیشتر نمی‌پوشند و رنگ پیراهن‌ها تقریبا در طول تاریخ تغییر نکرده است. این تیم با پیراهن زرد و اعداد سبز رنگ، شورت آبی بازی می‌کند؛ رنگ‌هایی که در پرچم برزیل نیز وجود دارند.
در برخی از بازی‌ها، زمانی که به عنوان مهمان بازی می‌کند و مجبور به استفاده از پیراهن دوم می‌شود، تیم برزیل با پیراهن آبی و شورت سفید به میدان می‌رود. اما به نظر می‌رسد این سنت دیرینه که نسل‌ها در تیم ملی برزیل با آن آشنا هستند و به همراه پنج قهرمانی جام جهانی فوتبال، در آینده نزدیک تغییر خواهد کرد.
تیم ملی برزیل به زودی برای اولین بار در بیش از ۱۰۰ سال گذشته از پیراهن قرمز استفاده خواهد کرد. منابع نزدیک به فدراسیون فوتبال برزیل فاش کردند که تیم ملی برزیل همچنان پیراهن اصلی خود را با رنگ زرد حفظ خواهد کرد اما در جام‌جهانی ۲۰۲۶ از پیراهن قرمز به عنوان پیراهن دوم استفاده خواهد کرد.
این منابع افزودند که تیم برزیل برای اولین بار در تاریخ در جام‌جهانی ۲۰۲۶ با پیراهن قرمز دوم به میدان خواهد رفت. براساس همان منبع، فدراسیون فوتبال برزیل با برند جدیدی به نام «جوردن» به جای برند فعلی «نایکی» برای تأمین تجهیزات و لباس‌های ورزشی قرارداد خواهد بست. از نظر تاریخی، تیم ملی برزیل فقط با دو پیراهن به میدان آمده است: پیراهن زرد اصلی یا پیراهن آبی دوم که در برخی از بازی‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر استفاده شده بود. در جام جهانی ۲۰۰۲، زمانی که برزیل آخرین قهرمانی خود را در این رقابت‌ها به دست آورد، این تیم در فینال مقابل آلمان با پیراهن اصلی به میدان رفت و پیروز شد (۲-۱)، رنگ‌هایی که در فینال جام‌جهانی ۱۹۹۴ نیز در مقابل ایتالیا استفاده شدند و رفقای روماریو در آن بازی مقابل ایتالیا پیروز شدند. تیم ملی برزیل در حال حاضر در رتبه چهارم گروه آمریکای جنوبی برای صعود به جام جهانی ۲۰۲۶ قرار دارد و ۲۱ امتیاز از ۱۴ بازی کسب کرده است، با اختلاف ۱۰ امتیاز از آرژانتین صدرنشین که به طور رسمی جواز صعود را دریافت کرده است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی

برابررای شماره۱۴۰۴/۱۷۸مورخه۱۴۰۴/۰۱/۰۹هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمد جوادسمائی فلاحی فرزندحاتم بشماره شناسنامه ۹ صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۶۹۸/۲۵مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۲فرعی از۳۳اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسداباد اراضی روستای قاسم آباد لک لک خریداری ازمالک رسمی کاظم فلاح فرزند نورالله محرزگردیده است. لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف ۸۲

محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی

برابررای شماره۱۴۰۴/۱۰۸۵مورخه۱۴۰۴/۰۱/۳۰هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض سیروس وفائی فرزند خداداد بشماره شناسنامه ۱۲۲۰صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۹۲/۲۲مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۴۲اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسداباد روستای حسام آباد خریداری ازمالک رسمی خداداد وفائی فرزند یدالله محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف ۱۸۰

محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی

برابررای شماره۱۴۰۴/۱۵۲۶مورخه۱۴۰۴/۰۲/۰۶هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض مهدی مرادی سیراوند فرزند حیدر بشماره شناسنامه ۱۵۴۷صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای کاربری ترمینال به مساحت ۱۵۰۰مترمربع پلاک شماره ۳۰۱فرعی از ۶۶اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسداباد بالاترازشهرک جانبازان خریداری ازمالک رسمی امیرخان رسول شعبانی فرزند ابراهیم محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف ۱۷۷

محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

شناسه آگهی : ۱۹۲۰۴۵۲ نوبت دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی دو مرحله ای بصورت فشرده (یکپارچه)

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصهٔ عمومی دو مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۶۳۳۴۰۰۰۰۱۲
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای R1-۰۴۴۱۰۰۱-AD مناقصه شماره R1-۱۴۰۴/۰۰۲
موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید STUD BOLT تعمیرات اساسی (تولید داخل مورد تایید می باشد)
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	-/۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/- ریال
نوع تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	-/۴۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه در سامانه ستاد	۶ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) فنی ، مالی و سایر اسناد مناقصه در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد.
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر - شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی-پالایشگاه اول –اداره خرید

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد وبه پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۴۴۳۰-۰۷۷۳۱۳۱۴۳۳۵ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
۸۱

همراه با تحریریه هفت‌صبح اخبار و گزارش‌ها را آنلاین پیگیری کنید
7SOBH.COM

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذریور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۳:۴۰ | طلوع آفتاب: ۰۵:۱۳ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۸:۵۰ | اذان مغرب: ۱۹:۰۹

تاثیر اعتماد و گفت‌وگوهای پایدار بر مسیر تاریخی جهان:

شامی که به نجات اروپا کمک کرد

اسقف اعظم واتیکان و مشاور امنیت ملی آمریکا به جلوگیری از حمله شوروی به لهستان کمک کردند

یاسمن طاهریان
روزنامه‌نگار

سال ۱۹۷۹، پاپ ژان پل دوم در اولین سفر رسمی به ایالات متحده با جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کرد. کمی پس از آن، او از زبیگنیف برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر دعوت کرد تا در یک مراسم شام در سفارت واتیکان در واشنگتن شرکت کند. کارتر علاوه بر مسائل جهان می‌خواست با پاپ منتخب درباره افول اخلاقی صحبت کند اما برژینسکی موضوعات کاربردی‌تری را در ذهن داشت. اسقف اعظم و مشاور امنیت ملی علاقه شدیدی به صحبت درباره شوروی داشتند. در مراسم شام ساده‌ای که در سفارت برگزار شد، صحبت‌ها حول محور این بود که آنها چگونه می‌توانند با کمک یکدیگر تسلط مسکو بر کشورهای دلباخته به آن را تضعیف کنند. برژینسکی مجذوب دانش ژئوپلیتیک پاپ شده بود. او به شوخی گفت کارتر بیشتر شبیه یک رهبر مذهبی است و پاپ مثل یک دولتمرد جهانی. ادوارد لوس، روزنامه‌نگار، ستون‌نویس و تحلیلگر آمریکایی در نیویورک تایمز می‌نویسد برژینسکی در دفترچه خاطرات خود نوشت که «جانشین مسیح» هم با خنده‌ای از ته دل شوخی‌ام را تایید کرد.

پس از آن شب، این دو شخصیت لهستانی‌تبار، ژان پل دوم که اولین اسقف اعظم غیرایتالیایی در تاریخ ۴۵۵ ساله واتیکان بود و برژینسکی که اولین (و تا به امروز) و تنها استراتژیست بزرگ لهستانی‌زبان، به متحدان صمیمی تبدیل شدند.

رابطه غیرمنتظره این دو در اواخر سال ۱۹۸۰ نقش مهمی در منصرف کردن شوروی از حمله به لهستان داشت؛ جایی که جنبش همبستگی، چالش جدی را برای دولت کمونیستی ایجاد کرد. شراکتی که در جریان گفت‌وگوها در سفر برژینسکی به واتیکان، در مکاتبات دست‌نوشته‌های طولانی و مکالمه‌های تلفنی صورت گرفت. حتی شماره تلفن پاپ در کاخ سفید با حرف «پ» مشخص شده بود. رابطه ژان پل با برژینسکی مثال واضحی از چگونگی عملکرد دیپلماسی در زمانی است که اعتماد متقابل وجود دارد. جاذبه دوطرفه امری نادر اما بسیار سازنده است. در جهان بی‌ثبات امروز گفت‌وگوی پایدار چه با متحدان چه با دشمنان از هر زمان دیگری حیاتی‌تر است. توانایی اینکه در مواقع پرتنش تلفن را بردارید و بدانید که می‌توانید به آن طرفی که پشت خط است، اعتماد کنید، محصول تلاش‌های مداوم است. با این حال پیدا کردن زمان کار سختی است. فناوری یعنی اینکه نمایندگان رئیس‌جمهور همیشه در دسترس کاخ سفید قرار دارند تا به سیلی از نیازهای رقبا پاسخ دهند. جهان هم جای پیچیده‌تری نسبت به ۴۰ سال پیش است و دیپلمات‌های آمریکایی در داخل هم از توجه بیشتری برخوردار بوده‌اند. پوشش رسانه‌ای ۲۴ ساعته هم پنهانکاری را سخت‌تر می‌کند. سفر پنهانی هنری کیسینجر به پکن در سال ۱۹۷۱ برای نزدیکی دوباره روابط آمریکا با مائو تسه‌تونگ را به‌سختی می‌توان امروز تصور کرد. کیسینجر همچنین روابط مستحکمی را با همتایان شوروی خود ایجاد کرد (برژینسکی در مسکو منفور بود و کارتر او را از گفت‌وگو با مقامات شوروی دور نگه داشته بود). حتی زمانی که ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا تلاش می‌کرد تا چین را از بلوک جنگ سرد شوروی دور نگه دارد، کیسینجر به‌طور مرتب آندری گرومیکو، وزیر خارجه شوروی بی‌احساس را ستایش می‌کرد و اغلب با آناتولی دوبرینین، سفیر قدیمی شوروی در واشنگتن شام می‌خورد. اینکه ایالات متحده توانست چین را از شوروی دور نگه دارد و درعین حال از روابط خود با مسکو تنش‌زدایی کند، شاهکار دیپلماسی به‌شمار می‌رود. این موضوع همچنین محصول سرمایه‌گذاری در زمان برای روابط بود.

یکی از مثال‌های اخیر از مکالمه پایدار بین رقبا می‌توان به روابط جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی جو بایدن و وانگ یی، دیپلمات عالی‌رتبه چینی اشاره کرد. در نیمه دوم ریاست‌جمهوری بایدن، این دو مقام در وین، مالتا، بانکوک، پکن و واشنگتن برای مذاکره دیدار کردند که به گفته سالیوان مدت زمان گفت‌وگوهای آنها بیش از ۵۰ ساعت طول کشید. ماموریت او برای ثبات روابط آمریکا و چین با پیروزی دونالد ترامپ در نوامبر گذشته کوتاه شد. درخواست چین از ترامپ برای انتصاب فرستاده خود همچنان بی‌پاسخ مانده است.

اگر روابط باثبات میان مقامات کشورها که منجر به اعتمادسازی می‌شود، وجود نداشته باشد، خطر رخدادهای نظامی که از سوءبرداشت یا بی‌اطلاعی حاصل می‌شود، بسیار بیشتر خواهد شد. سیاست‌های آمریکا هیچ‌وقت به مرزهای داخلی آن محدود نبوده است. اما دیپلماسی آمریکایی در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی مثل امروز تا این حد سیاسی نشده بود.

افزایش خطر برای لهستان در سال ۱۹۸۰ و پس از شکست کارتر در انتخابات به رونالد ریگان اتفاق افتاد. در ۶ دسامبر، استانسفیلد ترنر، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) به رئیس‌جمهور هشدار داد که در ۴۸ ساعت آینده شوروی حمله خواهد کرد. این کشور ۱۵ لشکر نظامی خود را در مرز لهستان قرار داده بود. برژینسکی و ژان پل هفته‌ها بود که با تماس‌های تلفنی پشت‌سرهم تلاش می‌کردند به لخ والسا رهبر کاریزماتیک لهستان هشدار دهند که لفاظی‌های ضدشوروی خود را کاهش دهد. آنها به والسا گفتند که هیچ بهانه‌ای نباید به دست شوروی داده شود. همزمان واشنگتن، رهبران کشورهای متحد و واتیکان به‌وضوح به شوروی اعلام کردند که جذب لهستان کار راحتی نیست. ارتش سرخ به مقاومت شدید کارگران سندیکاهای والسا، کلیسای کاتولیک و حتی عناصر ارتش لهستان روبه‌رو خواهد شد. در این میان برژینسکی هم تلاش می‌کرد تا اطلاعات لازم را در اختیار تیم جدید کاخ سفید قرار دهد. ریچارد آلن، جانشین برژینسکی موافقت کرد تا بر هشدارهای کارتر علیه مسکو تاکید کند. تاکتیک‌های هماهنگ برژینسکی و ژان پل دوم که بر پایه اعتماد و دوستی بنا شده بود به جلوگیری از حمله‌ای که می‌توانست تاریخ را تغییر دهد، کمک کرد.

اسقف اعظم و مشاور امنیت ملی علاقه شدیدی به صحبت درباره شوروی داشتند. در مراسم شام ساده‌ای که در سفارت برگزار شد، صحبت‌ها حول محور این بود که آنها چگونه می‌توانند با کمک یکدیگر تسلط مسکو بر کشورهای دلباخته به آن را تضعیف کنند. برژینسکی مجذوب دانش ژئوپلیتیک پاپ شده بود

زنان شگفت‌انگیز

زنی که در میانه میدان جنگید

در دل کویر خرافات و سکوت، در سده‌ای که «زن» در قاموس بسیاری نه انسان که سایه‌ای محو شمرده می‌شد، نوری متولد شد. صدیقه دولت‌آبادی، دختری از دیار دولت‌آباد اصفهان، چشم به جهانی گشود که در آن درس خواندن زن جسارت می‌طلبید و قلم زدن، طغیانی خاموش بود. فرزند هفتم میرزاهادی دولت‌آبادی، روحانی روشن‌اندیشی که منبر را به پایگاه دانش و آگاهی بدل کرده بود، از کودکی طعم علم را چشید. در خانه‌ای که هفت برادرش به تحصیل سرگرم بودند، صدیقه نیز با تشویق پدر، بی‌اعتنا به نگاه‌های سنتی، زبان فرانسه آموخت، مثنوی و گلستان خواند و خطاطی کرد. زندگی او، هماره آمیخته بود به شور و شعور. در ۱۶ سالگی به اجبار، همسر حکیم‌باشی دربار شد، اما زود دریافت که این بندها، طبع بلندش را خفه می‌کنند. به شجاعتی کم‌نظیر در آن عصر، از همسرش جدا شد و آزادی را ـ حتی اگر تلخ و پرزحمت بود ـ به بندگی خوشایند ترجیح داد. دولت‌آبادی نه در خلوت که در میانه میدان جنگید. نخستین مدرسه دخترانه را در اصفهان بنیان نهاد، بی‌اعتنا به سنگ‌هایی که متعصبان پرتاب می‌کردند. روزنامه «زبان زنان» را منتشر کرد؛ نشریه‌ای که نخستین بار، «زنان» را در عنوان خود جای داد و بر صفحه‌هایش رنج‌های خاموش مادران این خاک را فریاد زد. زمانی که وزنه سنت، چنان سنگین بود که حتی رویای آزادی در نطفه خفه می‌شد، او پرچمدار روشنگری شد.

پس از توقیف روزنامه‌اش و تهدیدهای پی‌درپی، به اروپا سفر کرد. در سوربن، در کالج‌های شبانه‌روزی، در کوچه‌های مه‌آلود پاریس، دانشی را به چنگ آورد که می‌دانست روزی، باید آن را در خاک وطن، در دل دختران خفته، بکارَد. شش سال آموخت، اندیشید و هر بار که به نقشه ایران چشم دوخت، به خود قول داد بازگردد.

بازگشت؛ به وزارت معارف پیوست، کانون بانوان را به راه انداخت، مدارس دخترانه را بنیاد نهاد و در سنگلاخ جهل، بذر آگاهی پاشید. صدیقه دولت‌آبادی، نه سودای قدرت داشت، نه فریفته مد بود؛ آرمانش فقط یک چیز بود: ساختن زنانی که به جای قفس، بال بخواهند. زنانی که خود، تاریخ خود را بنویسند.

سرانجام در مرداد ۱۳۴۰، در سکوت، در پی بیماری، چشم از جهان فروبست اما بانویی که عمری را برای روشنگری سوخت، خاموش نشد.

پیشنهاد فرهنگی

آرمانشهری چندنژادی

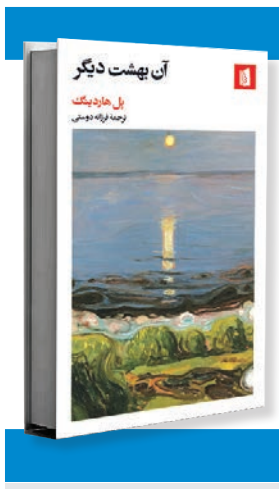

«آن بهشت دیگر» سومین داستان بلند پل هاردینگ است که نگارش آن پس از انتشار داستان «انون» منتشر شد و گویی در ادامه همان داستان یک دهه طول کشید و سرانجام توسط انتشارات نورتون منتشر شد. پل هاردینگ در «آن بهشت دیگر» رمانی خلق کرده که هم از نظر تاریخی و هم از نظر عاطفی تأثیرگذار است. این داستانی است از بقا و از دست‌دادن، از جامعه و جابه‌جایی، اما بیش از همه، داستانی است از آنچه معنای انسانی‌بودن است. در رمان جدید پُل هاردینگ، نویسنده برنده جایزه پولیتزر برای رمان «دوره گرده‌ها»، تاریخ و سرنوشت دردناک یک جامعه نژادهای مختلف را که از خانه‌های خود در یک جزیره دورافتاده در سواحل مین اخراج شده‌اند، بازآفرینی می‌کند؛ رمانی الهام‌گرفته از داستان واقعی جزیره مالاگا. نثر شجاعانه و شاعرانه آن بهشت دیگر آرمانشهری چندنژادی را پیش رویمان می‌گذارد که زمانی رونقی داشته و حالا در زمانه همدستیِ مخوف نژادپرستی و علم، چیزی به پایان حیاتش نمانده است. در حکایت ساکنان جزیره سیب... به‌ناچار با ماهیت مبهم شفقت، محدودیت‌های رواداری و معنای واقعی نجات مواجه می‌شویم. رمانی است درخشان و تأمل‌برانگیز. این اثر با ترجمه فرزانه دوستی در ۳۲۳ صفحه توسط انتشارات بیدگل منتشر شده است.

کافه ستاره ها

همینگوی خرافاتی

اعتقادات نامعمول خالق وداع با اسلحه؛ از پای خرگوش تا پنجه خرس

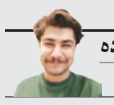

علی‌اکبر عبداله‌زاده
هفت صبح

ارنست همینگوی، نویسنده مشهور آمریکایی، به علاوه شهرتش به خلق آثاری مثل «وداع با اسلحه» و «پیرمرد و دریا» که هر کدام وزنه‌ای در ادبیات جهان به حساب می‌آیند؛ با عاداتی نامعمول و اعتقاداتی غریب روزگار می‌گذراند. او به طلسم‌ها و نیروهای ماورایی به شدت معتقد بود و

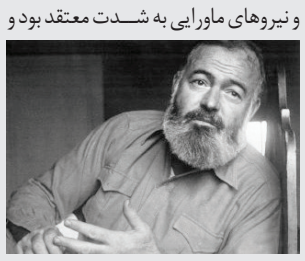

این باورها بر بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره و حتی فرآیند نوشتنش نیز تأثیر می‌گذاشت. همینگوی همیشه اشیای خاصی را کنار دست خود داشت که روی آنها به عنوان طلسم‌های شانس حساب می‌کرد. چیزی مثل پای خشک‌شده خرگوش که همیشه در جیبش نگه می‌داشت و این باور را از سنت قدیمی شکارچیان به عاریه گرفته بود. علاوه بر این، مجموعه‌ای از سکه‌های قدیمی را در کیف پولش نگهداری و قبل از شروع نوشتن آنها را لمس می‌کرد. در سفرهای طولانی به قصد شکار نیز پنجه یک خرس را به گردن می‌آویخت و اعتقاد داشت این طلسم از او در طبیعت وحشی اطرافش محافظت می‌کند.

این نویسنده بزرگ آمریکایی گاهی اوقات ادعا می‌کرد که برخی از بهترین ایده‌هایش را نه از ذهن خود، بلکه از منابع ناشناخته‌ای دریافت می‌کند. همینگوی پس از یک سقوط هوایی وحشتناک در آفریقا و سال ۱۹۵۴، اذعان کرد که نیرویی مرموز به او دستور داده که زنده بماند و به نوشتن ادامه دهد. همینگوی در نامه‌ای به ناشرش، چارلز اسکریبنر، نوشته بود که گاهی احساس می‌کند کلمات نوشته‌هایش را موجود دیگری برایش زمزمه می‌کند و او تنها واسطه‌ای بیش نیست. ترس از عدد ۱۳ و اعتقاد به روزهای نحس بخش دیگری از باورهای عجیب همینگوی بود. او از این عدد بدنام به شدت می‌هراسید و سعی می‌کرد در روز سیزدهم هر ماه از انجام کارهای حیاتی و مهم خودداری کند. اگر صبح یک روز، هنگام نوشتن به‌صورت اتفاقی آینه‌ای می‌شکست یا مقداری نمک روی زمین می‌ریخت، آن روز را نحس می‌دانست و از نوشتن دست می‌کشید. سفرهای همینگوی به آفریقا تأثیر عمیقی بر باورهایش گذاشت. او در این سفرها با قبایل محلی ارتباط برقرار کرده و تحت تأثیر آیین‌های شمنی آنها قرار گرفته بود. همینگوی بعدها گفت که این آیین‌ها به او کمک کرده‌اند تا نیروهای درونی خود را تقویت کند. ردپای این اعتقادات را می‌توان در داستان معروف او «برف‌های کلیمانجارو» به‌وضوح مشاهده کرد.

جالب اینکه در سال‌های پایانی زندگی، همینگوی به دوستان نزدیکش گفته بود که «جادوگران» زمان مرگش را پیش‌بینی کرده‌اند. نکته عجیب اینجاست که او درنهایت خودکشی کرد! در حالی که سال‌ها قبل می‌گفت مرگش سریع و غیرمنتظره خواهد بود. این باورهای عجیب و غریب، چه واقعی بوده و چه نبوده‌اند، بخشی از شخصیت پیچیده همینگوی را تشکیل داده و شاید همین اعتقادات به او کمک می‌کردند تا در دنیای پرتلاطم درونی خود احساس کنترل بیشتری داشته باشد. به‌هرحال، این باورهای غیرمعمول، سایه‌ای اسرارآمیز بر زندگی یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان قرن بیستم انداخته است.

یادداشت

از بچه‌های کوچه یاد بگیریم

عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

فستیوال کوچه آبرومند آغاز شد و باشکوه به کار خویش پایان داد. هرچند بعضی‌ها دوست داشتند این اتفاق دوست‌داشتنی را به حواشی جنجالی پیوند بزنند اما هوشمندی دست‌اندرکاران این فستیوال مانع از تحقق اغراض و اهداف‌شان شد. معرفی سه محل رسمی برای برگزاری فستیوال باعث شد تا همان بعضی‌ها نتوانند اتفاقات بیرونی را به بچه‌های کوچه نسبت دهند و پایان خودخواسته فستیوال آن هم به مناسبت شراکت در همدردی و سوگواری بندرعباسی‌ها باعث شد تا بدخواهان زبان در کام کشند و دست‌کم تا سال دیگر صدای‌شان در نیاید. همه این اتفاقات نشان داد برخلاف تصور کسانی که جهان را از دریچه تنگ سیاست می‌بینند هنوز هم اهالی فرهنگ قابل اعتمادترین آدم‌های این سرزمینند. جالب اینکه بچه‌های کوچه خیلی زودتر از صدا و سیمایی که دعوی ملی بودن دارد به همدردی با مردم ایران برخاستند. صدا و سیمایی‌ها ۲۴ ساعت بعد از فاجعه و تازه آن هم بعد از فشار افکار عمومی مجبور به واکنش شدند اما کوچه‌ای‌ها در دم جشنواره را به سوگواره بدل کردند و بعد هم به احترام داغدیدگان برنامه‌های‌شان را نیمه‌تمام رها کردند. اما این فستیوال علاوه بر حاشیه‌سازانِ پُرحاشیه، منتقدان دیگری هم داشت. منتقدانی که معتقد بودند چهره‌هایی که قرار است به‌عنوان چهره‌هایی ادبی در این فستیوال حضور پیدا کنند شانیت لازم را ندارند. آنها معتقد بودند جنوب و به‌خصوص بوشهر چهره‌های ارزشمند و جدی ادبی دارد و لازم نیست سلبریتی‌هایی که از حیث ادبی وزن و اندازه‌ای ندارند به‌عنوان نویسنده و اهل ادبیات معرف این خطه باشند. در مقابل کسانی هم گفتند که اتفاقات ادبی جدی به‌خودی‌خود در این سرزمین مخاطب ندارد و چاره‌ای نیست جز آنکه از همین طریق مخاطب عام را به سمت ادبیات جدی سوق دهیم. می‌شود برسر این موضوع بحث کرد. حتی می‌شود اهالی رسانه با دست‌اندرکاران فستیوال وارد بحث و گفت‌وگو شوند. یا اینکه مناظره‌ای بین آنها و منتقدان ترتیب دهند تا حرف‌های دو طرف شنیده شود. خوبی منتقدان فرهنگی فستیوال کوچه این است که شما می‌توانید با آنها وارد بحث و گفت‌وگو شوید. آنها نه زور مردم‌آزاری دارند و نه ابزاری برای محدود کردن و تهدید دیگران. آنها هم مثل بچه‌های کوچه دغدغه فرهنگ دارند و چه بسا دغدغه آنها جدی‌تر هم باشد. مهم این است که می‌شود با آنها حرف زد. می‌شود گفت و می‌شود شنید. می‌شود با آنها تعامل داشت. می‌شود از آنها چیزی یاد گرفت. ای کاش معترضان پُرحاشیه هم اندکی از خلق‌وخوی اهل فرهنگ را چاشنی اعتراضات‌شان می‌کردند و به جای تهدید و شعارهایی مثل: این آخرین اخطار است، با هموطنان‌شان گفت‌وگو می‌کردند. ای کاش...

از گوشه و کنار دنیا

کودکی به نقاشی روتکو آسیب زد

یک نقاشی عظیم اثر مارک روتکو که گمان می‌رود ده‌ها میلیون دلار ارزش داشته باشد، پس از آسیب دیدن توسط یک کودک بازدیدکننده، از نمایشگاه یک موزه هلند برداشته شد.

اکنون مرمتگران باید این اثر هنری با عنوان «خاکستری، نارنجی روی بلوطی، شماره ۸» را پس از «خراشیده شدن» توسط کودکی در بازدید از گالری روتردام، جایی که این اثر به نمایش گذاشته شده بود، تعمیر کنند.

این نقاشی انتزاعی مربوط به سال ۱۹۶۰ که دو نیم متر ارتفاع و دو متر و ۶۰ عرض دارد، یکی از آثار اصلی موزه بویمانس ون بوئنینگن در روتردام بود - اگرچه به‌طور موقت در دپو بویمانس ون بوئنینگن به نمایش گذاشته شده بود- زیرا موزه در حال حاضر برای یک بازسازی گسترده تعطیل است.

موزه این حادثه را در بیانیه‌ای که به سی‌ان‌ان ایمیل شد، تأیید کرد. در این بیانیه آمده است: «نقاشی خاکستری، نارنجی روی بلوطی، شماره ۸ اثر مارک روتکو پس از لمس نقاشی توسط یک کودک در زمان نمایش، دچار آسیب سطحی شده است. درنتیجه، خراش‌های کوچکی در لایه رنگ بدون لاک در قسمت پایینی نقاشی قابل مشاهده است. در هلند و خارج از کشور از متخصصان حفاظت از این اثر درخواست کمک شده است. ما در حال حاضر در حال تحقیق در مورد مراحل بعدی برای رسیدگی به نقاشی هستیم. انتظار داریم که این اثر در آینده دوباره به نمایش گذاشته شود.» موزه از اعلام ارزش نقاشی یا هزینه احتمالی تعمیر خسارت - یا اینکه چه کسی قرار است این هزینه را بپردازد - خودداری کرد. روتکو، هنرمند آمریکایی متولد لتونی که در سال ۱۹۷۰ درگذشت، بیشتر به خاطر نقاشی‌های «میدان رنگ» خود شناخته می‌شد. آثار او میلیون‌ها دلار در حراجی‌ها به فروش می‌رسند - در نوامبر ۲۰۲۳، «بدون عنوان، ۱۹۶۸» به قیمت ۲۳.۹ میلیون دلار در ساتبی نیویورک فروخته شد.

عکس نوشت

فلسطینی‌ها منتظر دریافت غذایی هستند که توسط یک آشپزخانه خیریه در بیت لاهیان در نوار غزه پخته می‌شود. در عکس دیگر میرا ابو شار، پنج ساله و خواهر بزرگ‌ترش رغد پانزده ساله با قابلمه بر سر کنار چادر خانواده‌شان منتظر آماده شدن غذا هستند، مواصی در حومه خوان یونس در نوار جنوبی غزه.